



مذاکرات مجلس شورای ملی

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز چهارشنبه (۷) اسفند ماه ۱۳۴۷

۴- تصویب صورت جلسه عصر یکشنبه چهارم اسفند ماه .

۴- ادامه مذاکره در کلیات گزارش کمیسیون بودجه راجع به بودجه سال ۱۳۴۸ کل کشور .
۵- تعیین موقع جلسه آینده - ختم جلسه .

فهرست مطالب:

۱- قرائت اسامی غائبین جلسه قبل
۲- ادامه مذاکره در کلیات گزارش کمیسیون بودجه راجع به بودجه سال ۱۳۴۸ کل کشور .

مجلس در ساعت چهارم و انداز ظهر بریاست آقای عبدالله ریاضی تشکیل گردید

۱- قرائت اسامی غائبین جلسه قبل

رئیس - صورت غائبین جلسه قبل قرائت میشود .
(شرح زیر خوانده شد)

غائبین با اجازه - آقایان :

اهری - دکتر خیراندیش - ربکی - دکتر ستوده
نختر طباطبائی - دکتر حکمت - رضوی - فولادوند - مهندس
معتدی - موسوی ما کوئی - دکتر کاگیل - دکتر بیگانگی
خانم دکتر دولتشاهی

غائبین مریض - آقایان :

- سعید وزیری - سلیمانی کاشانی - فیاض - بختیار
بختیار بها - پرویزی - دکتر قهرمان - دکتر ضیائی - دکتر
عدل طباطبائی - دکتر همتین - مرندی .
رئیس - وارد دستور میشود کلیات لایحه بودجه

سال ۱۳۴۸ کل کشور مطرح است آقای دکتر مدرسی بفرمائید .
دکتر مدرسی - با اجازه مقام ریاست بنده قبل از
ظهور تصمیم شخصی خودم این بود که صحبت هایم را در
نیم ساعت بعرض نمایم گان محترم برسانم و رفع زحمت
بکنم چون بنده معتقد به زیاد صحبت کردن نیستم آنچه
که بعرض رساندم همانطور که ملاحظه فرمودید اکثر
ارقام بودویکی از این ارقام را آقای دکتر یزدان پناه از
قول جناب آقای مرتضوی فرمودند که يك رقم اشتباه بود
چطور میشود فرض کنید ۱۴۰ میلیون سرمایه باشد ۶۷
میلیون تومان عواید بنده البته رقمی از خودم جعل نکردم
و نه چیزی است پنهان و پوشیده است ارقام همه اینجا
حسب و چیزی است که بنده مقداری هم تخفیف دادم باین
معنی که درآمدش کت توسعه ماشینهای کشاورزی در
سال ۶۸ که مبلغ ۱۳۲۲۱۰۰۰۰۰۰ ریال و بنده درآمد
قطعی مندرج در ترازنامه سال ۴۶ را ۶۸ میلیون تومان

است بعرض رسانیدم یعنی در آمد سال ۴۸ نسبت بدرآمد
 قلمی سال ۴۷-۹۹٪ اضافه شده است و مخارج راه مبلغ
 ۱۲۳۸۵۳۴۰۰۰ بیش بینی نموده اند یعنی هزینه های سال
 ۴۸ نسبت به سال ۴۶ هم ۹۳٪ بیشتر شده است
 انشاء الله زنده خواهیم بود و ترانزنامه سالهای
 بعد را هم می بینیم وقتی ترانزنامه با بیش بینی منطبق
 در آمده نصفانه گواهی خواهیم کرد که این بیش بینی در آمد
 حقیقی بوده است بهر حال برای اطلاع جناب آقای مرتضوی
 این رقم را میخوانم که ۳۰۲ صفحه ۲۳۳ بیش بینی
 در آمد و بر آورد هزینه دستگاه بنکاه توسعه مائیت های
 کشاورزی قسمت اول بودجه جاری در آمد ۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰
 ریال در آمدی است که خودشان گفته اند البته بنده ۶۸
 میلیون عرض کردم این قسمت تمام شده کالا با اضافه قسمت
 هزینه فروش مساوی است با ۱۲۳۸۵۳۴۰۰۰ ریال یعنی
 این دورا که از هم کم کنیم ۸۳۵۷۶۰۰۰ ریال بابت سود
 و بهره باقی میماند که همان نسبت هائی است که بنده عرض
 کردم یعنی ۹۳ درصد هزینه است و نزدیک ۷/۰۵ سود
 ویژه نسبت بسرمایه البته ارقامی را که صبح بعرض رساندم
 ارقام ترانزنامه ای بود ارقامی بود که صاحبان سهام زیرش را امضا
 کرده اند و دیگر از نظر دولت قانونی است و مالیاتش را
 هم پرداخته اند ولی این ارقام بیش بینی است و معلوم نیست
 که این هزینه بهمین مقدار بماند یا بسریالاً نرزد بنده
 نمیدانم بهر حال ارقامی که عرض کردم از روی این دفتر
 عرض کردم ضامن صحتش نیستم ولی ضامن اینکه از این
 دفتر گیرفتم هستم بنده قبل از اینکه باین
 دفتر رجوع کنم باطابق مقام ریاست رفتم و از ایشان
 استدعا کردم که معمولاً ترانزنامه های مؤسسات بازرگانی
 را باید با دفاتر و صورتهای زیرمخارج و حسابهای بانکی
 آن مؤسسات تطبیق کرد و این روی فرم های مخصوص
 بودجه نیست و من میخواهم ببینم که خدمات چی هست جناب
 آقای رئیس امر فرمودند به بنده که بریاست کمیسیون
 بودجه مراجعه کنم بکروز که کمیسیون منعقد بود در خیابان
 سنگم مطلب عرض کردم فرمودند بکنفرانز دفتر طرح
 بودجه شما خواهد بود که این چیز هائی را که میخواهید
 و اختیاراتان بگذارد بنده تشکر کردم آمدم بیرون در

جلسه نشسته بودم جناب مرتضوی تشریف آوردند اسمی
 بردند که این آقا مأمور شده است که بشما کمک کند
 بنده روز بعد در مجلس شورای ملی بودم با دداشتی از آن آقا
 که اسمش را بردند رسید که بنده در کمیسیون بودجه
 هستم و گرفتارم ولی اگر میل دارند کمیسیون بودجه را
 ترک کنم بنده زیر یادداشت نوشتم که صحیح نیست کمیسیون
 بودجه کارش معوق معاند ولی ممکن است شما این افتخار
 را به بنده بدهید که ناهار با هم بخوریم و صحبت کنیم ایشان
 تشریف آوردند و صحبت کردند و بنده یک مقدار ارقام ریز
 از ایشان خواستم ایشان اهل اصطلاح بودند و وارد فرمودند
 چشم تهیه میکنم بنده هم منتظر بودم و خوشحال شدم که
 صحبتیم مستند خواهد بود اما بعد خبری نشد فردا به سازمان
 برنامه مراجعه کردم البته قبل از منزل تلفن کردم که
 الان شرفیاب میشوم گفتند بیایید با نجا رفتم منشی شان
 گفتند و یادداشت دادند که از نخست وزیر فوراً ایشان
 را خواسته اند معذرت میخواهند بنده برگشتم روزی
 بود که جلسه مجلس بعد از ظهر نبود روز بعد تلفن کردم
 منشی ایشان فرمودند تشریف ندارند یک ساعت بعد با تلفن
 داخلی سازمان برنامه تماس گرفتم خودشان پیای تلفن
 بودند صورتها را حالا محتم میفرمائید تهیه شده میدهم
 نوبی با کس شما در مجلس قرار دهند فرادیدم در با کس
 خبری نیست به منشی ایشان مراجعه کردم گفتند تشریف
 دارند با تلفن داخلی ایشان را پیدا کردم فرمودند تهیه
 شده باید از فلان مقام اجازه بگیرم بعد بدهم بهر حال صورتها
 بدست بنده نرسید هر چه هم عرض بکنم از همین دفتر
 عرض میکنم مآخذ دیگری غیر از این دفاتر ندارم این
 ارقام است که از ساعت ۷ صبح روز دوشنبه تا چهار
 بعد از نفع شب با ما شین حساب و دو نفر حسابدار
 بزحمت در آوردیم و امروز این ارقام را خدمتتان
 عرض میکنم و اگر هر کدام اشتباه باشد و بفرمائید بنده
 خیلی خیلی ممنون میشوم و خیلی ممنون میشوم که جناب
 آقای مرتضوی با هر کدام از نمایندگان محترم دولت
 تشریف بیاورند اشتباه را تا اطلاع برسانند که بنده در
 اشتباه باشم بعد هم همانطور که عرض کردم خدا را
 شهادت میکنم که هیچ نوع احساس بدی نسبت به

کس ندارم و هیچ نوع حس انتقاد جوئی و عیب جوئی ندارم
 فقط و فقط بخاطر مملکت و بخاطر اینکه و الخرجی کمتر
 باشد این عرایض را میکنم و مرخص میشوم (احسنت)
 اما بنده صبح تا قسمت اینکه در بودجه سال ۴۷ سازمان
 آب منطقه ای تهران سه ماده گنجانده بودند یکی
 جلوگیری از خطر سیل که در ضمن بودجه سال ۴۷
 نوجه گردید بنده عرض کردم شخصاً در کار وزارت
 آموزش و پرورش تخصصی ندارم ولی معلم حق التدریس
 دانشگاه تهران هستم میدانم اکثر معلمی بشاگردانش
 تکلیفی داد و فردا صبح اول وقت مطالبه کرد شاگرد
 خودش را و موظف میدانم که درس را بخواند ولی اگر
 معلمی شاگرد را با مید خدا رها کرد و آخر سال نمره
 خوب داد از این شاگرد نباید انتظار داشت که خوب
 باشد ما سال گذشته بودجه سازمان آب را تصویب کردیم
 دادیم دستشان و ما گفتند که از خطر سیل جلوگیری
 خواهیم کرد و ماهی و دو خانه ای هم پرورش خواهیم داد
 که میبینیم در بازارهای تهران چقدر زیاد است و وفور
 است!! و وسایل تفریح ساکنین تهران را هم فراهم
 میکنیم بنده که متأسفانه تابستان گرفتار بودم و فرصت
 تفریح نداشتم ولی هر کدام از آقایان رفتند آنجا تفریح
 کردند بفرمائید خوب این تکلیف شاگرد مدرسه بود
 حالا ما میخواهیم ببینیم این شاگرد مدرسه تکلیفش را
 انجام داده یا نه که نمره بدهیم و این محضر مقدس و این
 مجلس محترم جائی است که وضع این شاگرد مدرسه
 بررسی میشود ببینیم چه کرده که توجه گردید سیل
 فزاین در پاییز گذشته و این سیل های پایتخت را که ما
 بقیه شهر دار بیچاره را گرفته ایم آقا شهردار چه کنایه
 دارد که سیل مثل قرون ماضی سرکش میاید توی شهر
 سیل را باید از سرچشمه از جائی که میخواهد وارد
 شهر بشود منحرف کنند بنده دو سال قبل از طرف بانک
 زهنی مأمور بودم که کمک کنم بمردم سمنان محله
 زاوفان سمنان آنجا گفتند سیل از فیروز کوه
 سرزیر میشود یک سد خاکی منحرف کننده ای
 از قدم الامام بود که کشاورزان بخاطر اینکه از آب سیل
 هم استفاده کنند سوراخهایی در این سد خاکی بوجود

آوردند در آنسال فشار آب سوراخها را وسیع کرده و
 سیل بند را شکسته بود آب وارد شهر شده و محلات را
 خراب کرده بود خوب آقایان بنده سه برنامه ریزم سه
 متخصص اقتصادی ولی میبرسم آیا برای شهرها یک سیل
 بر گردان لازم است یا نه؟ و اگر لازم است وظیفه کیست
 وظیفه وزارت آموزش و پرورش است وظیفه وزارت
 دادگستری است وظیفه کدام وزارتخانه است آیا وظیفه
 وزارت آب و برق اینست که فقط ببینند در کجا بک فنانی
 است فوری برود یک پولی بگیرد ولی این کار را وظیفه
 خود نه میدانم که اجر جان سیل بمرکز جمعیت کشتزارها
 جلوگیری کند خوب این برنامه جلوگیری از خطر
 سیل را در بودجه سال ۴۸ حذف و خودشان راحت کردند ما
 هم حرفی نداریم اما در برابر این سبک کردن برنامه
 زدیف در آمد بیش بینی در آمد سازمان آب در سال ۴۸
 بابت فروش محصولات با کالاهای اصلی که در حقیقت همان
 فروش آب و برق است و فروش محصولات و کالاهای فرعی
 و خدمات و نصب انشعاب مشترکین - سایر درآمدها مبلغ
 یکصد و پنجاه و چهار میلیون و چهارصد هزار تومان ذکر
 شده که سی و هفت میلیون و هفتصد هزار تومان از آن فقط
 هزینه اداری این در آمد است که منبع آن در درجه اول
 میلیونها دلار سرمایه گذاری برای ساختن سد و در درجه دوم
 آب برف و باران است اما ببینم برای اینکه جناب آقای
 مرتضوی باز بنده را متهم نکنند که عیب چنین نیست
 بر میگردد باصل بودجه که ۲۷۵ صفحه ۲۰۱ بیوست
 شماره ۳ لایحه بودجه سال ۴۸ قسمت اول بودجه جاری
 درآمدها ۱۵۴۹۴۵۰۰۰ ریال این درآمد سازمان آب
 منطقه ای تهران است که شامل سد کرج و سد شهنشاز
 همدان است که میشود قیمت تمام شده کالای فروخته شده
 بل خدمات انجام شده ۱۰۵۷۰۲۷۰۰۰ ریال هزینه های
 فروش ۴۲۲۱۳۰۰۰ ریال است توجه بفرمائید هزینه
 فروش چی هست هزینه فروش آن کتور نویسی آب است که
 صورت میدهد و آخر ماه یا آخر هر سه ماه از شما پول
 میگیرند هزینه این کار فقط ۴۲۲۱۴۰۰۰ ریال است یعنی
 ۴ میلیون تومان هزینه های اداری که باز شوای این کار
 است ۳۷۷۹۵۸۰۰۰ ریال یعنی ۳۷ میلیون تومان فقط خرج
 منشی و تلفن و دفتر از این حرفها ارقامی است که بنده از

بوده ۴۸ خواندم که اگر اعتراضی هست بفرمایند اما در برابر آنوقت ملاحظه میفرمائید این درآمد از منبع برف و باران تأمین میشود یعنی در سد کرج جمع میشود و فروخته میشود $\frac{1}{4}$ درآمد را در سال جذب مینماید $\frac{1}{4}$ فروش دو رودخانه مهم این مملکت صرف کارهای اداری میشود نه کارگری خاطر آقایان را توجه میدهم که مخارج بهره برداری جزء این رقم نیست اگر در شهرهای ایران لوله کشی میشود جزء مخارج بهره برداری است نه مخارج اداری آنرا جزء مخارج اداری حساب نکنند چون طبق اصول بودجه نویسی نمیتوان مخارج بهره برداری و هزینه فروش را وارد فصل هزینه های اداری بکنیم و این یک سوم فقط خرج حقوق و مزایا و سایر مخارج اداری است از قبیل اثاثیه، سوخت اتومبیل هزینه پذیرائی و غیره و تصدیق میفرمائید که $\frac{1}{4}$ از فروش آب را که کالای ملی است به این صورت خرج کردن برای هزینه های اداری خرج کردن عمل صحیحی نیست کدام تجاری اجازه میدهد که تمام سرمایه اش را بفروشند $\frac{1}{4}$ سرمایه را صرف خرج اداری کنند خرج یز و صندلی و منشی این ملت ایران است که سرمایه ملیش را دارد میفروشد و شما $\frac{1}{4}$ آنرا صرف هزینه های اداری میکنید همکار و هم مسلک عزیزم آقای فضل سمعی که از کشاورزان محترم کیلان هستند میفرمودند که در قدیم هر رودخانه فرعی کیلان یک سر میراب داشت البته این مطلب را نقل قول میکنم خودم ترتیب آبیاری کیلان را ندیده ام ایشان فرمودند و ممکن است سایر و کلای محترم کیلان هم اطلاع داشته باشند هر رودخانه فرعی کیلان یک سر میراب داشت که به اتفاق خود کشاورزان حقا به را پیاده یا جدا کتر بوسیله دو چرخه به کشاورزان میرسانیدند ولی در حال حاضر کار بجائی رسیده که هر نفر فرعی چند مهندس و سر مهندس و میراب و کمک میراب و کارگر ساده دارد و اکثر آقایان دارای جیب های دولتی هستند و ایستگاه اتومبیل های سازمان آب کیلان یکی از مفضلترین ایستگاه های آن ناحیه است (رامبد - این اطلاعات را تکمیل کنید نسبت به رودخانه هایی که مأمورین سازمان آب بعمرشان آن رودخانه ها را ندیده اند به عوض هر هکتار ۶ تومان که

میراب های سابق میگردند حالا این مأمورین بدون انجام کسری صدی ۶۰ تومان از کشاورز میگیرند) تشکر میکنم نمونه این ریخت و پاشها در بودجه ۴۸ سازمان آب منطقه ای تهران نیز دیده میشود این مربوط بخانه شما است توجه بفرمائید مربوط بمملکت شما است خرجش را اطلاع داشته باشید در سال ۴۸ قریب سه ۴ میلیون تومان برای خرید وسایط نقلیه پیش بینی شده البته خرید وسایط نقلیه را بعلمت عدم دسترسی بدفاتر و صورتهای ریز نتوانستم بشکافم ولی امیدوارم جیب سرویس و اتومبیل سواری نباشد در جمعی که از افلام خرید و وسایط نقلیه سازمان آب تهران در ۴ ساله ۴۵ تا ۴۸ بدست آورده ام نزدیک به ۱۰ میلیون تومان در عرض چهار سال وسایط نقلیه خریداری شده البته از ۱۰ میلیون تجاوز میکرد ولی برای اینکه شیفروند بشود ۱۰ میلیون را عرض کردم امیدوارم این وسایط فقط به مصرف امور بهره برداری برسد و از جمله جیبهایی نباشد که در موقع تعطیل مدارس منتظر سوار کردن شاگردان است و در عین حال جمله مضحک استفاده اختصاصی ممنوع است رویش نوشته شده البته توجه بفرمائید که فقط خرید وسایط نقلیه سازمان آب تهران که واحد کوچکی است صحبت میکنیم و صحبت از خرج در سطح مملکت نیست فقط سازمان آب تهران یک اداره کوچک مثل اداره ثبت تهران درصد ۱۰ میلیون تومان نسبت بودجه کل مملکت در سال ۴۸ $\frac{1}{33}$ میشود یعنی از هر سه هزار و سیصد تومان اینکه در تمام دستگاه های دولت و مؤسسات دولتی و مخارج دفاعی و آموزش و مخارج بر نامه میکنیم از هر ۳۳۰۰ تومان یک تومان سازمان آب تهران وسایط نقلیه خریده است در این ۴ سال توجه بفرمائید حساب بفرمائید ببینید چه رقمی است در فصل هزینه های اداری در ردیف حمل و نقل و وسایط نقلیه برقم جالبی رسیدم در تراز نامه سال ۴۶ سازمان آب باید توضیح عرض کنم که شرکتهای و مؤسسات مالی وابسته بدولت طبق قانون تجارت باید هر سال تراز نامه خود را بمجمع عمومی بدهند و امضاء صاحب سهم را بگیرند تمام این درآمدهای واقعی و خرجهای واقعی که وجود دارد در آن تراز نامه نوشته میشود الا آن تراز نامه منتهی بسال ۴۶ شمسی است که در اردیبهشت ۴۷ امسال رسیدگی شده در دست است و بودجه های سال ۴۷-۴۸ مؤسسات بازرگانی و انتفاعی دولتی و هزینه ها و درآمدهای مندرج

در آنها همه بر آوری است و حسابداران با تجربه میتوانند روی هر یک از ارقام هزار جور بازی کنند این را توجه بفرمائید که چرا راجع بسال ۴۶ صحبت میکنم، راجع بسال ۴۶ صحبت میکنم برای اینست: بنده دیدم در آخرین تراز نامه سازمان آب راجع سوخت وسایط نقلیه ۱۸۶۰۰۰۰ در حدود ۱ میلیون و نهصد هزار تومان هزینه قطعی شده ولی برای خرید چهار میلیون و هفتصد هزار تومان وسایط نقلیه در سال ۴۷ و پیش بینی خرید ۳ میلیون و ششصد هزار تومان در سال ۴۸ که جمعاً میشود ۸ میلیون تومان مخارج سوخت این وسایط ششصد و شصت هزار تومان یعنی در سال ۴۶ هزینه واقعی بلخ میلیون و نهصد هزار تومان بوده و در سالیکه ما داریم بودجه را تصویب میکنیم بودجه اش را ششصد و شصت هزار تومان یعنی در حدود $\frac{1}{3}$ مخارج سال ۴۶ پیش بینی کرده اند و البته اینجامیرسیم بهمان مطلبیکه دوست عزیزم جناب آقای جوانشیر فرمودند که در کارهای اقتصادی معجزه و چشم بندی نمیشود کرد بنده هم معتقدم که در عدد و رقم چشم بندی و شمعده بازی نمیشود کرد اما چطور میشود برای ۴ میلیون تومان وسایط نقلیه یک میلیون و نهصد هزار تومان مخارج سوخت و هزینه نگهداری داشته باشیم برای ۱۰ میلیون تومان وسایط نقلیه ششصد هزار تومان؟ این امر را توضیح بدهید چون عقل بنده قد نمیدهد یا این وسایط را میخواستند یا بجای بنزین تویش آب میریزند یا اینکه آن مبلغ یک میلیون و نهصد هزار تومان را باید رسیدگی کرد تا ببینیم چه بوده است؟ بنده چون که سال اطمینان را بحسن نیت و بینظری شخص آقای نخست وزیر دارم میدانم ایشان اگر اشخاص از این نوع خرج کردن مطلع شوند بدون ملاحظه انگشت پایش میگذارند و با کمال سختی وقت رسیدگی میکنند روزی جناب آقای هویدا در کنگره انقلاب اداری فرمودند کسانی را که ما می شناختیم بکار دعوت کردیم خوب این اعتراف صادقانه و سخن صحیحی است و باز فرمودند هستند اشخاصی در گوشه و کنار بمملکت که لیاقت بیشتری دارند ولی ما نمیشناسیم این هم صحیح است ولی یک مطلب را هم بنده اضافه میکنم و توضیح میدهم کسانی که امتحان بی لیاقتی و بی بصیرتی

دادند و خرج تراشی برای مملکت دارند اینها را هم باید بشناسید و برای همیشه گذارشان بگذارید و هرگز آنها را بازی نگیرید با این خرج تراشها در برابر عوایدی که از سرمایه گذارهای ملی بر میگردد هرگز نمیتوان کاری کرد. و فرصت های گرانبهایی که برای این نسل بوجود آمده از دست میرود.

برگردیم به فصل هزینه های اداری سازمان آب منطقه ای تهران بودجه سال ۴۸ سازمان ده میلیون تومان دستمزد کارگر در فصل بهره برداری ذکر شده باز هم خاطر آقایان را توجه میدهم که این بودجه ها سه فصل دارد یک فصل بهره برداری دارد یک فصل فروش یک فصل اداری دارد و از هیچک از این فصول نمیشود به فصل های دیگر رفت فصل بهره برداری مخارج کارهایی از قبیل کانال کشی - لوله گذاری و هر نوع خرجی که برای رساندن کالا بدست مشتری انجام میگیرد و قسمتی از این قبیل کارها را در خیابانهای شهرها ملاحظه میفرمائید. بنابراین تصدیق میفرمائید وقتی صحبت از هزینه اداری میکنیم ربطی باینصنع کارها ندارد در بودجه سال ۴۸ سازمان با ده میلیون تومان دستمزد کارگر در مقابل بهره برداری اختصاص شده که از نظر عدد خشک رسیدگی نشده ظاهراً قابل ایراد نیست بنده فقط این رقم را در کتاب بودجه دیدم اگر البته صورت ریز مخارج را به بنده بدهند رسیدگی کنیم شاید ایرادی داشته باشد ولی از نظر اصلی بهره برداری رقم هر قدر بالا باشد ایرادی ندارد ماشویق میکنیم زیرا هر قدر حجم کار بهره برداری زیادتر بشود مردم راحت تر خواهند بود - زیرا توسعه تأسیسات و بهره برداری از آن، بدست کارگر انجام میشود در فصل هزینه های توزیع و فروش قریب ششصد هزار تومان دستمزد کارگر پیش بینی شده که اینهم بدون دسترسی بصورت های ریز مخارج قابل انتقاد نیست توجه فرمودید آنجا نظرتان هست که برای هزینه فروش چهار میلیون تومان پیش بینی کرده بودند از این چهار میلیون تومان فقط ششصد هزار تومانی برای کارگر منظور کرده اند و صورت ریز بقیه اش را نداده اند و نمیدانیم

چيست؟ ولی در فصل هزینه های اداری باز رقم ۵۳۰۰۰۰۰ تومان دستمزد کارگر علاوه بر مبلغ دوازده میلیون و سیصد هزار تومان حقوق و مزایای کارمندان بچشم میخورد که احتیاج به توضیح دارد و عرض کردم در فصل هزینه های اداری نمیشود دستمزد کارگر را وارد کرد و رقم دستمزد کارگر در هزینه اداری این سوالات را مطرح میسازد این کارگران پشت میزها و دفاتر اداری سازمان آب مشغول هستند؟ آیا بعلت وجود مواعی که در کار استخدام کارمند هست عدهای کارمند بنام کارگر استخدام شده اند؟ با دستمزد عدهای از کارگران زائد از محل هزینه های اداری پرداخت میشود؟ این موضوع هم برای بنده روشن نیست خیلی ممنون میشوم که توضیح مرحمت فرمایند هزینه های بهره برداری و فروش سازمان آب تهران در برابر رقم ۱۵۴۹۹۵۰۰۰ ریال پیش بینی درآمدی که در سال ۴۸ از محل فروش آب و برق کرده است مبلغ ۱۰۵۷۲۲۷۰۰۰ ریال قیمت شده کالای فروخته شده ذکر گردیده توجه فرمائید میگوید قیمت تمام شده و ساخت کالا ۶۱۶ میلیون تومان! کمالی سازمان آب چه میتواند باشد فقط يك برقی است که باتوربین های سد بوجود میآید و از خواص الکتریک حاصله از آب ارزانی آنست بقیه اش را مبلغ ۱۰۳ میلیون تومان سازمان آب برای ساخت پیش بینی کرده است و به حساب بنده شما گذاشته اند

رئیس - آقای دکتر مدرسی اینها برای يك مقداری از لوله های تون آرمه است که میسازند

دکتر مدرسی - بنده خیلی متشکرم جناب آقای رئیس مجلس چون از این جریانات هستند بنده برضشان میرسانم ایشان مهندس آب شناس هستند مقدار تهیه شده لوله بتونی در سال ۴۸ بمقدار ۳۴ کیلومتر خواهد بود که کالای قابل فروش نیست چیزی است که میگذازند زیر زمین جزء دارائی شرکت است و مبلغش خیلی جزئی است جناب آقای قوام صدوری میدانند بنده ۵ سال کارم رسیدگی به این مؤسسات بوده و کوچکترین رقم زیر نظر من قرار گرفته قیمت تمام شده کالار از کار کردند این رقم سی و آی هزینه های اداری و هزینه های فروش است توجه فرمائید تازه این

رقم هزینه های اداری، جزو این رقم نیست، هزینه های فروش جزو این نیست، بنده نه بعنوان يك نماینده مجلس شورای ملی بلکه بعنوان يك فرد ایرانی عرض میکنم که شاهنشاه ما کوشش کردند که از طریق انعقاد قراردادهای نفتی بی سابقه درآمد و اعتباراتی برای کشور ما بدست آورند اینکه عرض کردم فداکاری توجه فرمائید تملق عرض نمیکنم و نمیخواهم باصطلاح فرمولی عرض کرده باشم کیسایتکه راجع باین قرارداد های نفتی اقدام کرده اند بعضی شان در اثر حادثه هواپیما مردند آقایان اطلاع داشته باشند کسانی که این کارها را کردند چایشان از طرف کارتل های نفتی در خطر بود کسی که این کار را کرد و فداکاری کرد کسیکه به تهران آمد و این قرارداد را امضاء کرد مرداگر میخواهید بنده عرض کنم بهر حال اطلاع داشته باشید که این کار ساده ای نبود و شما فقط نشسته ایسالی يك میلیون دلار استفاده از نفت میکنید این بقیه فداکاری تمام شده این بقیه مخاطره انداختن جان و تاج و تخت بوده اینها هم عرض کنم که بعد شاهنشاه ما با مجاهدات توان فرساعلیه عوامل فساد داخلی و خارجی این پول ها را دینار بنهار بمصرف رساندند و به مصرف بوجود آوردن تأسیساتی مثل سد کرج و سد شهناز، بار بنده خیلی مجمل از روی عوامل فساد داخلی و خارجی گذشتم اگر احتیاج دارید توضیح بدهم وقتی این پول ها پیدا شد چه کیسه هائی باز کردند چه حلقوم هائی در داخل و خارج باز شد که این پولها را بلعند و بریش من و جنابعالی بخندند ولی اینها را شاهنشاه دانه بدانه، دینار بدینار از دست آنها بیرون کشیدند و کسانی را که کوچکترین سوء فصدی به سرمایه ملی ماداختند به کیفر رساندند (احسنت) بهر جهت با خرج میلیونها دلار شد هائی چون سد کرج و سد شهناز ساخته شد آب و بسرف و باران هم که یکی از عطایای الهی است و خداوند به مملکت ما فراوان داده است این آبها آمد و در پشت این سدها جمع شد این آبها را که زمستانها هر چه در سر راهش میباید خراب میکرد و تابستانها مورد احتیاج بود خشک میشد باز کردند توجه کردید رودخانه کرج هم مثل این آب هائی که میآید تهران و

رقم هزینه های اداری، جزو این رقم نیست، هزینه های فروش جزو این نیست، بنده نه بعنوان يك نماینده مجلس شورای ملی بلکه بعنوان يك فرد ایرانی عرض میکنم که شاهنشاه ما کوشش کردند که از طریق انعقاد قراردادهای نفتی بی سابقه درآمد و اعتباراتی برای کشور ما بدست آورند اینکه عرض کردم فداکاری توجه فرمائید تملق عرض نمیکنم و نمیخواهم باصطلاح فرمولی عرض کرده باشم کیسایتکه راجع باین قرارداد های نفتی اقدام کرده اند بعضی شان در اثر حادثه هواپیما مردند آقایان اطلاع داشته باشند کسانی که این کارها را کردند چایشان از طرف کارتل های نفتی در خطر بود کسی که این کار را کرد و فداکاری کرد کسیکه به تهران آمد و این قرارداد را امضاء کرد مرداگر میخواهید بنده عرض کنم بهر حال اطلاع داشته باشید که این کار ساده ای نبود و شما فقط نشسته ایسالی يك میلیون دلار استفاده از نفت میکنید این بقیه فداکاری تمام شده این بقیه مخاطره انداختن جان و تاج و تخت بوده اینها هم عرض کنم که بعد شاهنشاه ما با مجاهدات توان فرساعلیه عوامل فساد داخلی و خارجی این پول ها را دینار بنهار بمصرف رساندند و به مصرف بوجود آوردن تأسیساتی مثل سد کرج و سد شهناز، بار بنده خیلی مجمل از روی عوامل فساد داخلی و خارجی گذشتم اگر احتیاج دارید توضیح بدهم وقتی این پول ها پیدا شد چه کیسه هائی باز کردند چه حلقوم هائی در داخل و خارج باز شد که این پولها را بلعند و بریش من و جنابعالی بخندند ولی اینها را شاهنشاه دانه بدانه، دینار بدینار از دست آنها بیرون کشیدند و کسانی را که کوچکترین سوء فصدی به سرمایه ملی ماداختند به کیفر رساندند (احسنت) بهر جهت با خرج میلیونها دلار شد هائی چون سد کرج و سد شهناز ساخته شد آب و بسرف و باران هم که یکی از عطایای الهی است و خداوند به مملکت ما فراوان داده است این آبها آمد و در پشت این سدها جمع شد این آبها را که زمستانها هر چه در سر راهش میباید خراب میکرد و تابستانها مورد احتیاج بود خشک میشد باز کردند توجه کردید رودخانه کرج هم مثل این آب هائی که میآید تهران و

خانه ها را خراب میکند، زمستانها طغیان میکرد و میآمد در سر راهش در سواجیلاخ هر چه بود می شست و میریزد اگر نظراتان باشد در یکی از تابستانها آب کم شد دیدانم سال ۳۵ بود یا سال ۳۶ که در تهران شایع شد که آب کرج خشک شده این و حتی آب خوردن برای مصرف در تهران نبود مگر چای بود؟ آب مگیزان کجا تهیه میشد؟ نظر آقایان بوده این سرمایه ملی که هدر میرفت با آن مجاهدات و فداکاری میآمد پشت این سد جمع میشد، حالا سازمان آب برای مسا صورت میآورد که ۱۵۴ میلیون تومان از فروش این آبها در سال آینده استفاده خواهد داشت ما ممنون هستیم واقعا سرمایه ملی است سرمایه کشور ماست مال شاهنشاه مملکت ماست میفروشید خوب میکنند که عوایدی برای ما بوجود میآورند. بنظر بنده مدیر است صحیح این است که قسمت اعظم این درآمد را صرفه جوئی و مصرف بوجود آوردن سدهای کوچکتر در شهر ستانهای عقب افتاده کنید که مردم چشم بر راه اینگونه کارها هستند این که در مقابل هر يك دینار درآمد دودینار خرج بشراشید این رای بنده ثابت میکنم که در مقابل هر يك دینار درآمد دودینار خرج میکنند (بکنفر از نمایندگان ثابت کنید) عرض میکنم، قسمتی از فرمایشات شاهنشاه ایران را که در سال ۱۳۳۶ خطاب بنمایندگان مجلس شورای ملی فرمودند از صفحه ۱۷۷۴ کتاب و تألیفات و نطقهای شاهنشاه آریامهر در اینجا نقل میکنم. البته مردم کشور توقعات زیادی دارند و حق هم دارند هر استانی میخواهد چند سد چون سد سفیدرود داشته باشد و باید هم داشته باشد استان فارس و خراسان هم انتظار دارند و همه حق دارند اما همه اینها را در يك روز نمیشود انجام داد. باید بخواهیم این کارها انجام بشود و هر چه زودتر هم انجام بشود این فرمایشات را در سال ۱۳۳۶ یعنی ۱۲ سال قبل فرمودند آریا راه اجرای مقاصد عالی و فرمایشات شاهانه همین است که متر مکعبی سه ریال برای ساختن آب اجزاج بسالا بیآوریم این آبیکه بدست من و شما میرسد هر متر مکعب آن سه ریال خرج ساخت کالا میشود هر لیوانیکه میل فرمائید خرج کالا دارد چون کالای ساخته شده قابل فروش سازمان فاعده غیر از آب چیزی نمیتواند باشد درآمد را هم بمصرف هزینه های

اداری آن میرساند و در موقع مراجعه ما نمایندگان خراسان برای ایجاد سدهای کوچک سر را فیلسوفانه نکان میدهند و میگویند متأسفانه طبیعت با خراسان همراهی نکرده منصفانه نیست بنده بکروز استدعا کردم از جناب آقای وزیر آب و برق چون اینکه عرض کردم فقط حوزه انتخابیه خودم نیست این درد را تمام شهرهای ایران و این را از نظر تمام شهرهای ایران عرض میکنم شهر ۶۰۰۰۰ نفری تربت آب خوردن ندارد دو تا چاه زدند که یکی از آنها شور در آمده و چاه آب شور است قرار است کارخانه قند تربت حیدریه بخرد و پولش را بدهد يك چاه دیگر بزنند قسمت مهمی از شهر هم لوله کشی نشده و با چه التماس و درخواستی رقم از سازمان بر نامه اینطرف و آنطرف خواهش کردیم لوله کشی شهر را تمام کنند خیلی ممنونم که این محبت را کرده و موافقت کردند که اعتبار تمام لوله کشی تأمین شود ولی اینکارها موقتی است رودخانه است نزدیک تربت حیدریه از فرسخی بنام صنوبر و مجلس بنام صحت درج معروف است روی این رودخانه آثار يك سد قدیمی هست معلوم نیست مال زمان ساسانیان است یا زمان صفویه؟ ولی آثار سد قدیمی وجود دارد تمام دشتهای تربت هم از برکت وجود شاهنشاه زیر کشت چند نفرند است بنده بادم هست وقتی تابستان میرفتم تربت شخصی که همراه من بود گفت که این دشت شش دانگ مال ما بود فقط ۴۰ هکتار از این ملك شش دانگ برای من باقی مانده ولی قسم شش شاهنشاه این ۴۰ هکتار معادل ۵۰ بر این آن شش دانگ برای من استفاده میکنند و دعا بذات ملوکانه میکرد ولی با همه اینها آب زراعتی خود را از چاه عمیق و با قدرت موتور دیزلی تأمین میکرد. نمایندگان محترم خوب میدانید که اگر يك موتور دیزلی خراب بشود حداقل ۱۵ روز تعمیرش طول بکشد تمام زحمات یکساله کشاورز بیاد میرود زیرا کشت او از بی آبی خشک میشود و بهیچوجه دیگر قابل جبران نیست و دیگر آنکه تأمین آب از چاه عمیق برای ایشان گران تمام میشود. ممکن است برای کسی که ۴۰ هکتار زمین دارد و زمینش را بصورت مکانیزه کشت میکند آب چاه صرف کند ولی برای آن زارعی

اداری آن میرساند و در موقع مراجعه ما نمایندگان خراسان برای ایجاد سدهای کوچک سر را فیلسوفانه نکان میدهند و میگویند متأسفانه طبیعت با خراسان همراهی نکرده منصفانه نیست بنده بکروز استدعا کردم از جناب آقای وزیر آب و برق چون اینکه عرض کردم فقط حوزه انتخابیه خودم نیست این درد را تمام شهرهای ایران و این را از نظر تمام شهرهای ایران عرض میکنم شهر ۶۰۰۰۰ نفری تربت آب خوردن ندارد دو تا چاه زدند که یکی از آنها شور در آمده و چاه آب شور است قرار است کارخانه قند تربت حیدریه بخرد و پولش را بدهد يك چاه دیگر بزنند قسمت مهمی از شهر هم لوله کشی نشده و با چه التماس و درخواستی رقم از سازمان بر نامه اینطرف و آنطرف خواهش کردیم لوله کشی شهر را تمام کنند خیلی ممنونم که این محبت را کرده و موافقت کردند که اعتبار تمام لوله کشی تأمین شود ولی اینکارها موقتی است رودخانه است نزدیک تربت حیدریه از فرسخی بنام صنوبر و مجلس بنام صحت درج معروف است روی این رودخانه آثار يك سد قدیمی هست معلوم نیست مال زمان ساسانیان است یا زمان صفویه؟ ولی آثار سد قدیمی وجود دارد تمام دشتهای تربت هم از برکت وجود شاهنشاه زیر کشت چند نفرند است بنده بادم هست وقتی تابستان میرفتم تربت شخصی که همراه من بود گفت که این دشت شش دانگ مال ما بود فقط ۴۰ هکتار از این ملك شش دانگ برای من باقی مانده ولی قسم شش شاهنشاه این ۴۰ هکتار معادل ۵۰ بر این آن شش دانگ برای من استفاده میکنند و دعا بذات ملوکانه میکرد ولی با همه اینها آب زراعتی خود را از چاه عمیق و با قدرت موتور دیزلی تأمین میکرد. نمایندگان محترم خوب میدانید که اگر يك موتور دیزلی خراب بشود حداقل ۱۵ روز تعمیرش طول بکشد تمام زحمات یکساله کشاورز بیاد میرود زیرا کشت او از بی آبی خشک میشود و بهیچوجه دیگر قابل جبران نیست و دیگر آنکه تأمین آب از چاه عمیق برای ایشان گران تمام میشود. ممکن است برای کسی که ۴۰ هکتار زمین دارد و زمینش را بصورت مکانیزه کشت میکند آب چاه صرف کند ولی برای آن زارعی

که ۳، ۲ یا ۴ هکتار دارد مبلغ قابل توجهی بعد از خرید آب از چاه‌های عمیق خصوصی و اشکالات دیگر برایش باقی نمی‌ماند بنده پیشنهاد کردم این همه سازمان آب درآمد دارند یک چیزی از آنرا تخصیص بدهند بروند مطالعه کنند و بعد از بررسی یک طرح بدهند بعد سازمان آب این سد هم بسته شود تا کشاورزان دعا گو شوند و مردم تربت هم آب خوردن داشته باشند ولی جواب این بود که در تربت یعنی در خراسان جداوند رودخانه‌هایی مثل سفید رود نداده و نمیشود کاری کرد این جوابی بود که بنده از جناب آقای وزیر و جناب معاون ایشان شنیدم و ناچار خیلی خوب و لذیذی هم بنده داده خیلی متشکرم ولی جوابی که خواهش بنده دادند تناسبی با اجرای اوامر شاهانه که مفاد آنرا در اینجا خواندم تناسبی نداشت مگر میشود در اجرای فرمان شاهنشاه تعلل کرد عذر بدتر از گناه باینکه رودخانه در تربت جدیدی یا در قائن یا در گناباد یا در فردوس نیست آیا مردم شهرهایی از قبیل تربت که در تابستان آب خوردن ندارند باین گونه معاذیر بدتر از گناه قانع میشوند هزاران سنگ آب رودخانه‌ای که در فصول تابستان در چند فرسخی آغا جاری است به چشم می‌بینند آنها منتظرند که از بازده سرمایه و خرج سدهایی مانند سفیدرود، کرخ، همدان و از محل فروش سرمایه‌های عمومی انسان که همان آبهای زخیره شده است برای آنها سد ساخته شود این وعده شاهنشاه ایران بخت و به عموم مردم بموقع ثابت شده که وعده‌های شاهانه بالاخره عملی میشود این نکته را عموم مردم ایران باید بدانند حالا اگر بنده نتوانستم عمل کنم بدست کس دیگری عمل خواهد شد (آفرین) و هر گونه مانعی در سر راه این قبیل کارها باشد سرکوب میشود این را بدانند که مردم تحمل ندارند که این پولها صرف اتومبیل و حقوق و مزایا و ساختمان و خرج پذیرائی و غیره بشود و جواب این باشد که طبیعت به خراسان ظلم کرده و رودخانه ندارد جمع بر آورد هزینه‌های بهره برداری و فروش هزینه‌های اداری سازمان در سال ۴۸ مبلغ ۱۶۷۷۳۹۸۰۰۰ ریال است پس از تفریق درآمد کل فقط ۶۷۰۰۰۰۰ تومان باقی

می‌ماند یعنی سود بهره این سازمان که دو منبع مهم مالی مملکت و این سدها که صدها میلیون تومان خرجش شده در اختیارش قرار داده اند فقط شش میلیون و هفتصد هزار تومان معادل این ۶ میلیون تومان را بنده یقین دارم که این مغازه‌های بزرگی که در تهران هستند سالیانه برای صاحبش استفاده دارد نه سازمانهایی باین عظمت با این همه امکانات این ۶ میلیون تومان را ممکن است ساوه که آب ندارد یا یک قسمت گیلان که آب ندارند به اقساط طی یک بر نامه ده ساله سالی ۶ میلیون تومان فرض میکنم بدهند و آنجا صاحب آب بشود در هر حال بنده بفرمائید که این ۶ میلیون تومان، هفت میلیون تومان چه نحو خرج میشود؟ خدمات کوچکی میتوانی برای مردم بکنند که مضایقه دارند اسب‌نازی بیشکش قاج زین را بگیرند از ایشان سد نمیخواهیم - چاه نمیخواهیم در همین تهران یک غفلت‌های کوچک آثار بزرگی بجای میگذارد. حریق در مرکز می مثل بازار که اتومبیل روم نیست آثار شومی بجای میگذارد. همکاران عزیز بنده این خبر تأثر آور روزنامه‌اطلاعات را بر ایقان میخوانم البته در پنجشنبه بهمین ماه ۱۳۴۷ این خبر نوشته شده که هفتاد مغازه در حریق دیروز کفاشها سوخت این مغازه‌ها چه بود اینجا شرح داده است که آتش دیروز سراسر بازار را میسوزاند و بی‌تلاش‌های مأمورین و فداکارهای کارگران کفاش و همکاری کسبه بازار و مأمورین البته منظور مأمورین آتش نشانی شهرداری است نه مأمورین سازمان آب مانع از آن شد که آتش نتواند در دکانهای دیگر سرایت کند و فرصت داد تا از چند طرف بمرکز آتش حمله کرده مهار نمایند البته خبر مفصل است بنده همه را نمیخوانم این قضیه را از روزنامه‌اطلاعات میخوانم برای اینکه توضیح میدهد رئیس آتش نشانی در پاسخ سؤال خبرنگار ما که پرسیده بود گویا جریان فشار آب کم بود ضمن تذکره باین ادعا اظهار داشت که طول لوله آب ۲۲۰ متر بود که از سبزه میدان به محل حریق کنده شده و چنانچه فشار آب را زیاد میکردیم باعث ترکیدن لوله‌های آب میشد توجه بفرمائید فشار آب را زیاد میکردیم منظور این است که منبع آب اتومبیل ضد حریق بوده و با قدرت موتور

آن میتوان فشار آب را زیاد میکند و نتیجه میگیریم که از شیر ضد حریق سازمان آب استفاده‌ای بعمل نیامده بهر حال ۷۰ مغازه سوخت این مغازه‌ها این بود این عدم توجه مالک یک آبریز گاه و یک سرای داشت در این سرای مالکش دارای یک آبریز گاه بود من خدای را شاهد میگیرم که نه مالک را میشناسم و نه بکنفر آشنا در آن سرای دارم فقط از نظر اینکه هر بوط به مملکت و ملت ما است عرض میکنم و یک مرکز تجارتهای است (بکنفر از نمایندگان - برای اینکه شما کفشان را از لاله زار میخرید) کفش لاله زار هم در بازار ساخته میشود و در لاله زار میفرشند بنده از لاله زار کفش فرنگی نخریده‌ام و از هر جای ایران بخرم و افتخار میکنم که کفش ساخت وطن می‌پوشم لاله زار هم وطن من است بازار هم وطن من است همه جای ایران سرای و وطن ما است هیچ جای ایران برای ما فرقی نمیکنند (بکنفر از نمایندگان - کفش ملی میپوشید؟) بهر حال کارشناسان توجه کردند که سرپوش آن سرای را از آهن بسازند ولی باین توجه‌ها توجه نکردند و وضع خیلی خطرناکی پیش آمد فقط بنده میگردم عقب آن جمله‌ای که نوشته شده است قیمت میرز فعالیت بازار در این سرای بوده بهر حال اینجا وقت آقایان را نگیرم این در همین مقاله نوشته است که این مغازه‌ها که سوخت مال تجار وارد کننده بود که قسمت مهم سرمایه مملکت سوخت این سازمان آب نمیتوانست سه چهار تا شیر بگذارند و چند متر لوله لاستیکی هم کنار آن بگذارند و بنویسند شیر مخصوص ضد حریق سازمان آب که وقتی جائی آتش گرفت شیشه جلو آنرا بشکنند و مغازه‌ها را نگذارند که بسوزند من نمیگویم که این آبرای مجانی بیاشند و حریق را خاموش کنند من میگویم کدو جانی و هر مغازه‌ای که آتش گرفت و خاموش کردند مبلغی حق الزحمه از او بگیرند تا پول این خدمت استهلاک بشود (بکنفر از نمایندگان - وقتی سوخت ؟) منظورم وقتی است که داغ آتش بآن رسید آیا سازمانی که در سال ۱۵۴ میلیون تومان از سرمایه ملی درآمد دارد نباید اینقدر نوبی شهر خدمت ملی داشته باشد؟ این نوع خدمتها بیشکشان، بنده این تلگراف را میخوانم که قدری نأسف انگیز است استدعای بذل توجه دارم زیرا اموالی که از این رفته متعلق بمال مملکت شماست. تلگراف از تربت حیدر به: جناب آقای وزیر محترم آب و برق فریب ۴ سال است که ما اهالی

و صاحبان صنایع تربت حیدر به چشم بر ابرق منطقه‌ای هستیم در این مدت با همه مقدمات کار خانجات فعلی و پرداخت پول زیاد و حق انبار ظالمانه بامید برق منطقه‌ای ساختمانی متأسفانه نه برقی داشته‌ایم که از روشنائی آن استفاده کند تفریق نه گرمابه توجه بفرمائید این مهم نیست مربوط به حوزه انتخابی بنده است ممکن است تصور بفرمائید که خدای نکرده یک چانه‌ای برای حوزه انتخابی ام میزنم خدا گواه است که چنین چیزی نیست نکته تأثر آور اینجاست توجه بفرمائید ادامه تلگراف اینست: کارگران سرگردان کارفرمایان و رشک‌ت یا در آستانه ورشکستگی هستند بطوریکه شایع است اخیراً مهندسی نماینده برق منطقه‌ای در تربت با صاحبان کارخانجات سابق تباری نموده و دور موتور برق را ترکانده‌اند... بنده نمیگویم بعمد آهر دو موتور برق را ترکانده‌اند بنده نمیگویم یک همچون آدم بی وجدانی پیدا میشود که چنین صدمه‌ای و چنین خسارتی بملت خود بزند در تربت در جه‌هواسی در جه‌ه بر ضرر رسید بطوریکه رادیو میگفت سرمایه بنده صد درصد یقین دارم و هرگز چنین سوءظنی ندارم که آدم بی وجدانی باشد تا این حد که بیاید سرمایه ملی مملکتش را باین صورت از بین ببرد ولی چیزی که بنده شنیده‌ام حقوق از ۴۲ هزار تومان تا ۱۲ هزار تومان در این مؤسسات یک چیزهای طبیعی و بیش یا افتاده است (بکنفر از نمایندگان - کی ۴۲ هزار تومان حقوق میگیرید شاید در سال است) خیر در ماه آماده است بیاید اظهار کند خوب شاید در صدر وزارت دارائی بعنوان مالیات بگیرد بهر حال اگر کسی پول هم نگیرد و مجانی خدمت کند یک کارمند دلسوز مملکت نباید اینقدر سهل انگار و بی وجدان باشد که بفکر تماشای آب موتور را خالی کند و موتور را بترکاند (بکنفر از نمایندگان - اینطور نیست) همین طور است تلگراف آمده بنده آدمی نیستم که حرف بی‌مأخذ بزنم تلگراف یک ماه قبل آمده فرستادیم تحقیق کردند گزارش خواستیم گزارش رسمی آمد نوشته‌اند موتور برق تربت ترکیده این نمونه خدمتگزاری بعضی از کارمندان این مؤسسات به مردم است در هر حال بنده معتقدم اینجور کارمندان و

کسانیکه نسبت به مملکتشان اینقدر علاقه دارند نه تنها چند هزار تومان بلکه يك پول هم نباید با آنها داد وقتی بنظر من که يك آدم قدری تندرو هستم باید آنها را تنبیه شدید کرد (صحیح است) (بکنفر از نمایندگان - تر کاندن عمدی است) بنده قبول نمیکنم نمیتوانم قبول کنم که بطور يك آدمی میتواند اینقدر بی جدان باشد یقین دارم که موتور تر کیده است ولی در نتیجه بیخ بندها بوده است نه عمدی ولی موتور اتومبیل شخصی همین آقایان با اتومبیل دولتی که زیر پا دارند تتر کیده برای اینکه تفریحات و زوالت و آمدشان را هم بشهر تأمین کند موتورش تتر کیده این موتور که مال من و شما است مال این ملت است چنین سر نوشتی پیدا میکند خواهش میکنم تشریف بیاورید و توضیح بدهید که دروغ است و تربت برقی دارد آنوقت هم دعاگوی وزارت آب و برق هستند بنده اینجا چشم به سیمای نجیب و محترم جناب آقای وزیر جنگ افتاد چرا یاد نمیگیرند از ارتش شاهنشاهی که از يك جیب فرسوده سال هایش حد اکثر استفاده را میکنند ، با نهایت سلیقه و دلسوزی هر اتومبیلی بهر دستگاهی که در وزارت جنگ هست مورد استفاده هست چون آنجا تنبیه خیلی شدید اجرا میشود اگر کسی يك موتور چند هزار تومانی را خراب کند فوراً تنبیه میشود چرا این اشخاص تنبیه نمیشوند (بکنفر از نمایندگان - آقای وزیر جنگ هم جزء هیئت دولت هستند) بله بنده عرض کردم به کسی نظر خاصی ندارم و همان ارشادی که شاهنشاه فرمودند سیاست حزب ماست خوب را تریف میکنیم و بدین انتقاد مینمائیم بنده عرض کردم که در هیئت دولت اعضاء دلسوز و وطن پرست زیاد هستند اشخاص لایق زیاد هستند ولی اشخاصی هم هستند که زیاد توجه ندارند بنده بکطرفه عریضی نمیکتم این عریضی که عرض کردم تصور میکنم مورد تأیید همه آقایان باشد من معتمد که سرمایه ملی را نباید صرف هزینه های اداری و هزینه های از این قبیل کرد خوب ملاحظه فرمودید که تمام درآمد سازمان آب و برق که بنده خواندم صد و پنجاه و چهار میلیون تومان بود در مقابلش مبلغی که شش میلیون و هفتصد هزار تومان باقی میماند برای مخارج ذکر کرده شش میلیون و هفتصد

هزار تومان فقط سود ویژه بود حالا این سود چه جوری خرج میشود يك فصل دیگر دارد بنام هزینه سرمایه ای یعنی هزینه ای که خرج سرمایه میروند از این شش میلیون و هفتصد هزار تومان سه میلیون و هفتصد هزار تومان خرج خرید وسایط نقلیه شده توجه میفرمائید بنده میخوانم هزینه های سرمایه ای و پرداخت دیون چون میدانید پرداخت دیون هم جزء سرمایه میروند در ساختمان هم بعضی میرسانم وسایط نقلیه سال چهار و هفت بوده چهار میلیون و هفتصد و بیست و نه هزار ریال در سال چهار و هشت و هفتصد و بیست و نه هزار ریال توجه فرمائید این یکی از اقلام هزینه سرمایه ای است این بابینجا ختم نمیشود چون از این شش میلیون و سه میلیون و هفتصد هزار میرود برای خرید وسایط نقلیه و باقی میماند دو میلیون و سیصد هزار تومان ولی يك رقم دیگری در هزینه سرمایه داریم و آن اینست ساختمان در سال چهار و هشت و هفتصد و بیست و نه هزار و یکصد و هشتاد و دو ریال ذکر کرده صورت ریز خواستم ندادند چون بنده سوء ظن دارم که این مبلغ فقط خرج آن ساختمان نشی خیابان آریامهر و خیابان شرقی پارک علیا حضرت شهبانو فرخ است علاوه بر مخارجی است که بنده عرض کردم و از فروش سرمایه خداداد ما و با در نظر گرفتن هزینه آب و در نظر نگر فتن هزینه استهلاك سدها از اینها فقط دو میلیون باقی مانده یعنی ۲۱۵۰۰۰۰ تومان بقیه از محل ذخیره استهلاك و وام مشترکین و غیره خواهد بود که در سالهای آینده این وام بگردن کسانی خواهد بود که بیابند آنجا و نتوانند قرض مردم را پس بدهند بله عرض میکنم که من مبینم سازمان آب تهران الحمدلله محل دارد بدلیل این که کارمندانش توی بیابان زندگی نمیکند در ستون خرجهای که بنده دیدم اجاره محل ۲۱۵۰۰۰ تومان است که فکر میکنم مبلغ قابل توجهی نباشد و اگر بهره بانکی ۷٪ ۲۱۵۰۷۴۷۰۰۰ ریال را حساب کنیم در سال نزدیک ۱۵۰۰۰۰۰ تومان خواهد بود در مثال فقط بهره میدهد که این مبلغ را اگر بگذارند در سیرده ثابت بانک رهنی که بنفع مردم خانه سازی شود ولی ۱۵۰۰۰۰۰ تومان را بگیرند خرج کرایه محل بکنند ساختمان که سرمایه نیست بنده مخالفم که ساختمان هزینه سرمایه ای باشد بهترین ساختمان ظرف ده سال از

نیمت میافتد و دیگر آن زرق و برق را ندارد اطفاها آن بیابانی را ندارند آن تناسب و هارمونی بین لوسترها را تا اینکه طرفه یار که تهای زیبای کف و سکر ترهای خوش تیباز بین میروند منشی ها هم بیسر میشوند این است که این ساختمانهای پر خرج نمیتواند برای سرمایه ملی متحرک باشد برویم سر هزینه استهلاك ما وام مشترکین را خرج این کارها بکنیم بعد میآئیم هزینه خرج سفره ، خرج سفره در ظاهر در اینجا بنده ۵۰۰۰۰۰ میلیون ریال ندیدم در هزینه های اداری پذیرائی را نوشته دو میلیون و سیصد و بیست هزار ریال البته ممکن است آقای مدیرعامل یا متصدیان مهمانی داشته باشند و بخواهند اشخاصی را که ناراضی هستند و آنجا میروند لقمه گیر کنند مثل خود بنده که رفته بودم بگویم که سد میخواهیم ممکن است از اینها پیش بیاید دو بیست هزار تومان رقم جالبی نیست و پذیرائیها و هزینه ها خیلی بیش از این حرفهاست بنده يك حساب پیش خود دارم در جریان سالها وقتی مبلغ را با اصل سنجیدیم دیدیم اصلاً قابل تناسب نیست این خرج چهار تا مهمانی است که هر کدام ۵۰۰۰۰۰ هزار تومان میشود و در سال هر شب سه ولی هفته ای یکی دوش مهمانی هست در صورتیکه همانطور که گفتم این ۲۰۰۰۰۰۰ تومان فقط خرج چهار تا مهمانی است عرض کردم که متأسفانه موفق نشدم که صورت ریز را بگیرم که ببینم این حسابداران چطور با این ارقام بازی کردند و چه جور ارقام را جابجا کردند چون خرج پذیرائی توی خرج بهره برداری میروند توی هزینه فروش میروند داخل هزینه تبلیغات میشود بنده عرض میکنم کورانه رسیدگی کرده ام نه با چشم بازاگر آقایان بنده مأموریت میدهید بروم و با چشم باز ببینم و تمام گوشه ها را و تمام صورتهای برگردم و هزینه های دهساله را ببینم و نتیجه را بعرض برسانم اینجا فقط بنده ارقام مندرج در کتاب بودجه تألیف دفتر طرح و بودجه را دیدم نمیدانم اعضای کمیسیون هم سابقین ارقام توجه کرده اند و راجع بآن بحث کرده اند بانه ولی چون دیدم که شاهنشاه ما باولتر جی وفاد موافق نیستند و فرمودند فساد و حایان فساد در این مملکت راهی نیست بنده -

بیشتر گرمی و فرمایش شاهانه بخود جرئت و هم بخود اجازه دادم که بگردم و این ارقام را پیدا کنم و بعرض برسانم (رامند - آقای دکتر بزداپناه - ساز هم با این بودجه موافقت) (عباس میرزائی - مهندس روحانی در این مملکت خدمت کرده دستگاه سازمان آب و برق خدمت کرده) (رامند - این حقایق تلخ است ولی برای شما که این حرفها را میزنید مثل این که شیرین باشد) جناب عباس میرزائی بنده میدانم جناب عالی ارادت دارم (عباس میرزائی - بنده هم بشما ارادت دارم) خدمت را بنده منکر نیستم اول عریضم عرض کردم ایرانیان همه خدمتگزارند و همه مسایل هستند که باین مملکت خدمت بکنند ولی در ذنبای امروز خدمت قیمتش بیاید معلوم شود امروز در لایر اتواها طلائی میسازند که يك گرمش ۴۰۰ هزار تومان تمام میشود شما يك چنین طلائی را میخرید بنده آنچه عرض کردم روی ارقام عرض کردم این درآمد ملی ما تحت این خرج ماست این درآمد اگر مال شما خودتان بود جناب آقای عباس میرزائی میدادید دست چنین اشخاصی که اینطور بر ایتان حساب بالاییاروند سؤال میکنم اگر مال بنده بود که نمیدانم یکی از سالی ۱۵۵ میلیون درآمد فقط شش میلیون و هفتصد هزار تومان منفعت بدهد بندهستم که بگیرم اینرا خرج آبیاری و کارهای نظیر آن بکنم در هر حال اگر بازم توضیح لازم دارید عرض کنم یکبار دیگر خدا را شهادت میگیرم که هیچ نظری جز خدمت بمملکت ندارم (احسن - احسن)

رئیس - آقای دکتر میرعلاء فرمائید
دکتر میرعلاء - مقام ریاست هیأت دوات همکاران عزیز بنده البته بیانات جناب آقای مدرس را خوب گوش کردم ولی جواب ایشان بهمان شکلی که ایشان ادافه نمودند با مقامات مسئولی است که حتماً ذیایل مکفی برای این مسائل دارند و باید صبر فرمایند تا گفته شود و بعد ما قضاوت کنیم جناب آقای رامند باید باین بودجه رأی داد یا نداد (رامند - لابد شما رأی داده اید) بودجه ای که دولت تقدیم مجلس نموده برای من يك جامی است کشور ما و فکر میکنم از نظر شخص من هیچوجه جائز نیست که در مورد چنین بودجه مخصوص در موفقی که دولت

حزبی و انقلابی در طی سالیانی دراز ثابت نموده که بجه طرز و بجه شکل خدمتگزار است و این پشتوانه يك چنین بودجهای قرار دارد و من چشم بسته بآن رأی میدهم ولیکن در این چند روز ما شاهد بحثها و صحبتهای مخالفین عزیز بودیم و اصولاً این مباحثات بعلمت يك اختلاف سابقه هائی است که در بعضی از امور بین احزاب وجود دارد و من خیلی خوشم آمد آنروزی که لیدر حزب پان ایرانیست آقای یزشکپور در اینجا خطاب به آقای نخست وزیر فرمودند که ما با دولت تقریباً در اکثر موارد موافقیم فقط در بعضی از امور اختلاف سلیقه‌ای داریم حق هم همین است ما امروز در کشوری بسر میبریم که حکومتی داریم و نام این حکومت حکومت مشروطه ابده آل و دموکراسی ابده آل است (یکتفر از نمایندگان - مشروطه سلطنتی) ابده آل را بنده خواستم عرض کنم مشروطه سلطنتی درش مستتر است (یکتفر از نمایندگان مستتر نیست) علت این است که شاهنشاهی عادل پیشوائی با تدبیر که ملت ایران هستی خود و آنچه را که در ید دارد به ذات شاهانه تقدیم کرده و با رفرا ندوم عمومی این موضوع را ثابت نموده شاهنشاه درازاء حکومت دموکراسی آزادی فردی و آزادی حزبی و آزادی مطبوعات را باین ملت عنایت فرمودند (صحیح است) و روی همین اصل است که در مجلس برخورد عقاید در این چند روزه به نحوی جلوه گری میکنند که خود نموداری از رشد اجتماعی و سیاسی مامحسوب میشود (احسنت) در اینجا در ضمن مطلبی بخاطر م آمد که میخواهم عرض کنم من تصور میکنم و شاید هم یقین دارم که تمام افراد حزب ایران نوین احترام خاصی نسبت به کلیه افراد حزب اقلیت بخصوص فرآ کسیون پارلمانی این احزاب دارد ما برای شما آقایان ارزش زیادی قائل هستیم و حتی بخود اجازه نمیدهم در محاوره و صحبت بشما کلمه تو خطاب کنیم (دکتر مهندس بهبودی - عیناً مثل طرز فکر ما است) ولی این انتظار را هم از شما داریم و امیدواریم این موضوع را رعایت کنید (دکتر مهندس بهبودی - تا بحال مراعات شده) (مصطفوی - دیشب بما فحش دادند) بنده هم بخاطر همین عرض کردم جناب مصطفوی (دکتر طالع

شما طلبکار هم شده اید؟) باز که شروع فرمودید بهرحال ما نباید از خاطر دور کنیم که از زمان ختم جنگ بین المللی دوم تا انقلاب سفید شاه و مردم يك فاصله‌ای بود يك زمانی بود يك خلأئی بود يك فترتی بود در این فاصله چه صدمات و لطامات گونا گونی که بر پیکر ملت ایران وارد شد ما ضررهای اقتصادی ضررهای کشاورزی و ضررهای اجتماعی بسیار کشیدیم ولی از همه بالاتر نمیتوانیم منکر شویم که در این راه ماصدمه‌های بسیاری از نظر تربیت اجتماعی و روانی هم خوردیم و بالاخره کار بجائی رسید که شاهنشاه فرمودند چه شما که نخواهیدم و با خدای خود بر از نویناز پردازم و روی همین اصل بفرمان انقلاب سفید مبادرت کردم بالاخره پس از چنین دوره‌ای بفرمان شاهنشاه حزب ایران نوین حکومت انقلابی یعنی دولت انقلابی هویدا روی کار آمد ما در گراه انجام هدفهای انقلاب بهیچ عنوان از هیچ نوع فداکاری دریغ نکرده و نخواهیم کرد و امروز بنده سخنایم را کوتاه میکنم و فعلاً مربوط با انقلاب آموزشی که آنرا یکی از اصول بسیار صحیح و سازنده اجتماع میدانم میپردازم و بعداً چند نکته‌ای در باره بهداشت و سخنانی که همکاران ارجمند فرمودند در باره آنها مطالبی باستحضار میرسانم در باره انقلاب آموزشی باید عرض کنم هدف انقلاب هم همین است میا آرزو داریم که تمام افراد این مملکت روزی پاك و بسی آرایش بشوند و بمنظور رسیدن به هدف انقلابی آموزشی دولت حزبی ما و حزب ایران نوین وظایفی در بردارد و دولت در این راه با قدامی دست زد که بسیار قابل تحسین بود اولین قدم جدا کردن وظائف وزارت آموزش و پرورش و تشکیل وزارت علوم و تقویص آن اختیارات به وزارت علوم بود وزارت علوم بالاخره مهمترین اقدامات خودش را در این مدت کوتاه در زمینه انقلاب آموزشی اجرا کرد بنده بهم خودم که در داخل این گود فرار دارم و استاد دانشگاه تهران هستم از این اقدامات که در آبنده روی دانشگاههای ما مؤثر خواهد شد قدر دانی میکنم (صحیح است) حالاً ببینیم که وظایف این وزارتخانه در حقیقت چیست و ما تا چه حد موفقیت پیدا کرده ایم وظایف این وزارتخانه عبارتست از قدم بسیار

مؤثری که برداشته و امیدوارم که از سال جاری عملی بشود و آن موضوع کنکور و وارد شدن بدانشگاههاست که دانش آموزان از اینکه بیکجا امتحان متوسطه را بدهند و در موقع دیگر و در میان تابستان به کنکور بپردازند از این شکل خلاص بشوند دوم استقلال دانشگاهها و تفویض قدرت به هیئت های امنای دانشگاههاست که واقعاً يك کار بسیار اساسی و بسیار در پیشرفت امور دانشگاهی مؤثر است سوم یعنی ضوابط استخدامی دانشگاهی است که در هر دانشگاه بفرآخور وضع خود بدست هیئت امنای معین خواهد شد چهارم مسئله دانشجویان و اگذارای امور دانشجویان بخود آنهاست که تقریباً در این مرحله موفقیت بسیار بسیار چشم گیری نصیب اکثر دانشگاهها شده است بخصوص دانشگاه ما یعنی دانشگاه تهران پنجم تخصیص اعتبار زیاد برای تجسس و تحقیق در دانشگاه ، ششم ذکر کون کردن اصول تدریس دانشگاهی و علوم پایه ، همکاران ارجمند دنیای امروز دنیائی است که دیگر نمیتوان با داشتن دانشگاههایی با سیستم های قدیمی و کپی شده از دول دیگر پیشرفت مخصوصی کرد (صحیح است) امروز دنیا يك استاندارد و يك حدی را در سطح دانشگاهی قبول دارد و حتی کشور فرانسه که روزی مشعل دار تمدن دنیا بود امروز مجبور شده که در دانشگاههای خود باین تغییر اساسی بپردازد و آن عبارتست از تمرکز علوم پایه و علوم مختلف در مراکزی بفرض وجود داشتن دانشگاههای مختلف بدین معنی که اگر امروز ما دانشکده‌ای بنام دارو سازی داریم یا دانشکده علوم ریسا دانشکده فنی داریم در تمام این دانشکدهها فیزیک تدریس میشود شیمی تدریس میشود علوم بیوشیمی تدریس میشود و غیره ولی همه در يك محدودیتی قرار دارند همه در يك قالبی قرار میگیرند که دور خودشان را گرفته و نمیتوانند آنطوری که باید در سطح علمی پیشرفت بکنند و این قالبها را شکستند ولی سبک جدید دانشگاهی که باید گفت بیشتر این سبکی است که آنگولوسا کسونها در امریکایها روی آن نگاه کرده و پیشرفتهای آنها برای ما مجوز است و آنست که بجای يك دانشگاه يك گروهی را در يك محل بنام

شیمی و فیزیک یا علوم پایه متمرکز میکنند و تمام استادان و تجهیزات دانشگاهی برای يك علم در یکجا متمرکز میشود باین ترتیب قدرت علمی در سطح آن علم چندین برابر میشود و اگر دانشجویی بخواهد در دانشکده های مختلفه تحصیل بکند علوم مختلفی که میخواند در این قسمتهای پایه‌ای میآموزد و جداگتر استفاده را از این راهها میبرد و همچنین راه برای زمینه تجسس و تحقیق بسیار مناسب میشود وظیفه دیگر هماهنگ کردن تعلیمات عالی در دانشکده های مختلف است که ما واقعاً در سطح مملکتی از نظر دانشگاهی يك آنارشی و دگر گونی و بهم خوردگی چهار بودیم و هیچ هم آهنگی نداشتیم و این هماهنگی هم يك موضوعی نیست که بشود بفوریت انجام داد و ممکن است که سالیان چندی طول بکشد بالاخره وظیفه مهمتر مشخص نمودن احتیاجات مملکت از نظر متخصص و معین نمودن قابلیت جذب دانشگاهی است یعنی وزارت علوم امروز باید معین بکند که مملکت ما امروز تا چه اندازه پزشک برای پنجسال یا دهسال آینده الکترونیك میخواهد چه اندازه مهندس برق میخواهد بعد دانشکده‌ها روی این احتیاجات از دیپلمه‌های متوسطه جذب میکنند (صحیح است) و در غیر اینصورت ما بتورم علمی دچار میشویم و یکی از خطرناکترین تورمها محسوب میشود یعنی اگر شما تعدادی زیاد و بی اندازه پزشک برای پنجسال یا دهسال آینده در مملکت داشتید که نتوانستید آنها را در قسمتهای خصوصی و دولتی جذب کنید در نتیجه عده‌ای روشنفکر بیکار در مملکت ایجاد کرده اید و این خود يك خطر بزرگی برای هر جامعه محسوب میشود (صحیح است) و خوشبختانه وزارت علوم يك مؤسسه تحقیقاتی و برنامه ریزی علمی و آموزشی تأسیس کرده و لایحه‌ای هم برای هیئت امناء تقدیم مجلس شورای ملی خواهد کرد که مخصوصاً اساس کار این وزارتخانه را اداره خواهد کرد ولی يك نکته را اینجا بنده باید اشاره کنم و آن موضوعی است که بسیار مهم است و جناب آقای دکتر عاملی تهرانی همکار ارجمند ما روی این نکته انگشت گذاشته و فرمودند که دیپلمه ها تکلیفشان چه میشود ؟ ۴۰ هزار دیپلمه در سال از مدارس متوسطه ما داریم و ۲۰ هزار تا هم فعلاً وجود دارد که ۶۰ هزار دیپلمه است تکلیف این دیپلمه ها چه میشود

حالا ما بررسی میکنیم بینیم اصولاً بچه شکلی باید باشد عرض کنم این انسان وقتی که آفریده شد دارای يك تعداد حواس است که این حواس برای ادامه زندگی او در او تعبیه شده حواس دارد که ما وقتی تجزیه و تحلیل کنیم اصولاً بغلط یا درست بطور ساده ۵ حس برایش تصور میکنیم این ۵ حس برای اینست که بتواند از محیط خودش استفاده کند و به زندگی خودش با آن شکلی که باید ادامه بدهد این صادق است برای انسانهای اولیه تا زمانی صادق است که ما فاصله زیادی از آن وضع اجتماعی اولیه آنها نگرفته باشیم ولی کم کم تمدن و پیشرفت علوم که بدست خود ما پیدا شده وضع زندگی انسانها را دگرگون کرده و امروز باید ما از طبیعت تقاضا کنیم این انسانی که امروز دنیا میآید دارای حواس و شرایط دیگری باشد نه آن شرایط و خواصی که آدم داشت در شروع زندگی ولی طبیعت بما پاسخ میدهد که من که نخواستم این وضع را برای شما ایجاد کنم خودتان گردید و جواب آنرا هم خودتان بدهید ما امروز احتیاج داریم با انسانهایی که برای اینکه يك واحد انسانی باشند و در اجتماع بحساب بیایند دارای يك چیز دیگری هم باشند که امروز در يك بچه ای که بدنیا میآید وجود ندارد و آن چه حسی است يك حس مکمل این احساسات است که ما میتوانیم آنرا حس علمی بنامیم و باید این احساسات را کنترل بکنند و بنا اینکه امروز چشمان ما دیگر ۱۵ متر را که می بیند ماوراء آنرا نمیتواند بینهایت حساب کند امروز چشمان ما خیلی فواصلی را که ما نمیتوانیم چشمان ما ببینند اینها بچه علت است باین علت است که يك حس دیگر بنام حس علمی بر ما حکومت میکند و این حس در اثر تعلیم و تربیتی که ما امروز و برای اجتماع امروز تخمین زده ایم در مدت ۱۲ سال آموزش پیدا میشود ما وقتی موفق باخذ يك دیپلم متوسطه میشویم وقتی است که میتوانیم بگوئیم یعنی نواز يك انسانی هستیم که میدانیم بگوئیم يك واحد انسانی این قرن را تشکیل میدهم و هیچ عنوان يك دیپلم امروز تا حد این نیست که ما بتوانیم در کارهایی در سطح بالا یا برای کار کردن و فعالیتهای محسوب بشویم این يك

موضوع استاندارد انسانی است ولی حالا بینیم دیپلمه های ما بچه شکل در جامعه هضم میشوند این دیپلمه ها بفرآخور دانشگاههایی که ما داریم ۹ هزار الی ۹۵۰۰ نفر در دانشگاههای مملکت جذب میشوند در حدود هزار الی ۱۵۰۰ نفر در خارج برای تحصیل روی میآوردند و در حدود ۱۰ هزار نفر در سپاه دانش قرار میگیرند و بقیه در سپاههای مختلف دیگر و از همه مهمتر امروز حرفه های اجتماعی است که در جامعه و در شهرها این دیپلمه های ما را جذب میکنند در سال گذشته در موقعی که برای سپاه دانش میخواستند داوطلبان را معین کنند مجبور شدند دو مرتبه خدمت در پائین بیاورند تا اینکه بعد تصاب برسد و این بدین علت بود که دیپلمه ها کمتر برای خودشان کار پیدا کرده بودند و البته این در تمام دنیا به همین شکل و وضع وجود دارد و اینکه ما خیال کنیم برای تمام افراد دیپلمه باید به تعداد آنها دانشگاه داشته باشیم این يك فرضیه بسیار غلطی است و اگر يك کشور بخواهد چنین کاری را بکند حتماً پایه های اجتماع خودش را در هم میکوبد برای اینکه مشاغل تقسیم شده است باید تمام افراد جامعه را بر ددر سطح بالا قرار داد و پائین را در خلاء گذاشت ولیکن بعضی از همکاران گرامی مساز احزاب اقلیت در امور بهداشتی مطالبی ابراز داشتند و بحث کردند و بنده بتدریج البته مطالبی عرض میکنم و امیدوارم که پاسخی به همکاران عزیز داده باشم جناب آقای دکتر عاملی فرمودند که دانشکده های پزشکی مملکت نباید بفرآخور وضع مملکت وضع خودشان را تنظیم کنند بنده اینطور حس میکنم از این جمله اگر غلط حس میکنم جناب آقای دکتر توضیح بفرمائید یعنی ما باید دوره ای ۲ ساله و سه ساله و ۴ ساله پزشکی ایجاد کنیم و بشهرها و مناطق در دست بفرستیم... (دکتر عاملی - خیر اینطور نیست دوره ۷ ساله را طوری تربیت کنند که بدر مملکت بخورند) بله پس اگر اینطور نیست آن امر دیگری است چون اصولاً چنین راهی مردود است و چون فرمودند و روشن ساختند بنده وارد بحث این مطلب نمیشوم و نکته بسیار مهمی که جناب آقای دکتر عاملی اشاره فرمودند و نظر حزب پان ایرانیست را منعکس کردند موضوع

بهداشت و تنظیم خانواده بود که این يك موضوعی است بسیار حساس که بعداً بنده مفصلاً در این باره عرضی باستحضار میرسانم ولیکن همکار دیگر ارجمند ماجناب آقای دکتر سعید حکمت باستحضار میرسانم ولیکن همکار دیگر ارجمند ماجناب آقای دکتر سعید حکمت مطالبی را اینجام مفصلاً خواندند و اگر بتوضیحاتی که بنده اینجام بدهم توجه بفرمائید و تشریف داشته باشند مسائل روشن میشود امروز وزارت بهداشتی اصولاً بدو قسمت بهداشتی و درمانی تقسیم شده و اصولاً وظیفه وزارت بهداشتی و وظیفه پیشگیری و کار او در مرحله ایست که قبل از شروع بیماری باید انجام بگیرد و اگر بیماری شروع کرد باید بدست دستگاههای درمانی سپرده شود - حالا سه بینیم در زمینه پیشگیری چه اقداماتی وزارت بهداشتی کرده و میکند و بجه ترتیبی این اقدامات باید صورت بگیرد اولاً يك اصل پیشگیری طریقه و اکسیناسیون است در امراض مختلف مائثری را که فعلاً از طرز و اکسیناسیون وزارت بهداشتی میبینیم اگر بروش کار هم نظر نکنیم خود شاهدهی کوبا است امروز ما تقریباً بحد بسیار قلیلی با امراض عفونی روبرو هستیم امراض عفونی در این مملکت بخصوص در زمانیکه من تحصیل میکردم و سال اول و دوم تحصیلی را در ایران میخواندم امراض عفونی مانند تیفوس اگرمانیک حصه و شبه حصه و دیفتری و اریسون حتی پزشکان را در امان نمیگذاشت من بخوبی بیادم میآید که نمیشد روزی که ما بمدرسه برویم و سر کلاس بنشینیم و نشویم که فلان رفیقمان حصه یا تیفوس نگرفته است و ماهی نمیشد که راه امامزاده عبدالله را در پیش نداشته باشیم ایشان مطلبی را اظهار داشتند راجع به سل و توپز کولز و احصائیه ای دادند آن تعدادی که در حقیقت مسلول در مملکت وجود دارد خواستند به بینند وزارت بهداشتی چه اقداماتی کرده و بچه نحو این بیماران را درمان کرده عرض کنم اصولاً جناب آقای دکتر سعید حکمت باید بداند که کسل بیماری فقر و بیچارگی است و اگر ما سطح زندگی اجتماع را بالا بیاوریم خود بزرگترین جلوگیری را برای درمان سل کرده ایم ولی بهر حال انظار جلوگیری برای سل میآید و اکسیناسیون ما هم ب. ث. ز که بسایک عمل

کوتاهی را اکسینون عمل میشود و وزارت بهداشتی طبق آنچه را که سازمان بهداشت جهانی توصیه کرده این اکسیناسیون را در سراسر مملکت بخصوص در سطح مدارس ابتدائی و متوسطه پس از کوتاهی را اکسینون و مثبت بودن را اکسینون انجام بدهد ولی امروز باز توصیه میکنند که این اکسیناسیون نباید بطور همه گیری در آسیا و افریقا انجام بگیرد و وزارت بهداشتی شروع به این و اکسیناسیون کرده و در ظرف یکسال و نیم تمام بیست و هفت میلیون و نیم جمعیت این مملکت و اکسینه خواهند شد بر ضد سل و علاقه برای درمان بیماران سلی امروز ما آسایشگاههایی داریم و پنج آسایشگاه بزرگ امسال افتتاح میشود و در حقیقت آسایشگاههای مادر تهران شاه آباد و بوعلی و همچنین در اصفهان کرمان - ساری - همدان - شیراز مشغول نگار هستند (بدر صالحیان - کردستان را نفرمودید) بله در کردستان هم هست از قلم افتاده اما راجع به ولسا یا التور صحبت فرمودند جناب آقای دکتر سعید حکمت حتماً میدانند که وبای التور وبای عادی نیست و بسیار مقاوم است و در سلیس آن تفریزی بصورت آندرمیک جود دارد و قریباً است که وجود دارد این میکرب خطرناک گاه بگاه بیدار میشود و شعله میکشد و تمام خاور دور را مبتلا میکند و اتفاقاً هم این کار را کرد و بطرف هندوستان و پاکستان و کشور ما آمد و تا وسط خاک اروپا پیشروی کرد منتها وزارت بهداشتی از این رادکاری را که انجام داد باشد به مبارزه پرداخت و بسیار سریع و اگر نسبت بگیرد با ممالک مجاور ما که من نمیخواهم اسم ببرم آنها تلفات سنگینی داشتند و تلفات بسیار ناچیزی داشتیم و از همه اینها گذشته این سازمان مورد تقدیر سازمان بهداشت جهانی قرار گرفت برای اینکه هیچیک از این دولت‌هاییکه و با آنها سرایت کرد هنوز نتوانسته اند آثار آنرا محو کنند و بصورت آندرمیک در آنجا وجود دارد در حالیکه در ایران با اینکه سازمان بهداشت جهانی پیش بینی کرده که غیر ممکن است و بالتور در ایران ریشه کن بشود تقدیر نامه ای صادر کرد که بعلم علمی و فنی این بیماری در ایران ریشه کن شده است آیا از این خدمت بالاتر میتوان برای یک دستگاه تصور کرد و جناب آقای دکتر سعید حکمت امسال وبای عادی همانی را که شما میشناسید حمله بسیار شدیدی از دو کشور مجاور ما کرده و در عرض يك

هفته وزارت بهداری دو میلیون نفر را برضد وبا وا کسینه کرد و امروز شما آثاری از این درسراسر کشور نمی بینید و اقداماتی را که اخیراً وزارت بهداری در این وقایع سیل کارون و شیراز برای وا کسیناسیون ضد حصه و ضد شبه حصه و ضد سرخک انجام داده و علاوه بر این گندزدائی و اقدامات سریع بهداشتی که در این مناطق بعمل آورده بسیار قابل تقدیر است حالا میپردازیم به درسمان عرض کردم اصلاً درسمان امروز بهمه انجمن های بهداری شهرها و شهرستانهاست (دکتر سعید حکمت - ولی وزارت بهداری دستش را روی آن گذاشته) باید بگذارم وزارت بهداری این پروژه خودش را چند وقت است که دارد عمل میکند باید بگذارم تا بتوانند این انجمنهای بهداری قدرت بگیرند و مستقل بشوند و وظیفه خودشان را انجام بدهند اگر وزارت بهداری دست خودش را بگذارم و یک عمل خلافی پیش بیاید میآیند میگویند آقایان چه وزارت بهداری است این چه وضعی است اگر دستش را بگذارم میگویند این چه وضعی است باید نگذارم پس چه میکند (دکتر سعید حکمت - وزارت بهداری باید نظارت داشته باشد) خدمتتان عرض کنم جناب دکتر سعید حکمت شما یک فرمایشی اینجا فرمودید که من آخر سر عرض خواهم کرد راجع به طرحهای بیمارستانی برضتتان میرسانم قبل از انقلاب شاه و مردم بیست و چهار هزار تخت خواب در سراسر مملکت وجود داشت امروز بعد از انقلاب تا کتون تعداد تخت خواب به چهل و دو هزار رسیده است و در آخر برنامه عمرانی چهارم به شصت هزار خواهد رسید خواهید فرمود کم است قبول دارم (رامبد - یعنی نیست بیولی که خرج شده کم است).

دکتر سعید حکمت - تخت درست کنید بیمارستان ارزان قیمت درست کنید.

نایب رئیس - خواهش میکنم صحبت فرمائید جنابعالی صحبتتان را فرمودید ایشان جواب میدهند مجلس هم قضاوت خواهد کرد.

دکتر میر علاء - اگر اینطور باشد بنده میروم پائین ایشان بیایند صحبت فرمایند عرض کنم این نسبت نسبتی است که در حال حاضر جناب آقای ابراهیمی آن شیفر

و عددی را که صبح فرمودند باین شکل نیست میشود نزدیک به (۶۹۰) نفر برای یک تخت خواب نه دوازده هزار نفر و بعد از برنامه عمرانی چهارم این اندازه بیشتر خواهد شد و ما بآن استاندارد می رسیدیم که از $\frac{1}{3}$ ممالک دنیا بالا قرار میگیریم (دکتر بهودی - آیا توزیع هم در مملکت بطور مساوی خواهد شد؟) این مورد در کدام روزنامه نوشته شده بود عرض کنم امروز دولت قادر است که برای شاید هر چهار صد نفر با سیصد نفر یک تخت خواب بیمارستانی ایجاد کند اینها مسائلی است که وقتی داخل گود قرار گرفتید میتوانستید قضاوت کنید شمادر پشت جبهه قرار دارید می گویند ثوری، ثوری، ثوری ولی وقتی که پیاده شد معلوم میشود ما اکثر بخواهیم یک چنین وجوهی مصرف کنیم و بیمارستان بسازیم پرسنل را از کجا بیآوریم فرض کنید دکتر هم باشد ولی امروز مسئله کمبود پرستار و نرس حتی امر یکی پر قدرت راه میارزاند و بیمارستانهایش را خالی گذاشته چطور انتظار دارید که ما بآن و با نزدیک بآن برسیم البته مدارس نرسینکگ ما دارد توسعه پیدا میکند حتی متوسل مدارس بهیاری شده ایم که کورها و دورهها را کوتاه کنیم البته اینست که آقای پزشک پور گفتند را نمیشود یکشنبه ساخت شما تقسیم نفرمائید به بنده بگویند عرض کنم راجع به گروههای پزشکی فرمودند امسال ده میلیون تومان برای این گروههای پزشکی اختصاص داده میشود سیاست دولت در این راه چه بود جناب آقای دکتر سعید حکمت شما مسائل را بطوری توجیه فرمودید که درست خلاف واقعیت را می رساند اصولاً برای گرفتن مغزها و جذب مغزها این راه پیش بینی شده و بهیچ عنوان نمیشود با این اصول اقتصادی که شما صحبت فرمودید موافقت کرد عرض کنم این ده میلیون تومان به پنج گروه داده میشود تنظیم هم شده که خوشبختانه در ولایات مستقر شوند دو گروه از انگلستان میآیند و جوانانی هستند که در انگلستان تحصیل میکنند و بقیه در داخل مملکت هستند آباچه عیبی دارد که یکی دو جوان و پزشک کرد هم بیایند و باینها بیمارستانی را بدهند و امی بدهند و وارد کار بشوند و آنوقت بطریق ایبه و کمکهای دیگری که برای آنها

در نظر گرفته شده آنها را تقویت کنند تا اینکه بتوانند روی پای خود بایستند و تمام طبقات سرویس بدهند و خدمت بکنند در این راه هم از نظر مادی یک تأمین است که حس میکنید این چه عیبی دارد و چطور ممکن است یک چنین وضع بازرگانی یا دیو کتومی یا عرض کنم مطالب دیگری که خدای نخواست بعضی از پزشکان ما خوب در هر کادری یک عده ای هستند که بوظیفه خودشان آشنا نیستند (خواججه نوری - قانون نظام پزشکی باید سروصورتی بدهد) و اگر چنین مطالبی پیش بیاید خود شما شاهدید که با ارسال من در اینجا برضد این مسائل صحبت کردم و این مسئله زاریش کشیدم و شاهدید که چه مبارزاتی در این راه کردم و این را نظام پزشکی باید جلو گیری کند و هیروقت اشکالی پیش بیاید باید بمیان بکشند (بکنفر از نمایندگان - خود پزشکان مراقب هستند).

دکتر سعید حکمت - جناب آقای رئیس اخطار نظامنامه ای دارم.

نایب رئیس - طبق چه ماده ای؟

دکتر سعید حکمت - ماده ۷۴.

نایب رئیس - آقای دکتر ایشان نه نسبت سوئی شما دادند و نه عقیده شما را بخلاف واقع جلوه دادند.

دکتر سعید حکمت - عرض بنده را تخریب میکنند.

نایب رئیس - آقای دکتر میر علاء توضیح علمی میدید با جواب بکنفر، اگر توضیح را علمی میدید خطاب شخص نکنید برای اینکه ایشان تصور میکنند مطالب شما مربوط به ایشان است.

دکتر سعید حکمت - جناب آقای رئیس اخطار

نظامنامه ای دارم.

نایب رئیس - طبق چه ماده ای؟

دکتر سعید حکمت - ماده ۷۴.

نایب رئیس - آقای دکتر ایشان نه نسبت سوئی

شما دادند و نه عقیده شما را بخلاف واقع جلوه دادند.

دکتر سعید حکمت - عرض بنده را تخریب میکنند.

نایب رئیس - آقای دکتر میر علاء توضیح علمی میدید با جواب بکنفر، اگر توضیح را علمی میدید خطاب شخص نکنید برای اینکه ایشان تصور میکنند مطالب شما مربوط به ایشان است.

رامبد - اصولاً این نوع بحث در مجلس که اشخاص بروند زحمت بکشند و با مدارک رسمی دولتی بیایند مطالبی را عرض مجلس برسانند و اشخاص دیگر بدون مطالعه بگویند ارقام صحیح نیست درست نیست خواهش میکنم هر رقمیکه اشتباه است بفرمائید این رقم بآن دلیل اشتباه است.

نایب رئیس - آقای رامبد آقایان اینجا صحبت میفرمایند مذاکره ایشان در صورت مجلس هست و ایشان هم صحبت میکنند و مجلس هم قضاوت میکند من بکنه ای را که میخواستم تذکر بدهم اینست جوابیکه داده میشود.

خطاب بمجلس است نه خطاب بشخص معینی. آقای دکتر میر علاء بصحبتشان ادامه دهید.

دکتر میر علاء - بهر حال امروز پزشکان مملکت بنسبت $\frac{1}{11}$ در سطح روستا خدمت میکنند و این نسبت پیش از انقلاب $\frac{1}{3}$ بود علاوه بر درمانگاههای سیار فصلی در سطح روستاها ۵۰۰ درمانگاه نیمه سیار که با اطاق عمل و وسائیل اولیه مجهز هستند در روستاها شروع بکار کرده اند (دکتر عاملی - این آمار از کجاست؟) خدمتتان عرض میکنم موضوع دارو اصولاً سیاست دولت در باره دارو فعلاً باین طریق است که در حقیقت باید سعی بشود داروئیکه در مملکت مصرف میشود بوسیله کارخانجات داخلی تهیه بشود ولی یک مسئله دیگری در اینجا وجود دارد و آن این است که هیچ مملکتی در دنیا وجود ندارد اگر چه آن مملکت خود سازنده بزرگترین اقلام دارو است دارو از خارج وارد نکند و از این مطلب می میرم که بالاخره ما احتیاج خواهیم داشت که مقداری دارو از خارج وارد کنیم و قسمت اعظم دارو را در داخل مملکت تهیه کنیم روی این سیاست امروز ۱۷ کارخانه بزرگ داروئی در مملکت مشغول ساختن داروست و ۶۵

آزمایشگاه داروئی که در حقیقت کارخانجات کوچک داروسازی محسوب میشوند در داخل مملکت دارو تهیه میکنند ولیکن راجع به اقلام داروئی که بمملکت وارد میشد این خود یک علتی بود برای بالا بردن قیمت دارو که باز بنده سال گذشته در این زمینه شخصاً تحقیقاتی کردم و بالاخره پس از بحث و بررسی مادر حزب و در وزارت بهداری در قسمت تحقیق مطالعات عمیق روی دارو و با در نظر گرفتن تناسب خارجی و بین المللی دارو باین نتیجه رسیدند که از ۵۳۰۰ قلم داروهای مختلف این تعداد را به ۳۲۴۰ رسانیدند و تقلیل آن امکان دارد به ۳۰۰۰ هم برسد ولی از لحاظ استعمال و لزوم کمتر از این اقلام شاید ممکن نباشد و روز به روز باید بدانید که ده هزار نوع دارو در کارخانجات مختلف دنیا ساخته میشود که این ده هزار نوع فقط امروز ۳۲۴۰ نوع آن را بمملکت وارد میکنیم (مهندس ناصر بهودی - داروئی لاغری هم از همین نوع است) شما تشریف بیآورید پیش من یک رژیم بهتان میدهم احتیاج ندارو

نیست ولی راجع به قیمت دارو (فرهادپور - جواب حرفهای پارسان است) قیمت دارو از دو سال پیش باین طرف روی همین اقدامات و اینکه اقدامات دیگری در همین زمینه از دو سال پیش باینطرف روی دارو صورت گرفت بین ۲۰ الی ۴۰ درصد تقلیل پیدا کرد و امروز جناب آقای فرهاد پور اسمتان را میبرم شما بر نخورد چون فرمودند عرض میکنم در همان موقعیکه صحبت کردید افلامی بود در مملکت بیش از قیمت خیارخ و بعضی افلام آن در کشور بفروش میرفت ولی امروز جناب عالی هیچ دارویی را در مملکت نمیتوانید پیدا کنید که ارزاتر از محل سازنده خودش نباشد و بنده ایست بزرگی از این افلام و کاتولوک آنها را دارم و خدمتتان عرض میکنم (ابوزند... ویتامین قیمتش ۴ برابر لندن است) بنده هم وارد هستم و خیالی بیش از شما وارد هستم عرض کنم بنده ناچارم چند قلم را با اینکه يك موضوع تخصصی است به رضایت برسانم بر کوشن مبدأ ۱۶۰۰ ریال - ایران ۹۰۰ ریال، پروبرم مبدأ ۲۱۰۰ ایران ۱۰۹۰۰ - مرگانی مبدأ ۸۲۰۰ - ایران ۶۰۰۰ ریال، پروبرم از این افلام بسیار است (دکتر حکمت - دز راهم بفرمائید) این روی آمبالاژ است کارخانه فروشنده در سوئیس هست قیمت ایران هم هست قیمت سوئیس هم هست بهر حال موضوع حساس دیگری که مورد بحث قرار میگردد بهداشت و تنظیم خانواده و موضوعی است که جناب آقای دکتر عاملی مفصلاً روی آن صحبت کردند (دکتر عاملی - سیاست حزب را هم بفرمائید) دارم تشریح میکنم بهداشت و تنظیم خانواده یعنی تأمین سلامت و بهداشت جسمی و روانی و اقتصادی و اجتماعی خانواده ها و در نتیجه رفاه اجتماع، بنده قبل از اینکه وارد این مطالب بشوم علت ایجاد چنین برنامه ای را در سطح جهانی امروز ذکر میکنم اولاً مسئله ازدیاد جمعیت را دنیا احساس میکند که ازدیاد جمعیت احتمال آن را دارد که روزی بشر را به نابودی و انهدام بکشد با استناد قسمتی از قطعنامه بعضی از کشورهای جهان درباره ازدیاد جمعیت که خدمتتان عیناً میخوانم ما معتقدیم که اگر دولتها به هدفهای اقتصادی خود نائل بشوند و احتیاجات و آمال مردم خود را بر آورده نمایند رسیدگی بمسئله افزایش جمعیت باید بگنجانند یکی

از مواد اساسی در طرحهای طویل المدت پی ریزی ملی بحساب رود ما معتقدیم که اکثر والدین غلامند هستند که اطلاعات و وسیله لازم برای محدود کردن تعداد فرزندان که قادر به پرورش آنها میباشند و نگاهداری آنها ایجاد میکند داشته باشند و علاوه فرصت ایجاد تصمیم در مورد تعداد اطفال و ایجاد این فاصله بین تولید آنها مسئله بسیار مهم است و یکی از اصول اساسی حقوق بشری محسوب میشود ما معتقدیم که حل واقعی و پایدار به نسبت زیاد بستگی بچگونگی مبارزه با افزایش جمعیت دارد ما معتقدیم که بهداشت و تنظیم خانواده با فراهم آوردن ظرفیت و امکانات بیشتر برای هر فرد او را برای بدست آوردن شخصیت و اعتبار فردی و نیل بعداً کثرت لیاقت و کفایت خود کمک میکند (فرهادپور - قطعنامه شماها است) بله فرمان قطعنامه حزب است الان متوجه میشوید با علم باینکه بهداشت و تنظیم خانواده هم از نظر ملت ها و هم از نظر خانواده ها يك موضوع اساسی بشمار میرود ما امضاء کنندگان (فرهادپور - حزب ایران نوین را میفرمائید) بطور جدی آرزو داریم که سران دول در اطراف و اکناف جهان با این اعتقادات با ما هم آهنگ بشوند برای رفاه و خوشحالی مردم جهان، نوشیح ملوکانه حزب ایران نوین این را امضاء کرده است این رایبشوی شما شاهنشاه ما کرده است (احسنت) (دکتر عاملی - شما عقیده دارید که میثاقهای بین المللی را باید در نظر گرفت؟) شما که هفت هشت ساعت صحبت کردید و بنده با کمال احترام گوش دادم باید این احترام متقابل باشد بنده با شخص شما مدت ها کار کردم من جراحی قلب میکردم شما هم بیهوشی بودید ارادت چند ساله دارم ولی از نظر اقتصادی طبقه فعاله يك جامعه و اجتماع در بین سنین بیست سالگی و شصت سالگی در حدود ۴۰ درصد اجتماع ما طبقه ایست که زیر سن ۲۰ سالگی قرار میگردد و در حقیقت طبقه غیر فعاله محسوب میشود با این نسبت ۴۰ درصد در مملکت ما يك نفر کار میکند برای زندگی سه نفر دیگر که با هم میتونه چهار نفر اگر چنانچه تعداد اولاد به رقم شش در هر خانواده برسد این نسبت هر يك نفر باید برای پنج

نفر دیگر کار کند از طرف دیگر قسمت اعظم درآمد ملی ما صرف خوراک و تربیت این ۴۰ درصد میشود که راندمان و بازده اقتصادی میدهد در حال حاضر موالید در ایران پنجاه هزار نفر در سال است که این پنج درصد جمعیت را تشکیل میدهد در حالیکه در هیچ يك از ممالک مترقی دنیا از دو درصد تجاوز نمیکند ما رقم افزایش جمعیت را پس از کسر در گذشتگان به ۸۰۰ هزار نفر در سال میبریم و روز بروز این عدد رو به تزاید است اگر نظری به حسابهای پس اندازهای ملی کنید ملاحظه میکنید که هر موقع خانواده ها بتعداد فرزندان شان اضافه میکنند اینها از حر که پس انداز کنندگان خارج میشوند و علاوه اثر مستقیم فقر و فاقه روی خانواده ها منجر با امراض و بیماریهایی میشود که اینها را مبتلی مینماید و ما اطباء خوبی این موضوع را میدانیم آقایان در روزنامه میبینند که بنگاه عکس این اطفالی که در افریقا و ممالک آسیائی در نتیجه کمبود با (کاراسر) و نبودن مواد غذایی چه وضع و حالی دارند و از آن گذشته ما در يك مملکت پهناور زندگی میکنیم ولی بیش از ۸۰۰ خاگ ما قابل کشت و زرع نیست و بطور محاسبه دقیق اگر این ۸۰۰ زیر کشت برود با اینکه میدانیم قسمت اعظم کشت دیم در مملکت داریم باید بدانیم که ما ناگزیریم که ظرفیت جمعیت را در حالیکه از يك رفاه اجتماعی لبریزند از ۴۵۰ میلیون نفر نباید تجاوز کند (دکتر طالع - به دو بیست میلیون نفر میتواند برسد) عرض کردم این بر خورد عقاید است ما این را میگوئیم شما هم آن را میگوئید ممکن است بفرمائید ۴۰۰ میلیون اشکالی که ندارد (دکتر عاملی - آقای مهندس ارفع که یکی از متخصصین کشاورزی است گفته است تا ۶۰ میلیون نفر از نظر وزارت آموزش و پرورش ما در هر سال ۸۰۰ هزار نو آموز داریم وزارت آموزش و پرورش در حالیکه مملکت ما باید خرابه های گذشته را ترمیم کند هنوز باید هر سال برای ۸۰۰ هزار نو آموز دبستان و آموزگار تهیه کند در نتیجه برای ۸۰۰ هزار نفر نو آموز ۱۶ هزار کلاس لازم است و اگر فرض بفرمائید برای هر کلاس يك معلم در نظر بگیریم ۱۶ هزار معلم لازم است اینها مسائلی است که باید دقیقاً روی آن بررسی کرد (دکتر عاملی - يك

بیمه بیا نندازید يك قسمت را نابود کنید تا خیالتان راحت شود) اثر روانی ازدیاد اولاد و فشار شدید اقتصادی بر روی بدرباعت میشود این موضوعی است که ما چشم خودمان روزمره میبینیم پدر کانون پر هجرت خانواده را تارک میکنند و با فرار میگذارد (دکتر سعید حکمت - این از موفقیتهای دولت است) وجه مسا مامی بینیم که دست به جنایت میزنند این اثر روانی خود ایجاد میکند که ما باین نکات در ایران توجه کنیم و بدانیم که بجهت طرز باید ازدیاد جمعیت را در نظر بگیریم از نظر اجتماعی و سیاسی امروز زندگی ملک بهم بستگی کامل دارد علاوه بر آن هر ملتی که از نظر تکنولوژی از نظر اقتصادی از نظر صنعتی و از نظر کشاورزی ترقی بیشتری کرده باشد روی آن کشور بیشتر حساب میشود و اگر ما فکر نکنیم که قدرت نظامی رابطه مستقیم با جمعیت دارد درست نیست من فکر میکنم امروز قدرت نظامی رابطه مستقیم با تکنولوژی دارد و جناب وزیر جنگ نشسته اند و بنده بخودم اجازه نمیدهم که يك چنین مسئله ای را مطرح کنم (صحیح است) ولی فکر میکنم که تصدیق بفرمائید بهر حال شاهنشاه میفرمائید که دیگر جای آن نیست که فرزندان خود را بدون احساس مسئولیت در کوچه و خیابانها زها سازیم، دیگر مسئله فرسودگی بدنی است اگر فرض بفرمائید که در حال عادی يك دختر در سن ۱۸ سالگی یا بیست سالگی شوهر میکند و در هر سال يك بچه دنیا میآورد (نمایندگان - نمیتواند) دو سال را که میتواند در نتیجه در سن ۳۵ سالگی اگر در هر سال يك بچه بیاورد ۹ الی ۱۰ زایمان خواهد کرد و این ۹ - الی ده زایمان مکی او را از پا در خواهد آورد و چه بسا باید اعمال جراحی ترمیمی روی آنها انجام گیرد و بسیاری از این تختهخوانها را همین بعاران در قسمت زنان اشغال کرده اند برای اینکه بتوانند يك مقدار از کارهاشان را انجام بدهند ولیکن مسئله مهمیکه در نحوه عمل این سازمان این بهداشت و تنظیم خانواده وجود دارد این است که منظور تعلیم دادن کانونهای خانوادگی منظور روشن کردن افکار حتی در سطح دبیرستان و دانشگاهها در ارتش سپاهیان انقلاب دانشگاهها مدارس متوسطه سر بازخانه ها و ترویج کشاورزی تعاون روستائی و

پرستاران و ماماها است که این مسئله برای روشن کردن افراد بطرز زندگی بهتر که چگونه بتوانند بچه‌های خودشان را تربیت کنند این بچه‌ها چه نوع تربیتی لازم دارند اینها باید در حیطه بگردند یا در کوچه این مسئله ساده است ولی نتیجه مشکل باید با آنچه که دارند آنها را تغذیه بکنند چه تغذیه‌ای احتیاج دارند و نسبت بوضع اقتصادی خودشان کانون خانوادگی‌شان را در بک وضع معینی در آورند مسئله صرفاً جلوگیری از ازدیاد جمعیت نیست و این بک جنبه خدمات اجتماعی محض است. موضوع مطرح شد راجع بمبارزه با مواد مخدره بود که این مواد البته ما میدانیم که در کشور ما با اینکه در حدود یک میلیون و نیم معتاد وجود داشته با مبارزات شدید امروزه ۳۰۰ هزار رسیده و اگر چنانچه همسایه‌های ما در اطراف بکشت خشخاش با این شکل نبردازند و در موقعیکه ما اقدام بکشتن خشخاش کردیم آنها هم میکردند امروز ما مسلماً آن سیصد هزار نفر را نداشتیم اینها آن طبقه‌های هستند که امروز از قاجاق استفاده میکنند بهر حال ما بسیار خوشوقتیم که بالای خانمانسوز هر وئین در این مملکت آنطور که در بعضی ممالک رخه کرده وجود ندارد (سعید حکمت - آمار ندارد) در شهرها و روستاها نیست (سعید حکمت - در روستاها نیست ولی در شهرها هست) تا آنجا که ما میشناسیم هر وئین نمیبینیم حالا اگر آقا میشناسند بنده البته منکر نیستم در شهرهایک تعدادی وجود دارد و البته این مبارزه است که وزارت بهداشتی در این راه کرده خدمات وزارت بهداشتی در محو کردن آبله در سطح کشور و همچنین مبارزه شدید علیه مالاریا بعمل آمده وواکسینه کردن علیه سرخک راه شروع کرده و فقط چهار کشور هستند که واکسیناسیون سرخک را انجام میدهند بعلاوه از اینکه ما امروز امرش عفونی را بطور کلی حتی برای تدریس دانشجویان خودمان هم نمیبینیم جالب است بخوبی یاد دارم موقعیکه مادر آمریکان تحصیل میکردیم میخندیدیم به اینها که بک نوع مرض عفونی را اینها نمیبینند ولی حلاله ببینیم که ما داریم بواسطه مبتلا میشویم بهمان مرض امریکائی و بیمار عفونی نخواهیم دید که آنها دارند ما هم داریم مبتلا میشویم و این خود گواه

بزرگی است برای پیشرفت مملکت سخنان خودم را دیگر خانمه میدهم از اینکه توجهی فرمودید بسیار متشکرم (احسنت).

مهندس صائی - بسیار عالی بود.

عباس میرزائی - جقدر عالی صحبت کردید.

دکتر مهدوی - بسیار آموزنده بود.

دکتر میرعلاء - متشکرم.

نایب رئیس - آقای فضائی بعنوان مخالف صحبت

میکند بفرمائید.

فضائی - مقام ریاست، آقایان وزراء و معاونان

محترم، همکاران بسیار گرامی. امروز صبح وقتی بمجلس

آمدم تمثال مبارک شاهنشاه بدست رسید که در حال احرام

بودند و بایک خلوص که از وجوهات شاهنشاه از آن عکس پیدا

بود بخانه خدامینگر بستند بخاطر آوردن که مصادف باش

عید قربان هستیم و امروز مسلمانان جهان از جمله

ایرانیان آماده هستند که فریضه حج را انجام بدهند، بنده

از این موقعیت استفاده میکنم و بهمه مسلمانان جهان

و بملت عزیز ایران تبریک میگویم و سلامت همه‌ها را

حج بخصوص ایرانیان را آرزو میکنم و از برکات این روز

سلامت وجود شاهنشاه معظم و خاندان سلطنت را مسئلت

دارم (احسنت) اتفاقاً فردا که روز عید قربان است مصادف

است با یکی از روزهای بزرگ مملکت، روزی که شاهنشاه

بزرگ ما فرمان دادند تا نیمی از بیکر اجتماع ایران

یعنی زبان ایران از همه حقوق اجتماعی بر خوردار شوند

جا دارد که در چنین روزی سیاس بحضور شاهنشاه بزرگ

خودمان بیاوریم باز بخاطر می‌آورم که فردای فردا یعنی

روز جمعه که باز روز تعطیل است مصادف با روز نهم اسفند

است روزی است که خاطره بسیار دقیق و پرمعنی برای

همه وطنپرستان تجدید میکند این خاطره این است که

ملت ایران با بک شم سیاسی بسیار دقیق و معجزه آسانی

خطر هارا حس میکنند و در آن دقیقه‌ای که هر آتش

به اندازه بک تاریخ قیمت دارد بیا میخیزد و جلوی خطر

را میگیرد در روزی اسفند یکی از تجلیات روح بزرگ

ایرانی بود (صحیح است) و از این جهت بیاد دارم در دوره

نوزدهم قانونگذاری وقتی افتخار نمایندگی داشتیم از طرف

فراکسیون حزب ایران نوین (خنده نمایندگان) بیخشد
حزب مردم، حزب ایران نوین اگر در آن وقت متولد
شده بود آنوقت آنها هم شرکت داشتند آنروز هنوز تولد
نیافته بودند در آنروز به پیشنهاد فراکسیون حزب مردم
برای بزرگداشت روز نهم اسفند و بخصوص اهمیت خاص
روحی که از نظر نمودار ساختن روحیات ملت ایران دارد
قانونی گذشت و تصمیمی اتخاذ شد بعد از این مقدمات
اجازه میخواهم که وارد مطالب مربوط به اداء وظیفه
خودم بشوم بنده هم معتقد هستم و اعتراف میکنم که دولت
در این سال که روی بیابان دارد بدنبال سالهای
قبیل البته در خدمت موفقیت‌های داشته است
(احسنت) در عین حال معتقد هستم که در بسیاری
یا لاقلاً در پاره‌ای از موارد موفقیت‌های کامل نبوده یا
موفقیت نداشته است (صحیح است) من تصور میکنم اگر
بخواهمیم با انصاف صحبت کنیم حتی خود دولت هم قبول
میکند بهر حال در پاره‌ای از موارد ممکن است که توفیق
پیدا کرده اما مبانی مشروطیت و اصول دموکراسی
وظیفه‌ای که پیش روی افراد حزب اقلیت یا احزاب اقلیت
میکند این است که در باره نقاط ضعف کارهای دولت
و عدم موفقیت‌های او و علت‌های آنها تذکراتی بدهند تما
دولت و دولت‌های آینده را از طی طریق که منجر بعدم
موفقیت میشود بازدارد اگر تشریح موفقیت‌های دولت هم
لازم باشد که لازم هم هست آن دیگر بعهده آقای رئیس دولت
وزراء و معاونان و چشم بدور ما شاء الله ۱۸ نفر نمایندگان
اکثریت است (ثامنی - خدا یاد تشران بکند) که الحمدلله
تعدادشان از کافی هم کافی‌تر است وظیفه‌ای که برای بنده
از طرف فراکسیون حزب مردم تعیین شد بحث کلی در
باره عدم موفقیت دولت در کارهای اداری و بخصوص اجرای
انقلاب اداری است خوشبختانه عده‌ای از نمایندگان محترم
در این باره و بخصوص در جزئیات امر بحث فرموده‌اند
همچنین بدنبال سؤالی که بنده از دولت کردم قرار شد
کمیسیون در مجلس تشکیل شود و راجع به این موضوع
رسیدگی بکنند و من نمیدانم با وجود اینکه مقام ریاست
اعضای کمیسیون را تعیین فرمودند و در مجلس بیان فرمودند
چرا تا حالا آن کمیسیون تشکیل نشده تا بنده مطالب را

بعرض آن کمیسیون برسانم بهر حال به امید اینکه تفصیل
آن مطالب در کمیسیون بحث بشود بنده قناعت میکنم
که در باره کلیات صحبت بکنم. در گزارشی که دولت همراه
و ضمیمه لایحه بودجه بمجلس داده‌اند در آن بیسوست
گزارش پیشرفت‌های یک ساله پیش گفتاری هست که بنده
بک قسمت کوچک از آن را میخوانم در آن پیش گفتار
اینطور آمده است «این گزارش از دو نظر دولت را در
رسیدن بهدفعات برنامه چهارم و با الهام از افکار بزرگ
شاهنشاه آریامهر تنظیم شده امیدوار کرده است نخست
اینکه از نظر داخلی با بکار بستن روش‌های متناسب با
اصل اصیل انقلاب اداری و وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های
دولتی برای نیل بهدفعات ملی آماده‌تر و مجرب‌تر شده‌اند
دوم اینکه از نظر خارجی ادامه سیاست مستقل ملی سبب
جلب اعتماد و احترام جهانیان بهمین ما شده و انگیزه‌ای
برای توسعه سرمایه‌گذاری‌های خارجی در ایران گردیده
است» این سؤال برای بنده پیش می‌آید که واقعاً دولت
تصور کرده است انقلاب اداری را اجرا کرده است؟ چون
روش‌های اصل اصیل انقلابی را اجرا کرده است اکنون
وقت آن است که از ثمرات آن استفاده کند آیا این
صحیح است که تا کار انقلاب اداری اجرا نشده را در بک
کفه بگذاریم؟ مسئله اجرای سیاست مستقل ملی
شاهنشاه را که دنیا را خیره کرده است در کفه دیگر همان
ترازو بگذاریم و اینها را با هم قیاس کنیم آیا
این قیاس بقول معروف قیاس مع الفارق نیست؟
(مهندس ارفع - قیاس در بین نیست) -
نگرانی ما این است که خدای نخواستہ دولت در این اشتباه
بیفتد و تصور کند کار انقلاب اداری را تمام کرده و دیگر
در این راه کاری در پیش ندارد اگر چنین فکری بخواهند
بکنند بدون شک زیانکار خواهند بود و مملکت زبان
خواهد برد و از این جهت ما وظیفه خودمان میدانیم که
در این باب تذکر بدهیم (مهندس ارفع - دولت هیچوقت
چنین ادعائی نکرده و کار انقلاب اداری نیست که
حدیث داشته باشد) (مهندس فروهر - حزب ما خستگی
حس نمیکند شب و روز کار میکند) در چند روز پیش
در جلسه‌ای که در خدمت جناب آقای نخست وزیر بنده و

چند نفر از رفقای کمسیون کشور در وزارت کشور بودیم جناب آقای نخست وزیر ضمن بیاناتشان خطاب بما که عده ای از رفقا اینجا تشریف دارند فرمودند ممکن است مردم با اکثریت مردم تصور بکنند که انقلاب اداری یعنی مادست مأموران دولت را بگیریم و از ادارات بیرون کنیم من نمیدانم آقای نخست وزیر وقتی میگویند مردم منظورشان واقعا یعنی کی؟ من معتقدم ملت ایران مردم ایران بسیار روشن بین تر از این هستند که این چنین اشتباه بزرگی را بکنند و بخاطر این اشتباه شخص نخست وزیر بترسید و تصور کند که اگر دست به انقلاب اداری بزد موقوف نخواهد شد وقتی شما نگاه کنید با مردم بنشینند مطالبی میگویند که این مطالب از این قبیل است میگویند ما میخواهیم بدانیم اولاً چه کارهایی را باید دولت انجام بدهد چه کارهایی را دولت نباید انجام بدهد این همان مطلبی است که شما با اصطلاحات اداری و علمی بیان میکنید که نیازهای اجتماع را باید روشن کرد و آن هارا با اصول علمی و وضع اقتصادی و هدف های اجتماعی و ترقیات مملکتی تطبیق داد و آن را معلوم کرد همین حرفی است که مردم میگویند منتها مردم با زبان خودشان خیلی روشن و ساده میگویند که ما انتظار داریم که پس از اینکه معلوم شد که چه کاری را باید دستگاه دولت انجام بدهد و در عین حال طوری هم نباشد که بر حسب هوی و هوس خودشان بخواهند در هر کاری دخالت بکنند بلکه بنابه مصلحت مملکت باشد این کارها بابتک روش آسان و راحت که ایجاد زحمت برای مردم نکند انجام بگیرد این همان مطلبی است که خودتان در سمینار حزب ایران نوین خیلی قشنگ خیلی علمی خیلی ریشه دار تشریح کرده اید و همین مطلب را با زبان دیگر گفته اید شما هم میدانید که با روش های صحیح و درست و بابتک تشکیلات کافی و مختصر و حداقل کارها را انجام بدهید مردم میخواهند وقتی که مراجعه میکنند به دستگاهها احساسی کنند محبتی هست مردم میخواهند که در چهره مأموران دولت علاقه ببینند که احساس بکنند اینها باز و غمخوار و خدمتگزار آنها هستند کارشان را بکنند نه تندخویی و بی اعتنائی و سردی ببینند مردم اینها را میخواهند که همان تربیتهائی است که ما انتظار داریم

مردم میخواهند که اینها را بدقول خودشان حبس گردانی ندهند این حبس گردانی که در کوچه و بازار راجع به ادارات میگویند همان مطلبی است که شاهنشاه میفرمایند برو کرابی را بگذارید کنار مردم همین مطالبی را میگویند که متفکرین شما هم همان را خیلی مرتب و منظم کرده اند اما متأسفانه مثل این میماند که بین دستگاه اندیشمند حزب ایران نوین و دستگاه عامله اش بک دربار چین کشیده اند من نمیدانم آن چیزهایی را که آنها نوشته اند چرا نمیخواهید اجرا بشود بنده با کمال صراحت باید بگویم در مورد اجراء اصل اصیل انقلاب اداری هیچ کوشش نمر بخش و چشمگیری که لاف مردم را راضی کند و امیدوار کند و واقعیتی داشته باشد در این مدت یعنی در این ۱۶ ماه اجرا نشده است این حقیقت را معتقد هستیم که هر چند تلخ است ما میخواهیم دولت موفقیت پیدا بکند که بابتک اقدام قاطع این کار را انجام دهد بدون شك جناب آقای نخست وزیر از گزارشهای سازمان بازرسی شاهنشاهی مستحضر شده اند اطلاع پیدا کرده اند که میزان شکایات از دستگاههای اداری چقدر است و رسیدگیهای آن سازمان نشان دهنده چه مطالبی است مبنی بر اینکه تخلفات چقدر زیاد است بیعلاقگی ها چقدر زیاد است و ناراحتی های مردم در این زمینه بجهت میزانی رسیده است من تصور نمیکنم از این آرشو از این رسیدگی هائی که از طرف سازمان بازرسی شاهنشاهی اخیراً شده است دیگر دلیل بهتری لازم باشد که دولت متوجه این حقیقت بشود. اشکال کار این است که اخیراً دیده میشود در نظر اولیاء امور و وزراء در این مورد اصلاً اختلاف نظر است برداشت هر يك از آقایان در مورد انقلاب اداری یک نوع دیگری است سمینار انقلاب اداری حزب ایران نوین مسئله را فوق العاده جدی میدانند و نظریات بسیار قاطع میدهند و بخصوص به ریشه های این موضوع توجه میکنند کنگره انقلاب اداری که دولت تشکیل داده است اگر چه سطح نگاه کرده و خیلی عمیق نشده است اما نظر من همان هم مهم است زیرا سطح و عمق با هم ارتباط دارند سطح نمودار ریشه است، آن بعثت نگاه کرده این به پدیده های روئین توجه کرده جناب آقای وزیر

مشاور و دبیر کل شورای عالی استخدام و رئیس یاسرپرست نمیدانم (نماینده گان - سرپرست) سرپرست شورای عالی استخدام ایشان برداشتشان با آن نطقی که اینجا ایراد کردند بک طور دیگر است ایشان عقیده شان این است که دستگاه اداری که ۱۱ درصد و ۱۲ درصد را پشت سر گذاشته است دستگاه اداری که انقلاب ششم بهمین را اجرا کرد شایسته اینگونه انقلاب نیست بلکه محتاج به اصلاحات ضمنی است آقای وزیر کشور در همان جلسه در خدمتشان بودم آقای وزیر مشاور آقای کاظم زاده هم تشریف داشتند ایشان مطلب دیگری میفرمودند که من وقتی به وزارت کشور آمدم احساس کردم که بک قانون استخدام خاصی برای هر وزارتخانه لازم است آقای کاظم زاده بشوخی گفتند اگر این جور باشد بک وزارتخانه هم صرفه جوئی خواهید کرد و منمب خواهم رفت خوب ملاحظه بفرمائید بعد از اینکه ۱۶ ماه ۱۷ ماه از فرمان انقلاب اداری گذشته است مسئله در نزد خود اعضای دولت روشن نیست و با همدیگر صاحب بک فکر نیستند و از این جهت بک بیکر نیستند و بهمین جهت است بنظر من کارها روبه تمویق افتاده است در صفحه ۲۴ مباحث انقلاب حزب ایران نوین این عبارت نوشته شده بیائیم و به این حقیقت تلخ اعتراف کنیم که در انتصابات ما اصل تخصص و سپس دانش تخصصی یا نقشی نداشته یا اگر داشته در سطحی ضعیف و ابتدائی بوده است اگر دستگاههای دولتی ناسامان است اگر نارضایتی رو با افزایش است اگر در محیط ادارات باس و دل سردی و بدبینی ریشه دوانده است اگر حقوق عده ای وسیله عده دیگر در جریان اداری بایمال شده است همه و همه معلول عللی است که در این رساله با آن اشارت رفته این همان نکاتی است که در سمینار حزب ایران نوین عنوان شده است حالا واقعا این سؤال پیش میآید که چطور دولت بعد از بک سال معتقد است که روشها و اصول انقلاب اداری را اجرا کرده است و اکنون از تمرینش استفاده خواهد کرد بدون شك یکی از دستگاههایی که مردم نسبت بدانجا اعتقاد بدی ندارند دستگاه دادگستری است مردم نسبت ببدادگستری نسبت بظواهر بک احترامی دارند (صحیح است) و بطور

تجسبی آنها را شریف میدانند (صحیح است) من در باره همین دادگستری بک گزارشیکه در گزارش بک ساله دولت است بک رقم کوچکی را میخوانم میدانم در مجلس کار بودجه خیلی طول کشیده است و رقم خواندن تا اندازه ای واقعا خسته میکنند اما خیلی کم و کوتاه عرض میکنم در گزارش سال جاری پیشرفتهای بکساله در صفحه ۲۵ آمده است در دادگاهها وصول بک میلیون و خرده ای بک میلیون و دو هزار پرونده جدید تشکیل شد ۳۹۴۵۷ پرونده موجودی اضافه شده ۴۷۸ هزار پرونده تحت رسیدگی است ولی در صفحه ۲۴ گزارش پیشرفتهای بکساله سال ۴۶ اینطور آمده است وصول ۴۹۶ هزار یعنی کمتر از نیم میلیون امسال بک میلیون سال قبل کمتر از نیم میلیون پرونده جدید تحت رسیدگی بودن ۲۳۴ هزار پرونده در آخر آبانماه یعنی هم تعداد پرونده هائیکه بدادگستری آمده است بیش از دو برابر شده است هم پرونده هائیکه در دست رسیدگی است یعنی در تاریخیکه گزارش میدهند پرونده هائیکه هنوز رسیدگی نشده باز دو برابر سال قبل شد صد درصد تعداد بیشتر شده است بنده با سابقه ذهنیکه دارم از این ارقام وحشت میکنم اجازه بفرمائید بک سابقه ذهنی ام را عرض کنم من چون خدماتم در وزارت کشور بوده در آنجا متوجه بک نکته ای شده ام که برای آقایانیکه هم در وزارت کشور کار میکنند هم برای آقایانیکه در وزارت دادگستری کار میکنند که متأسفانه از وزارت کشور و نه از وزارت دادگستری تشریف ندارند ولی خوشبختانه جناب آقای دکتر بگانه تشریف دارند عرض میکنم که مورد توجه قرار بگیرد چون من ندیدم این مطلب در جایی نوشته بشود هر گاه بک استاندار یا فرمانداری فمال نباشد اگر آن دستگاه کار نکند یعنی استاندار یا فرماندار فعال نباشد و بمراجعات مردم نرسد جواب آنها را ندهند بصورت فوق العاده فاحشی حجم کار استانداری یا فرمانداری پائین میآید علتش این است که مردم دیگر مراجعه نمیکنند برای اینکه از این امیام زاده معجزی نمیبینند تمام کارهای استانداری یا فرمانداری حتی مکاتبات آن با مردم که در حدود چند بخشنامه ای خواهد

شد که از مرکز برسد یا درباره چند تا مأمور معذور فرمانداری و یا استانداری از نظر استخدامی مکاتبه شود اما اینکار در حوزه‌های قضائیه و در کار دادگستری بکلی معکوس است یعنی اگر اتفاقاً دادگاهی خوب کار نکند با قاضی نداشته باشد که نتواند به کار برسد اما سال اگر هزار پرونده داشت یعنی هزار نفر بداد گاه مراجعه کردند سال دیگر بجای هزار شاید چهار هزار مورد مراجعه کنند و آن چهار هزار تا زوی آن هزار تا می‌رود و تعداد پرونده‌هاش میشود پنج هزار چرا برای اینکه وقتی دستگاه قضائی و دادسرا و دادستانی بکار مردم نرسند آن مردمی که روح تجاوز دارند اگر بیشتر می‌رسند و در سال یک بار تجاوز می‌کردند در این سال ۱۰ بار به حقوق مردم تجاوز می‌کنند اگر افرادی بودند که می‌رسیدند و از ترس تجاوز نمی‌کردند حالا بآن تجاوزین دیگر تاسی میکنند و بقول مردم شیر میشوند و شروع میکنند به تجاوز کردن میزان تجاوزات به حقوق مردم و اعراض مردم بالا می‌رود آنکه مورد تجاوز واقع شده است هیچ چاره‌ای ندارد جز اینکه بیاید عرض حال خودش را بداد گاه بدهد اما از اینکه این داد گاه رسیدگی بکند یا نکند چاره‌ای برای اینکه مترسد که مجال احقاق حقیقت فوت

بشود این است که شما هر وقت میزان پرونده‌های دستگاه‌های وزارت کشور را در استان‌های پهاو فرماندارها و میزان کارشان را می‌بینید کم است برخلاف آنچه که امروز درست است رؤسای ادارات وقتی که شما با اطاقشان می‌روید می‌بینید که نشان می‌دهند روی میزشان خالی است یعنی می‌خواهند بگویند چقدر مدیریت ما عالی است که هیچ کاری عقب نیفتاده ولی اگر در کار استانداری یا فرمانداری دیدید که میزان کار کم است بدانید که خود آن استاندار و فرماندار است که کار نمی‌کند اما بکس اگر دیدید که میزان کار دادگستری می‌رود بالا بدانید که آن داد گاه یا آن شعبه دادسرا کار نمی‌کند یا قاضی ندارد حالا بموجب اطلاعی که من دارم البته یک رقم تقریبی است الان تقریباً سیصد محل قضائی خالی است و این رقم در مقابل ۱۵۰۰ شاغل. رقم بسیار بزرگی است چرا حقوق دانان ما جوانان حقوقدان ما آنها که شایستگی کار قضائی دارند رونمایی کردند با آنجا بنظر بنده تمام این مسائل احتیاج بیک دستگاه ارشاد و

تحقیق دارد آن چیزیکه شما بآن می‌گویید ارزش بسابی ما باید واریسی و تحقیق در تمام شئون داشته باشیم و عیوب خود را به بینیم و به بینیم چرا این عیوب پیدا میشود مسلماً همین قضات با اینکه بعضیها تصور میکنند که آنها وضعشان خوب است اما مردم می‌بینند که آنها حتی وقتی بمقامات عالی قضائی می‌رسند باید در صفت انو بوس هزار نفری بایستند وقتی سوار نشدند در انو بوس اگر رو با بازی بکنند از دادگستری بروند بخانه و از خانه بدادگستری من از پسر یکی از قضات عالی‌رتبه پرسیدم که تو هم انشاءالله قاضی خواهی شد گفت مگر من دیوانه‌ام یک عمر خجالت در مقابل زن و فرزند بواسطه اینکه نتوانستم وضع زندگی آنها را مرتب بکنم یک چنین چیزهایی را از پدرم دیده‌ام مگر من دیوانه‌ام که قاضی بشوم و دنبال اینکار بروم (صحیح است) بعد بادم می‌آید که مقدار زیادی شوخی راجع بشئون قضا کرد حتی میگفت بادم می‌آید روزی قرار بود یک نیک برویم یک قابلمه درست بکنیم و برویم مثلاً کنار راه یک جایی به نشینیم میگفت بابای ما می‌گوید این برخلاف شئون قضائی است و چنان خاطر تلخی از شئون قضائی داشت که شبیه به یک

عقد بود و قطعاً در هر کس که به بینید پیدا میشود (طباطبائی) بله زندگی قضات مملکت واقفاً مختل است دولت باید عمیقاً رسیدگی کند بنده بکمر تبه از جلوی صف انو بوس که جلوی وزارت دادگستری هست داشتم عبور می‌کردم در صف بر خوردم بیک نفر کاسب محله‌ای که بنده ذراتجا زندگی می‌کنم کاری با او داشتم متوجه او شدم می‌خواستم با او صحبت کنم هنوز نرسیده بودم که دیدم از پیر مردی که بلیط را گرفته و می‌خواهد برود نصف آن کاسب خواهد میکند بیاید جای او که در اول صف بود بایستد و آن کاسب خودش برود به صف باین ترتیب با اصرار می‌خواست نوبت خودش را با آن پیر مرد بدهد و او قبول نمی‌کرد در همان موقع من رسیدم گفتم من با این آقا کار دارم خودم میرم آن شخص از آشنای من پرسید من شما را نمی‌شناسم که اظهار محبت میکنند کاسب گفت پسر ما بجهه شما هم کلاس است و من شما احترام می‌گذارم وقتی که گفتم من این آقا را می‌برم و از

خواهش کردم آنوقت قبول کرد که جنای او بایستد سر راه از این شخص که یک لبنیات فروش بود پرسیدم که این آقا کی بود گفت فلان کس که مستشار تمیز است خیلی آدم خوبی است و خیلی مرد محترمی است من هر وقت بازار می‌آیم که خرید بکنم می‌بینم اینجانه صف ۳ ساعت توی باران و گرما و سرما ایستاده است خیلی ناراحت می‌شوم من جوان هستم میروم ته‌صف می‌ایستم این فکر برایم پیدا شد که مردم احترام قضات شریف را میدانند اما ما قدر آنها را نمی‌شناسیم او یک لبنیات فروش بود شیخ می‌داد که او قاضی است و مرد شریفی است و توانائی بدنی با اجازه نمیدهد که پرونده صف بایستد خوب ما اگر متوجه این نکته بشویم آنوقت می‌فهمیم که چرا سیصد تا محل قضائی خالی است این دستگاه قضائی است بر گردیم بد دستگاه‌های دیگر خیلی از کارمندان دستگاه‌های

دیگر را سراغ دارم که سعی میکنند بیایند بدادگستری البته وزراء بخشنامه صادر میکنند و جلوش را می‌گیرند از جمله دبیران خوب شما آنروز که یک دکتر بن آوردید و گفتید که ما یک قانون استخدام می‌آوریم که هم وضع همه را روشن بکنند و هم موازنه‌های ایجاد بکنند باید قبول بکنید که توفیقی پیدا نکرده‌اند و در این راه پیشرفتی نکرده‌اید (صحیح است) شما الان یک قانون استخدامی آورده‌اید در بعضی جاها که پیاده کرده‌اید آنقدر شکایت به آرشو شورای استخدام رسیده است آنجا که پیاده کرده‌اید اینطور است همه شکایت دارند آنجا که پیاده نکرده‌اید همه دل‌پره دارند که وضعشان چه خواهد شد آنجا هم که پیاده کرده‌اید فی‌المثل وزیر کشور می‌گوید بکلی دست‌و‌پای ما را قانون استخدام بسته که کارها را فلج کرده خوب آخر شما راجع به این موضوع چه فکر می‌کنید شما فکر کرده‌اید بعضی را از بین می‌برید در خود قانون یک تعیض ایجاد کرده‌اید حالا هم روز بزرگ آقای وزیر یک دستگاه دیگر می‌آید دستگاه خودش را از شمول قانون استخدام خارج میکند سازمان برنامه آمده است در کمیسیون برنامه بنده میدانم شاید حکومتش فائق است بر حکومت مجلس و یا راه قانونی داشته است مثلاً آنجا را از شمول معاف کرده است من تعجب می‌کنم که یک عضوی

یک مهندسی یک دکتری که در سازمان برنامه هست آنها هم همه دوستان من هستند اما برای امر مملکت صحبت می‌کنم آخر چه فرقی دارد با آن دکتر با آن مهندسی که مثلاً در وزارت اقتصاد است آن چرا باید مشغول باشد این چرا مشغول نباید باشد اینها همه تعیضات است درست کار ندارد شبیه میشود به آن کوزه گری که صبح کوزه هارا می‌ساخت و عصر می‌شکست که تعمیر است از دنیای تولید کننده و کشنده (دکتر مهندس سازمان برنامه مشغول قانون استخدام است و اینکه فرمودید در قانون برنامه ریزی کشور است می‌آید به مجلس بحضورتان) آنرا که خارج کردند (دکتر مهندس) هیچ‌هجو چیزی نیست و دوشوری است) آوردن قانون نشانه این است که دولت راجع به این موضوع دارای نظر اولیه خود نیست و موازنه را بهم می‌زند من کاری ندارم البته مجلس رسیدگی میکند و نظر خودش را خواهد اعلام مجرد آوردن این لایحه نشان دهنده روحیه متزلزل و گاهی مرده خود دولت است در باره تصمیماتی که خودش یکروز اعلام کرده است و پایش ایستاده است (فرهادپور) آنرا هم تصویب شده تلقی بفرمائید چون آقایان چشم بسته رأی میدهند (دکتر مهندس) جناب آقای فرهادپور خودتان میدانید که اینطور نیست (فرهادپور) انشاءالله که اینطور باشد قول گرفته‌ام از شما بنده در باره دادگستری صحبت می‌کردم بار دیگر بر می‌گردم چون خیلی به آن اهمیت میدهم یکی از فلاسفه بزرگ اجتماعی می‌گوید دستگاه‌های اداری مانند جوی‌هایی هستند ولی دادگستری بمنزله سرچشمه است اگر آب یکی از جوی‌ها آلوده بشود چندان نگرانی ندارد زیرا آب پاک سرچشمه بی‌آنجا می‌آید و آن را پاک میکند اما نگران باشیم وقتی که آب سرچشمه آلوده بشود (صحیح است) این سرچشمه را باید پاک نگاه بدانیم البته باید این نکته را عرض کنم که خوشبختانه وقتی آقای پرتو آمدند بسیاری از شایعات بدی که داشت در دستگاه اداری دادگستری پیدا میشد و حقیقتاً بوی براندازم بر می‌خاست الحمدالله رفع شد ولی این تذکر را میدهم که خیلی باید توجه بکنید و نگذارید بعضی از شایعات بدی که ده‌سال یا نوزده سال پیش برای بعضی دستگاه‌های اداری

بود آنوقت‌ها اصلاً صحبتی از دادگستری نبود و بعد با توجه خاص و حتی آمیخته به عصبانیت شاهنشاهی فساد آن دستگاهها بوسیله مأمورین خاص شاهنشاهی برطرف شد و آن دستگاهها اصلاح شدند و شایعات بد بکلی رفع شد و فراموش شد بنده ژاندارمری را مثال میزنم نظام وظیفه را مثال میزنم که الحمدلله اکنون همه آنها در آلمان عمومی دستگاههایی بسیار بک و منزه هستند ولی شنیدن این قبیل حرف‌ها و شایعات که در دادگستری سمت بفرورشد، پول بگیرند و فوق العاده بدهند اینها لیزاننده و تکان دهنده است من معهدا بسیار خوشوقتیم که آقای پرتو وقتی آمد چون من میدیدم دادگستری ناراحت بود آن ایام قضات دادگستری را میدیدم که میلرزیدند الحمدلله در نتیجه تغییرات مناسبی که داد و روشی را که شروع کرد چون همه قضات با آن فکر همراه بودند خوشبختانه این شایعات از بین رفت اما توجه داشته باشید داشته باشید که این توهمات تکرار نشود شما بدولت‌های سابق ایران میگرفتید که وضع دستگاهها بآن منظم نیست و مناسب با امروز اجتماع نیست من باید عرض کنم فراموش نکنید آن دولتها این اعتبارات و امکانات را داشتند اما الآن حرف ما اینست که شما تا اکنون چه کردید در دوره ۲۱ مجلس شورای ملی هنگامیکه جناب آقای اسدالله علم برنامه دولت خودشان را تقدیم کردند در باره رفوم اداری مطلبی گفتند ایشان گفتند برای به ثمر رساندن این انقلاب بزرگ باید چرخهای مختلف اداری کشور با انقلاب هماهنگی کنند که متأسفانه اکنون چنین نیست. ببینید رئیس دولت وقت با چه صمیمیت و صداقتی در مقابل مجلس در حضور مبارک شاهنشاهی و در مقابل ملت اعتراف میکند که دستگاه اداری من درست نیست و هماهنگی با انقلاب ندارد به اعتقاد من این است نمونه صداقت (صحیح است) من میخواهم سؤال کنم از جناب آقای نخست وزیر آقای هویدا که من ایشان بصراحتشان، بصداقتشان بروش پیششان واقفاً اعتقاد دارم (احسن) و دوستان منهم اعتقاد دارند (احسن) ایشان اگر تشریف بیاورند اینجا و بگویند الآن دستگاه اداری ما خوب است همانک است درست است و مطابق ایده‌های درست من حرفی ندارم اما اگر

ایشان میخواهند بکنار دیگر صداقت و صمیمیتشان را در مقابل شاهنشاهی و ملت و مجلس به اثبات برسانند جا دارد که اعتراف کنند که خیر الان هم حرفی نکرده است البته دلایلی دارد این دلایل تقصیر کارمندان نیست (مهندس ارفع - خیلی فرق کرده ولی تمام نشده جناب عالی بی انصاف نبودید) (صادق) - ایشان مجلس پیش از ششم بهمین رأی قبول دارند بنده البته اعتراف میکنم، اینکار کار دشواری است کاری است که فوق العاده باید اقدام جدی و شدید همه جانبه بشود (یکنفر از نفر نمایندگان - دشوار نیست يك جو همت میخواهد) بله همت میخواهد همانطور که جناب آقای مهندس ارفع میفرمایند که رم را بکشید نساخته‌اند ما میدانیم که رم را آقای مهندس ارفع ناچش انقلابی نساخته‌اند و اگر آن مدت را میخواهند که عمر نوح لازم است و من از خدا میخواهم که عمر نوح به آقای مهندس ارفع عنایت بکند تا نتیجه اجرای انقلاب اداری حزب ایران نوین را بچشم ببینند آنوقت که شیوراسرافیل صدا در آمد مرده‌اش را برای ما بیاورند (یکنفر از نمایندگان - اگر قبول دارید کار دشواری است قبول بفرمائید که مدت میخواد) من اعتقاد دارم که چون کار مشکلی است باید با سرعت انجام بگیرد بدلیل همان دشواری و بدلیل همان اشکال وقتی راه درازی دارید باید صبح زودتر از جایتان برخیزید اگر کار مشکلی است دلیل این نیست که بگذاریم بماند کار مشکل و سنگین را زودتر و با همت بیشتر باید شروع کرد تا این احساس در مردم پیدا بشود که شما دارید کار را انجام میدید (احسن) (دکتر مهدب - در مردم همت ممکن است در حزب مردم نباشد) متأسفم که کم کم دارد رابطه شما با افکار مردم قطع میشود روشهاییکه شما تا بحال تعقیب کردید بنظر بنده باروشهایی که در این کار بنام روشهای پارکینسون معروف است تطبیق میکنند میدانید که پارکینسون مطالعاتی کرده است و کتابی نوشته است بنام قانون پارکینسون معروف است ممالکی که تصور میکنید ادارات و دستگاههای دولتی شان دیگر کافی و وافی نیست احتیاجاتشان را برآورد اینگونه ممالک بفکر چاره جوئی افتادند اقداماتی کردند که آن کارها و روش آنها غلط بود و کار آنها

را مشکلتر کرد آن روشهای غلط را که عمل کردند و نتیجه بد گرفتند پارکینسون این روشها را اهرام بالا رفته با ستونهای بالا رفته نام نهاد ولی این روشها بنام خود او معروف شده میگویند روشهای پارکینسون (یکنفر از نمایندگان - يك مرضی هم هست بنام پارکینسون) يك مرضی هم باین نام هست بله يك مرضی هم هست باین نام که شایع خاص دارد باین مرض اداری همانطور که فرمودید تقارنی بین این دو پیدا شده درست چیزهایی که او نوشته بود من وقتیکه بآن نگاه میکنم مثل اینکه از همه کشورهای که این جور گرفتارها را پیدا کردند مثل ما اشتباه کردند مثلاً میگویند شما تعداد مدیران را اضافه کردید مثلاً با معاون و زارتخانه را یکمرتبه کردید ۶ معاون سه نامدیر کل داشتید کردید ۲۰ مدیر کل نتیجه‌اش چه شده نتیجه این شده است که میزان کارائی پائین آمده یعنی کاری که بایک معاون دو مدیر کل شاید سرعت هم انجام میگرفت حالا با چند معاون مدیر کل انجام نمیگیرد و با درمدت بیشتری انجام میگردد در واقع میزان کارائی را تقلیل دادید و میدانید با توجه خاص شاهنشاهی قانونی گذشت بنام قانون معاونت ثابت اداری که يك دستگاه ثابتی باشد تا ادارات در اینگونه مداخلات بیرویه و خارج از اصول اداری خلاص بشوند متأسفانه در دوره شما نانات ترین معاونین همان معاونین ثابت اداری هستند (صحیح است) پارکینسون میگوید که بجای دستگاههای امروز که بنظر تان کارها بر اساس امروز و فکر امروز خوب انجام نمیدهند بیاورید در کنار دستگاههای سابقتان يك دستگاه کوچکی بگذارید يك مقدار پول بیشتری بآنها بدهید امتیازات بیشتری بدهید بگویند کار را اینها میکنند آنها نشینند تا دوره خدمتشان سر بیاورد و بروند این کارها ما هم کردیم نتیجه‌اش بعد از چندی چه میشود نتیجه‌اش آن میشود آن عده‌ای که حقوق کم داشتند سروردا میکنند عدم تعادل در زندگی آنها و اینها پیدا میشود بالاخره با سروردا زیاد آنها هم از این حقوقها برخوردار میشوند دستگاه جدیدی هم که آوردید در کم کاری بآنها ناسی میکنند و میگویند چرا ما کار کنیم آنها بروند بنشینند و بخورند آنها هم مثل اینها میشوند

و میگوید هستید که يك دستگاه زائد دیگر بهایوی دومی درست کنید ما در مملکت الان در خود نخست وزیر این کار را میکنیم در همین وزارت اقتصاد وزارت صنایع داشتیم اداره کارخانه‌ها داشتیم اتحادیه کارخانجات داشتیم بعد اداره گسترش صنایع داریم همه اینها در واقع میخواهند که بلکه راه اصلاح پیدا کنند اما اینها در سهای تجربه شده‌ای است که در دنیا روش تجربه کرده‌اند و کنت بسیار دقیق درباره غلط بودن این روشها نوشتند همین الان در تقسیم و توزیع نیروی ماهر انسانی در مملکت تعادل وجود ندارد و بیشتر نیروی ماهر و متخصص مهندسی و دیگرها در سطح برنامه ریزی بصورت متراکم و متورم در آمده است ولی در سطح کار يك خلافت شده است شاید بنابر محاسبات اقتصادی در مقابل هر ۵۰-۳۰ کارگر يك نیروی متخصصی يك انسان متخصصی لازم باشد اما الان ما کارخانه‌هایی داریم که در مقابل هزار تادو هزار کارگر يك الی چهار مهندس در آنهاست در صورتیکه باید نیروی متخصص را اول آورد روی سطح کار الان از لحاظ نیروی ماهر و متخصص تورم در سطح برنامه ریزی داریم و خلافت در سطح کار و نیروی فعاله بخصوص اخیراً مد شده بلافاصله آقایان که از مدرسه خارج شدند اینها را يك سر میبرند در سطح برنامه ریزی در صورتیکه اینها حتماً باید بروند در سطح کار کارها را مباشرت کنند تجربه‌هایی حاصل کنند تئوری‌ها را با عمل تطبیق بدهند آنوقت پس از اینکه خبرویت پیدا کردند بیاورند در سطح برنامه ریزی خصوصاً این موضوع را درباره محصلین خارج بسیار لازم میدانم برای اینکه آنها با معیارهای خارجی آشنا هستند و آن ارقامی است که متناسب است با ممالک بزرگ البته باید حقوقشان بسیار خوب باشد اما حتماً باید با کار در مملکت ما آشنا بشوند بسطح کار بیاورند پس از اینکه تجربه اندوختند البته باید برای آنها که تحصیلاتی ندارند بر گردند به سطح برنامه ریزی اگر در سطح برنامه ریزی احتیاج بوجودشان بود (فرهادپور - نه به یکنفر ۸ تا شغل بدهند) (دکتر مدرسی - شغل‌ها را ۶ ماه ۶ نگاه میدارند که تحصیل ظرف تمام بشود زردو میکنند شغل‌ها را برای شاگرد مدرسه البته در مورد شغل‌های حساس این مملکت)

در قطعنامه سمینار انقلاب اداری حزب ایران نوین قید نشده) متأسفم که نمیدانید یکسال پیش نوشتید (دکتر سبزواری اگر چنین صحبت‌هایی در نشریات حزب ایران نوین دیده شده انتقادات سازنده است که در واحدها و جلسات حزبی ما همواره جریان دارد و در هر صورت مربوط به دوران قبل از انقلاب است) اینست که وقتی سری بفران دستگاه یا سازمان با اداره زمین میبینیم همه‌جا از حیث دکوراسیون کامل است سبک‌ترها به مقدار زیاد سبک‌ترها خارج از حد طاقتی حساب‌قالی و مبل و صندلی سیاه‌رنگ و تخته‌های رنگ‌وارنگ فراوان و بقیه هیچ، اینها نوشته مباحث انقلاب اداری حزب ایران نوین است من اصراف میخوام این چیزی که الان شنیدید وضع حال را یادتان نمی‌آورد (یک نفر از نمایندگان - بدتر شده) (فرهادپور - مدیر کلی شرط دارد معاون شرط ندارد) شاید یکی از دلایل اینکه موضوع معاون ثابت اداری را بقول معروف لبق کردند برای همین بود که میتواند همین کارها را بکنند و مطمئن باشید آن روزی که معهود هدایت را از معاونت ثابت وزارت دادگستری ببردانشند میخواستند همین کار را بکنند این فتوادالیم اداری در جاهای دیگر جلوه‌های دیگری هم دارد حتی گاهی در میان آقایان وزرا نمونه دارد وقتی می‌بینیم یک وزیر بعنوان شخصیت نمائی در نظم برنامه‌های خلل وارد میکنند و اعتباراتی بیشتر از آنچه که برنامه تجویز کرده میخواهد من بآن میگویم شخصیت کاذب (صحیح است) این صحیح نیست مقررات برنامه‌ای را رعایت نکنند چرا میگویم شخصیت کاذب برای اینکه من معتقد هستم شخصیت در اینست که بقول سعدی انسان در جمع خودبین نباشد کار گروهی بکنند کارنامه‌ای بکنند خود نمائی نکند. مثلاً یک سنتی داریم سنتی است که این کشور را در مقابل طوفانهای دنیا ۲۵۰۰ سال نگاهداشته و آن اینست که تجلی همه شئون و مشخصات ملی و ملیتی را برای یک نفر قائل هستیم و آن شاهنشاه است (صحیح است) و باقی همه خدمتگزار هستند همه در یک صف هستند باز یک نمونه‌ای از این فتوادالیم عرض میکنم من چندی قبل به یک آرشیتکت برخوردیم که تحصیلاتش را در رشته آرشیتکتور در ایتالیا انجام داده بود و کمرشده

در قطعنامه سمینار انقلاب اداری حزب ایران نوین قید نشده) متأسفم که نمیدانید یکسال پیش نوشتید (دکتر سبزواری اگر چنین صحبت‌هایی در نشریات حزب ایران نوین دیده شده انتقادات سازنده است که در واحدها و جلسات حزبی ما همواره جریان دارد و در هر صورت مربوط به دوران قبل از انقلاب است) اینست که وقتی سری بفران دستگاه یا سازمان با اداره زمین میبینیم همه‌جا از حیث دکوراسیون کامل است سبک‌ترها به مقدار زیاد سبک‌ترها خارج از حد طاقتی حساب‌قالی و مبل و صندلی سیاه‌رنگ و تخته‌های رنگ‌وارنگ فراوان و بقیه هیچ، اینها نوشته مباحث انقلاب اداری حزب ایران نوین است من اصراف میخوام این چیزی که الان شنیدید وضع حال را یادتان نمی‌آورد (یک نفر از نمایندگان - بدتر شده) (فرهادپور - مدیر کلی شرط دارد معاون شرط ندارد) شاید یکی از دلایل اینکه موضوع معاون ثابت اداری را بقول معروف لبق کردند برای همین بود که میتواند همین کارها را بکنند و مطمئن باشید آن روزی که معهود هدایت را از معاونت ثابت وزارت دادگستری ببردانشند میخواستند همین کار را بکنند این فتوادالیم اداری در جاهای دیگر جلوه‌های دیگری هم دارد حتی گاهی در میان آقایان وزرا نمونه دارد وقتی می‌بینیم یک وزیر بعنوان شخصیت نمائی در نظم برنامه‌های خلل وارد میکنند و اعتباراتی بیشتر از آنچه که برنامه تجویز کرده میخواهد من بآن میگویم شخصیت کاذب (صحیح است) این صحیح نیست مقررات برنامه‌ای را رعایت نکنند چرا میگویم شخصیت کاذب برای اینکه من معتقد هستم شخصیت در اینست که بقول سعدی انسان در جمع خودبین نباشد کار گروهی بکنند کارنامه‌ای بکنند خود نمائی نکند. مثلاً یک سنتی داریم سنتی است که این کشور را در مقابل طوفانهای دنیا ۲۵۰۰ سال نگاهداشته و آن اینست که تجلی همه شئون و مشخصات ملی و ملیتی را برای یک نفر قائل هستیم و آن شاهنشاه است (صحیح است) و باقی همه خدمتگزار هستند همه در یک صف هستند باز یک نمونه‌ای از این فتوادالیم عرض میکنم من چندی قبل به یک آرشیتکت برخوردیم که تحصیلاتش را در رشته آرشیتکتور در ایتالیا انجام داده بود و کمرشده

بود و اینجا هم یک مقدار کار کرده بود بدست و پولیش را دارد جمع میکند سرود خارج گفتم کجا میسروی گفت میخوام یک مدتی بروم خارج شاید هم یک مدتی آنجا بمانم کار بکنم و شاید هم بمانم بگردم گفتم چرا مگر اینجا کار پیدا نکردی؟ گفت چرا هم کار هست هم پول هست گفتم پس دلیل آن چیست؟ گفت درد ما این است که در ایران هنوز معماری جدید شناخته نشده است آقایان در گورایی که معاون وزارت فرهنگ و هنر هستند تشریف دارند (دکتر مهندس بهبودی - جناب آقای فضائی آن تابلو ملاحظه فرمائید از ۷۰ نفر عده حاضر فقط از اکثریت ۵۰ نفر در جلسه هستند) صحبت بنده خسته کننده است به همین جهت ... (رامبد - خیر میزان وظیفه حزبی را نشان میدهد)

عباس میرزائی - از ۳۰ نفر شما فقط ۵ نفر هستند
دکتر مهندس بهبودی - شمارید (زنک نایب رئیس) نایب رئیس - آقای مهندس بهبودی مجلس میتواند در حل حاضر با هر عده‌ای اکثریت داشته باشد

فضائی - عرض کردم بنده از ایشان پرسیدم علت چیست گفت هنر معماری جدید را هنوز مردم ایران نشناخته اند مردم بیشتر هنر معماری را در آن میبینند که سنگ‌های گران قیمت بظاهر عمارت چسباند شود این را زیبایی و هنر معماری می‌شناسند در صورتیکه هنر معماری در فضا تقسیم فضا حجم و حرکت خطوط این مسائل است که مردم هنوز با آن آشنا نیستند و چون مردم آشنا نیستند البته مراجعات مردم با بنجور آرشیتکت‌ها خیلی کم خواهد بود در همه جای دنیا همینطور است دولت قدرتهای اجتماعی قدرتهای علمی که دنبال این کار میروند سرمشق‌هایی ایجاد میکنند تا مردم چشمشان آشنا بشود و دنبالشان بیایند متأسفانه دستگاههای دولتی ما سازمان برنامه، شهرداری، وزارت آبادانی و مسکن و جاهای دیگر ریششان بدست یک عده مهندس عالیمقامی که چند سال پیش تحصیل کرده‌اند و تمام شرفها با اصطلاح در دست آنها افتاده است گرفتار است آنها کاری را صوب میکنند که خارجش بیشتر باشد و مطابق میلشان باشد هنر جدید هم اتفاقاً جوری است که خرج تراشی زیاد نمیکند و با

و لخر جی دو قیاس است این مشنه سنگ چسباندن در عمارتها البته این عبارت او بود میگفت یک درد بیدرمان ملی داریم و آن ربا و تظاهر است که از نایب وزیر کان ما با این ربا همیشه مبارزه میکنند وجه اشعار بسیار تفریحی در باره بار با سروده‌اند یکی از جلوه‌های رباکاری امروز در هنر معماری ماییداشده که برای پوشاندن عیب ساختن سنگ چسباندن و سنگهای گران قیمت میگفت چون هر بندسک جدید از اثرش تمام میشود آقایان قیاس قیاس دارند که میزان قیمت بالا برود و کار ۵ میلیون ۱۰۰ میلیون تمام بشود زیرا که حق المشاوره بیشتر میگیرند و هنر جدید را راه نمیدهند اما اگر حرف آنها را قبول کنیم و مطابق نظر آنها طرح بریزیم هم پول خوب میدهند و هم ما را میپذیرند کف اینست که در این یکی دو سه سال هم بالاخره برای گذران زندگی با اینها کار کرده و پولی بدست آورده ولی معتقد هستیم که این تهران که الان اینجور بی‌روح است و شما احساس یک زیبایی هنری نمیکند و از این رنج میبرید همه تقصیر این نوع مهندسی است اینها تمام سر رشته‌ها را در دست گرفته‌اند خودشان اصلا کار نمیکند طرح نمیریزند فقط شاگردان سال‌های آخر معماری با مزد کم در دفترشان کار میکنند و آنها فقط مشغول بندوبست هستند دستگاه دولت هم جز اینکه با اینها مشورت بکند کاری نمیکند این است که با بنصورت درآمد من میروم تحصیلات شهرسازی را دنبال میکنم یک رشته متناسب دیگر را میخوانم یقین دارم بکروزی دولت بیدار خواهد شد و مردم بیدار خواهند شد و اینها را پس خواهند زد و نوبت ما خواهد رسید الان اگر با اینها همکاری کنیم جز اینکه ما هنرمان را از دست بدهیم استعدادمان را از دست بدهیم هیچ چاره دیگری نداریم بنده بمناسبت همین موضوع استفاده میکنم و مخصوصاً پیشنهاد میکنم یک انستیتوی معماری تشکیل بشود در مملکت که جنبه تحقیقاتی داشته باشد و هنرهای جدید را بشناسد پلی بین هنر قدیم و هنر جدید بنند و مقایسه بکند و این راه را باز کند اما مشروط بر اینکه باز در رأس این کارها و در این کارها هم آنها را نگذارید جوانان تازه تحصیل کرده و دارای اطلاعات جدید میدانی و تخصصی و نیروی تحقیقاتی داشته باشند و اشاره میکنم فرمایشات

آقای دکتر میرغلام در مورد همین گروه‌ها اینکه در دانشگاه تهران درست شده بخصوص دیدم در روزنامه نوشته بودند از طرف آقای پروفور رضا که یکی از کارهای اینها این است که ترفیقات را در مراحل دانشگاهی همیزان کارشان، تحقیقشان آثارشان تنظیم میکنند نه به میزان مدت، مدت ممکن است حقوق را بالا ببرد اما ترفیقی مخصوصاً در مقامات علمی حتماً ناشایستگی علمی با آثار تحقیقی بسا پیشرفتهای علمی باید توأم باشد و من امیدوارم که نتایج خوب گرفته شود مخصوصاً يك خواهش دارم از مطبوعات و آن این است که کار دانشگاه را بخاطر خدا جزه‌های آکثیوالیهود در جریان خبرهای هیجان‌انگیز روز نیندازند و بگذارند که این دستگاه با ارشاد شاهنشاه بتدریج با قدمهای استوار انقلاب آموزش را از پیش برد چون اینکار طبیعتش با طبیعت خبرهای جنجالی و زود درشت و ریز و اینکه آقای وزیر چه گفتند و حرف او را تغییر بدهند و يك کاری بکنند که يك عده را برنجاند و يك عده را ناراحت کنند جور در نمی‌آید يك آرامش در این زمینه باید ایجاد کنند بنده يك چیزی را میخواهم بگویم ولی از مقام ریاست ملاحظه میکنم (خنده نمایندگان) باز در همین مسئله معماری حقیقتاً مجلسی که ما ساخته‌ایم این ساختمانی که در اینجا هست هیچ دقت کردید که چیست؟ این سنگها؟ این پله‌های بیتناسب این فضای بیتناسب این پنجره‌های بی‌معنی اینها چیست؟ (رامبد - نمونه کارهای سازمان برنامه و مهندسين و مفاطمه کاران و مشاوران است) یکی از دوستان طبیب مجلس میگفت که وقتی من می‌آیم باین عمارت مرض غریب زدگی «هامسیک» میگرم يك مهندس دقیق دیگر میگفت من اصلاً در این خطوط، خطوط انسانی نمی‌بینم بلکه يك عمارت فاشیستی بیشتر بنظر می‌آید و راست میگفت برای اینکه از نمای عمارت اول آدم مبهوت میشود بعد فرار میکند اینها کار هنر معماری ما را با اینجا رسانند که يك مجلسی که میخواهیم بسازیم و برای همیشه میخواهیم بسازیم و امیدواریم که ما باقی ساختمان به اینصورت نباشد يك چنین صورتی دارد و خیال اینکه این عمارت که مال ۷۰ سال پیش است (بکنفر از نمایندگان ۷۰ سال بیشتر است ۱۰۰ سال) شما می‌بینید يك زمانی از

آن گذشته که البته از صد سال کمتر است تغییراتی کرده؟ ولی در آن هنری هست اما يك نگاه بعبارت جدید نکنید و مقایسه کنید همینطور که در ابتدای عرایض عرض کردم که بایستی يك دستگاه واری و تحقیق داشت ما صحبت از مسئولیت میکنیم اما صحبت از مطالبه مسئولیت نمیکیم مسئله مطالبه مسئولیت و خواستن نتیجه مسئولیت و نتیجه واگذاری مسئولیت یکی از مسائل بسیار مهم است در تمام سطوح این مسئله لازم است البته من قبول دارم که مسئله خواستن مسئولیت از شئون مجلسین و مقامات ملی است البته واقعی نه صوری که انشاءالله طرف واقعیت روز بروز نزدیک میشود دزد مورد واری و تحقیق و تعقیب و ارزشیابی در سطح برنامه ریزی مملکت ملاحظه بفرمائید که چقدر ضرورت دارد الآن ما مقدار زیادی طرح اجرا کرده‌ایم طرح‌هایی که طراحان و برنامه ریزان نوشته اند این برنامه‌ها دارای يك مقدمه توجیهی است بعد طرح اجرایی و کیفیت اجرا را شرح میدهند بعد نتایجیکه بعد از اجرای این طرح عاید مملکت میشود یا عاید آن ناحیه خواهد شد بیان میکنند و رقم میگویند دستگاههای تصویب کننده نگاه میکنند بآن قیمت کار نتیجه کار مسئله را اقتصادی میکنند و مناسب میکنند آنرا تصویب میکنند و دستور اجرا میدهند و اجرا میشود وقتی اجرا شد در حین اجرا ملاحظه میکنند که طرح دو برابر سه برابر بیشتر از پیش بیتی طراح خرج برداشته است بعد از اینکه اجرا شد کار انجام شد تازه می‌بینند نتایجی را که باید بدهد آن نتایج را نمیدهد منافعی را که باید عاید کند عاید نمیکند هیچ بلکه ضرر هم میدهد و يك مقداری هم پول بایستی آورد برای خرج نگهداری پرداخت مسلماً شما وقتی طرح رادو برابر سه برابر تمام میکنید ناچار هستید يك طرح دیگر دو طرح دیگر را متوقف کنید و انجام ندهید یا نتایج کار اگر طوری باشد که عایدی حاصل نکند برای اجراء طرح دیگری بکار برود چون عایدی نمیدهد طرح دیگر اجرا نمیشود تسلسل برنامه از بین میرود برنامه مثل زنجیری است که حلقه های آن بهم وصل است اگر بنا باشد این حلقه‌ها يك در میان بیفتد دیگر نمیشود گفت سلسله این دیگر زنجیر نیست این يك عده حلقه‌ها متفرقی

است يك عده کارهای متفرقی است در نتیجه ما لاً از برنامه‌ها آن استفاده‌هایی را که باید بکنیم نمیکنیم این کار يك تحقیق و يك واری می‌خواهد باید دید و بسا بد سنجد که چگونه شده که این کار گرانتر تمام شده آرایش بینی اولیه صحیح نبوده؟ در اجرائش خطاهایی شده؟ مطالبی پیش آمده که قبلاً باید پیش بینی شده باشد؟ چرا نتایجش منطبق نیست با نتایج پیش بینی شده؟ و از مجموع واریها باید نتیجه گرفت تا در طرحهای آینده اشتباه کمتر پیدا شود بر نامه‌های ماموقن تر شود عملی تر شود پیش بینیهای ما به نتایج نزدیکتر شود حتی استاندارد راجع به مخارج کار های واحد نداریم بخاطر دارم چندی پیش شاهنشاه آریامهر در ضمن افتتاح يك بیمارستانی بود که فرمودند من چند بیمارستان را باوضع مشابه افتتاح کردم اما وقتی گزارش را شنیدم دیدم واحد قیمتها فوق العاده باهم تفاوت دارد چرا واحد قیمتها باهم تفاوت دارد؟ در قیمت حتی بارها متوجه شدیم که خاطر خطیرشان از این بابت نگران است که چرا اصلاً محصول کار در مملکت گران تمام میشود و ما را در رقابت در بازار دنیا دچار مشکل میکند همه اینها تحقیق می‌خواهد واری می‌خواهد، دقت می‌خواهد و نتیجه گیری می‌خواهد و بکار بردن آن نتیجه (صحیح است) در سطح اجرایی هم همینطور است الان معروف است بین مستخدمین معروف است که پیش دولت دوغ و دو شاب یکی است کار بکنند و کار نکنند یکی است بلکه کار نکردن بهتر از کار کردن است چون اگر کار کردند می‌گویند چرا اینطور کردی و آنطور نکردی اما اگر کار نکردند کسی را نمیرنجاند این افکار باید از بین برود روزی که قانون سازمان بازرسی شاهنشاهی به مجلس شورای ملی آمد اتفاقاً شاید از بخت خوب من همین جناب آقای خطیبی هم بر میز ریاست تشریف داشتند آنوقت که ما پیشنهاد دادیم پیشنهاد کرده بودیم که کار سازمان بازرسی شاهنشاهی را محدود برسد کمی شکایات نکنند رسیدگی شکایات البته بسیار لازم است اما غالباً مسئله‌ای است فردی و ناظر بوضع افراد کار بازرسی شاهنشاهی یا بازرسی طوری باید باشد که به برنامه‌ها هم رسیدگی کند ببیند برنامه اجرا شده یا نشده نتیجه اجرای این برنامه چه بوده رضایت مردم را حاصل کرده یا

نکرده نتیجه‌هایی که پیش بینی شده دارد یا ندارد. امروزان در اجرای برنامه موفق بوده یا نبوده اند این کار حتماً باید بشود ما که در وضع اداری و حکومت کشور که سال مان موضوع چشم و گوش شاه وجود داشته بار دیگر این سازمان ایجاد شده است معتقد هستیم که امروز برای زمان ما کار این دستگاه نباید فقط برای رسیدگی شکایات فردی باشد بلکه اصلاً صحیح نیست که ما يك جوری کار بکنیم که مردم شاکی بشوند و بعد شکایاتشان رسیدگی کنیم باید کار را طوری انجام داد که شکایات پدید نیاید یا کم پیدا شود باید سرچشمه را با يك بیل گرفت و آن رسیدگی بکارهای اجرایی و حتی کار در سطح برنامه ریزی است که آباد درست برنامه ریخته شده یا نه درست اجرا شده یا نه شاهنشاه در بیانات متعدد و بسیار شیوا و فلسفی که بیان میفرمایند بارها این نکته را تذکر داده اند که غرض از حکومت کردن و ایجاد دستگاهها حتی اعمال حقوق حاکمیت چیزی نیست جز خدمت به مردم اساس و منظور خدمت کردن به مردم است (صحیح است) سخن ما و دوستان ما این است در جائیکه مسئله خدمت کردن به مردم سرورس دادن به مردم پیش می‌آید احساس میشود دستگاهها از همه وقت کند تر و در کارشان ناتوان تر هستند این يك چیز است که تمیض و انکار کرد مثال خیلی زیاد است و رفقای من بعدا خواهند آورد ممکن است همین مسئله تر افیک مسئله اتوبوسرانی مسئله برق تهران با این گرفتاریها و خاموشیها مسئله تلفن که می‌گویند دستگاه دق دستگاهیکه حمله قلبی می‌آورد خوب این وضع تلفن چرا اینطور است از یکی از کارشناسان تلفن شنیدم که چون آب و هوای تهران و شرق اصولاً طوری است که خاکش بیشتر است خاکزدایی در این دستگاهها الکترونیکی خیلی دقیق است و این کار دلسوزی و مراقبت و مدیریت می‌خواهد احتیاج به مراقبت شبانه روزی و دلسوزی بیشتری از سایر ممالک دارد این است که ما گرفتارتر هستیم می‌بینیم که بر میگردیم مسئله مدیریت شده مشافرت با امر بکنار کردم اما خانها و آقایان که مسافرت کرده اند شاید بدانند و دیده باشند بازر کتاب خوانده باشند بکنفر از نمایندگان - از مشهودات بفرمائید

نماز مسوعات اجازه فرمائید چیزی را که میخواهم بگویم باعث افتخار شماست در نیویورک در خیابان هشتم روی عمارت پست نیویورک يك عبارتی نوشته شده (بکنفر از نمایندگان - فرمائید چه نوشته اند) این عبارت وصفی است که هر دو ت مورخ از وضع پستی هخامنشی میکنند این عبارت را پست نیویورک بعنوان شمار پستی خودش قبول کرده است این عبارت را در روی عمارت پست استیت نیویورک نوشته اند « نه برق نه بازان نه گرما و نه تاریکی شب این مأموران پستی را از وظیفه سنگین و سرتاسریشان باز نمیداشت » این وصفی است که هر دو ت دربارهٔ پیک سریع دستگاه هخامنشی میگویند مهر پست نیویورک عبارت است از يك پیک سوار هخامنشی کجا هستند آقای وزیر پست و تلگراف ایشان وزیر پست و تلگراف يك چنین کشوری هستند کشوری که امریکا استیت نیویورک وقتی میخواهد شعار پستی اش را تنظیم کند با آرمش را تعیین کند از کشور ما میگیرد اما پست ما از تجریش تا تهران ۴ روزه میرسد بیست - بیست و پنج روز طول میکشد تا پستی از يك شهر بشهر دیگر برود در همین مملکت هم نمونه داریم هیچ احتیاج ندارم که از خارج بگویم دو تا روزنامه در عصر هست عصر چاپ میشود غروب در نلک مملکت هست و فردا صبح هم در سراسر مملکت بخش میشود چرا باید پست ما اینطور نباشد (بکنفر از نمایندگان - با طیاره میبرند) روزنامه را هم با طیاره میبرند (بکنفر از نمایندگان - اینطور نیست) خیلی متأسفم که نمایندگان ملت خیر از ملت نداشته باشند و از انتظارات ملت ایران چیزی ندانند من استدعا میکنم نمایندگان گاهگاهی هم با مردم تماس داشته باشید اگر در مجلس نمیگویند نگویند توی حزبتان بگویند (بکنفر از نمایندگان - انتقاد اغراق آمیز نباید باشد از تجریش با مورچه که نیامده چهار روزه برسد) البته من معذرت میخواهم که با انتقادات خودم کام شما را تلخ کردم ولی من معتقدم (دکتر بزدان پناه - البته بابی انصافی) اگر اجازه بدهید و حوصله بکنید که میکنید و ظرفیت شنیدن انتقاد هم داشته باشید که الحمد لله رئیس دولت شما دارد و شما هم انشاء الله پیدا کنید خودش بارها گفته و سخن يك شخص

معروفی را گفته که حاضریم جانم را بدهم تا سخن منتقد را بشنوم مسلماً این بفتح شماست ، بفتح دولت است ، بفتح ملت است و بفتح حزب اکثریت است ، شما خانمها و آقایان مسئولیت بزرگی دارید که مسئولیت ما در مقابل شما زیاد نیست ، هر کاری که میشود هر قانونی که میکندد اگر بد شود شما بودید که حامی دولت بودید نه ما اگر بموقع انتقاد نکنیم ما هم مسئولیم در مقابل ملت و در مقابل تاریخ و در مقابل شاهنشاه ، بنیاد بیاورید فرمایشات شاهنشاه را در روزی که نمایندگان انجمن شهر وابسته بحزب مردم شرفیاب بودند ، چه مطالبی را فرمودند که مانند دیگر مطالبی که میفرمایند درسی است که باید آموخت اما نه با زبان ، با قلب با روح ، معتقد باید باشد ، ارمان باید پیدا کرد معذمان با کمال صراحت میگویم زبیر انصاف خودم را بهیچ چیز نمیفروشم ، اگر برخلاف عقیده خودم چیزی را بمن تحمیل کنید بنده نخواهم پذیرفت (بکنفر از نمایندگان - پس شما انضباط حزبی ندارید) ما اعتقاد داریم که عقاید شخصی محترم است معهدا وقتی اکثریت حزب دستوری میدهد اجرا خواهیم کرد اما این حدی دارد و حدش در قانون اساسی است و مسأله حزب ما برخلاف قانون اساسی حرفی نخواهد زد ، اگر بگویم که کوچکترین تخدشه بخواد وارد شود بر خطوط قانون اساسی هر فرد حزبی میتواند آزاد است که بیاید از حزب بیرون ، یکی از اصول قانون اساسی آزادی عقیده است (صحیح است) یکی از اصول قانون اساسی است که اکثریت تحمل سخن اقلیت را بکنند در عین حال شما میگویم من هم لذت میبرم وقتی نخست وزیر میآید اینجا و از موفقیت هائی که دولت داشته است و خدماتی که در زیر سایه حمایت و رهبری شاهنشاه میکند ، بحث میکنند خوشحال هم میشوم که کام شما را که من تلخ کردم شیرین خواهند کرد (احسن).

۴- تصویب صورت جلسه عصر یکشنبه چهارم اسفند

نایب رئیس - صورت جلسه بعد از ظهر یکشنبه چهارم اسفند خدمت خانمها و آقایان توزیع شده است نسبت بآن نظری نیست؟ (اظهاری نشد) صورت جلسه تصویب شد.

۴- ادامه مذاکره در کلیات گزارش کمیسیون بودجه راجع به بودجه سال ۱۳۴۸ کل کشور

نایب رئیس - د کتر حکیم شوشتری بعنوان موافق صحبت میکنند بفرمائید.

دکتر حکیم شوشتری - بنام خدا با کسب اجازه از مقام ریاست و همکاران عزیز و بزرگوار جنس منم ، اجازه میخواهم بنام موافق در مورد بودجه سال ۱۳۴۸ مطالبی چند بعرض همکاران محترم برسانم. خوشبختانه ما در دوره ای از حیثیات سیاسی مملکت خود زندگی میکنیم که در سایه رهبریهای خردمندانانه شاهنشاه آریا مهر در عصر اجرای منشور انقلاب ششم بهمین در شرایط محیطی آنچنانی هستیم که به عموم خدمتگزاران از هر سابقه و هر عقیده فرصت خدمتگزاری داده شده و میشود (صحیح است) یکی خدمتش از راه سازندگی است و همکاری با دولت ، دیگری بخود این زحمت را میدهد و قبول این خدمت را میکند که باروشن کردن چراغ انتقاد احتمالاً دولت را از هر گونه اشتباه و یا کندی در اجرای برنامهها ندرت میسازد ، برای ما نمایندگان اکثریت خوشبختانه در این عصر وزمان که بهترین فرصت برای خدمتگزاری برای همه موجود است يك شانس پیش آمده و آن عبارت از این است که فرصت داریم کارهای دولت را دوبار مورد تنقیح قرار بدهیم بیکبار در مجلس شورای ملی و بیکبار هم قبلاً در حزب و همیشه این آمادگی را هم دولت وهم نمایندگان اکثریت دارند که هر نوع فکر خوب هر نوع راهنمائیهای خوب را بجان و دل میپذیرند و همیشه از افکار خوب و از راهنمائیهای خوب استفاده میکنند و بهیچوجه همانطور که آقای نخست وزیر فرمودند عاشق افکار خود نیستند (احسن) و اما خوشبختانه شاهنشاه ما بملت ما مواهبی اعطا فرمودند که واقعاً اگر مردم میخواستند بانالاش خودشان منهای این بزرگواری از طرف ایشان این مواهب را بدست بیاورند شاید با چند سال مبارزه نمیشد و نمیتوانستند این همه آزادی و این همه مواهب نصیب ملت ایران بشود (صحیح است) در سایه این موهبت هاست که برای ما این فرصت بدست آمده که بتوانیم در کمال آزادی روزها ششیم با اوقات زیاد حرف کنیم و با کمال حوصله و بجان

و دل انتقاد های دوستان و همکاران محترم اقلیت و نظریات آنها را که مسلماً در راه خیر و صلاح و بمنظور خدمتگزاری به مملکت به نمایندگی مردم ابراز میفرمائید بشنوم. منتها این اکثریت و اقلیت اختلاف سلیقه وجود دارد و کسیکه در این مورد میتواند اظهار نظر کند ملت ایران است مسلماً ما از راهنمائیها و فرمایشات و بیانات اقلیت استفاده خواهیم کرد و چه بسا تمام مواردی را که همیشه ابراز فرموده اند اکثرأ به آنها توجه داشته ایم منتها اختلاف سلیقه همیشه نظرات مختلفی را پیش میآورد دو نفر ممکن است بسته بطری نیمه پری از آب نگاه کنند یکی میگوید این بطری نیمه پر از آب است و دیگری میگوید این بطری نصفش خالی است یکی از این زاویه دید نگاه میکند دیگری از زاویه دیگر هر دو از نظر ملت ایران مورد احترام هستند منتها آن کسی که میتواند حزبی را برای حکومت برای خود انتخاب کند همانطور که انتخاب کرد ملت ایران است که اکثریت را برای حکومت کردن تصمیم گرفتن انتخاب کرده بهمین منظور ما هم حزب اکثریت پی باین مسئولیت برده ایم و وظایفی را که شاهنشاه بزرگ ما اصول سیاست آنرا ترسیم فرموده اند در چهار چوب انقلاب ششم بهمین بآن عمل و اقدام خواهیم کرد اما در مورد بودجه بنده میل داشتم آنچه را از مفهوم حکومت با بضاعت مزحات میدانم و درك کرده ام و علت افتخار عضویت حزب ایران نوین و آنچه را که برای موفقیت و سعادت ملت ایران برای انتخاب این راه در نظر گرفته ام میتوانستم و این فرصت را داشتم که بعرض مجلس محترم شورای ملی برسانم ولی چون تصور میکنم وقت مجلس شورای ملی بایستی بصرف کارهای بزرگتری برسد بنده بخود اجازه نمیدهم وقت مجلس را آنقدر بگیرم که کلیه عقاید شخصی را مقدمتاً عرض کنم و بعد برای موافقت از آن بهره برداری کنم روی این اصل در حد دانستنهای خودم و آنچه که موجب شده است بنده بنام موافق بودجه رأی میدهم به عرض میرسانم آنچه که در ذهن بنده از خاطره بودجه و بودجه نویسی هست سابقه بودجه نویسی بصورت فعلی

شاید از قرن شانزدهم در ممالک اروپا مطرح بود، اولین بار بودجه‌ها را باین صورت میدانستند که حکومت‌ها برای نگاهداری خود مقداری پول از مردم میگردانند و خرج حفظ خود میکردند (مدرسی - کدام دولت‌ها؟) عرض کردم دولت‌های گذشته (مدرسی - درجه تاریخی؟) قرن شانزدهم و نوزدهم جناب آقای مدرس نماینده حق سؤال از نماینده را ندارد (احسن) بنده کمال احترام را به جنابعالی و تمام همکاران اقلیت از دو حزب دارم ولی جنابعالی میدانید که نماینده حق سؤال از نماینده را ندارد و روی این اصل بعرض مبارکتان میرسانم و خواهش میکنم از بنده سؤال نفرمائید چون میخواهم جواب بدهم ولی با احترام آئین نامه جواب نخواهم داد بنابراین حمل بر بی ادبی بنده نفرمائید (احسن) بودجه عبارت بود از یک لیست و جوه در یافتی بجه صورتی بود اکنون مطرح نیست ولی بهر صورت در خاطر عامه بودجه عبارت بود از صورت یک مقدار پول از منابع مختلف بوسیله عمال دولت وصول شود و خرج ارتش و عمال دولت برای نگاهداری دولت بشود، بعد از اینکه حکومت‌ها وظایفشان تعمیم پیدا کرد علاوه از نگاهداری خود کارهای خدمتی و یک وظایفی برای رفاهیت مردم در نظر گرفتند از جمله کارهای راه‌سازی، پل‌سازی، سدسازی، جاده‌سازی اگر چه برای خودشان جنبه انتفاعی داشت این کارها هم جزء بودجه دولت و جزء لیست‌ها منظور شد و کم کم در لیست بودجه‌ها علاوه از اینکه مقداری صورت مخارج کارمندان دولت و سرbazان و ارتش و مأمورین حکومت بود مقداری هم از بودجه صرف مخارج عمومی میشد هر هر صورت کم کم بودجه خوب آنچنان توصیفی را پیدا کرد که آنچنان بودجه‌های خوبست که علاوه بروحدهت و شاملیت درآمدها و هزینه‌های کلی مملکتی درصد مخارج عمومی نسبت به حقوقهای دولت و خرج حکومت بیشتر باشد ولسی این تعریف باز دبری نیاید صنعتی شدن اروپا و امریکای شمالی و اختلاف سطح زندگی در کشورهای مختلف این شاملیت تعریف را یعنی یک تعریف واحد برای بودجه در تمام کشورها از آن صورت خودش خارج کرد و هر کشوری

باتوجه به وضع خودش، باتوجه به احتیاجات خودش، باتوجه بهسبک حکومتش، بودجه در مملکتش تعریف خاصی پیدا کرد و بهر فرته یک تعریف واحد برای یک بودجه خوب که برای تمام مملکت ما بشود از تعریف و صورت سابق خارج شد شرایط خاص اقلیمی، وضع اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مملکت ما وضع خاصی دارد که بودجه بایستی با توجه بشمار این احتیاجات تنظیم شود و بعد از اینکه این صورت درآمدها و مخارج تنظیم شد بایستی طوری تنظیم شود که مملکت را به هدفی که از بودجه نویسی داشته است نزدیک بکند خوشبختانه بودجه سال ۱۳۴۸ مابروی این موازین تنظیم شده همانطور که بودجه‌های چند ساله‌ای که بوسیله دولت حزبی ایران نویسی تقدیم مجلس شده سال به سال کاملتر و به هدف خود نزدیکتر و شامل تمام اهدافیکه مورد نظر رهبر عالیقدر ما بوده است تنظیم شده و خوشبختانه بهترین سند اقتضاری که دولت حزبی میتواند دلیل بر صحت بودجه‌های خود بعرض مردم ایران برساند همانا فرمایشات اعلیحضرت همایون است که رشد اقتصادی ۱۲٪ را در چند ساله حکومت حزب ایران نویسی بارها تأیید فرمودند خاصه در فرمایشاتشان در مصاحبه مطبوعاتی در هندوستان. اما من لازم میدانم کمی راجع به نحوه بودجه نویسی فعلی ایران و پیشرفت‌هایی که اخیراً در این امر نصیب ما شده کمی صحبت کنم با وجودی که این بنجمین و بحسابی ششمین بودجه برنامه ایست که دولت حزب ایران نویسی به مجلس شورای ملی تقدیم میکند گاهی بنده از بعضی از رفقا و همکاران میشنوم که با نوعی بی‌اعتنائی و شاید طنز و کنایه صحبت از شکل و محتوی بودجه میکنند که مثلاً در این کتابها و صفحات متعددی که بیش از ۱۸۰۰ صفحه بالغ میشود میگویند فقط صورت ظاهری است که زیبا جلوه میکند ولی در ماهیت و محتوی این امر تغییری حاصل نشده است من بخصوص با توجه باین گفته‌هایی که حاکی از بی‌مهری راجع به بودجه دولت است میخواهم روی این تاریخچه مختصر بودجه نویسی صحبت کنم همه ما میدانیم ولی مجدداً تکرار میکنم که تا سال ۴۳ بودجه‌های ما اکثر

صورت بود و با شامل لایحه‌های که بشکل يك ليست تنظيم شده بود فقط صورت يك پیش‌بینی ساده و ابتدائی درآمدها و هزینه‌های سازمانهای اداری را داشت و مقداری هم مقررات پراکنده اجرائی تحت عنوان تصوره‌ها بدان علاوه میشد در بسیاری از سالها ارقام هزینه فقط یکجا و به تفکیک بهر دستگاه داده میشد حتی ریز مواد آنرا به مجلس نمیدادند و بعد به کمیسیون بودجه میفرستادند اصول ابتدائی وحدت و شاملیت که متقدمین اقتصاددانهای قرون گذشته بدان اعتقاد داشتند در این بودجه‌ها رعایت نمیشد در لایحه بودجه نه نشانی از مؤسسات انتفاعی و بازرگانی وابسته بدولت و نه از سازمان برنامه هیچکدام نبود و نه فعالیت‌های جاری دولت را در برداشت و نه بسیاری از دستگاههای عام المنفعه را، اگر چه دولتی نبودند ولی بهر حال خصوصی هم نبودند نشان میداد خوب، این وضع گذشته به‌دستر فتنظرا از بودجه اصلاحی سال ۱۳۴۳ که در نوع خود قدم بزرگی بجلو بود، همین دولت آمد بودجه سال ۱۳۴۴ را بصورت برنامه‌ای، دستگاهی با ریز مواد هزینه و بانضمام فهرستی از اعتبارات عمرانی که در مقابل برنامه نشان داده شده بوده و همچنین خلاصه مؤسسات وابسته و مؤسسات عام المنفعه تقدیم مجلس کرده و از سال ۱۳۴۵ بعد همه ساله قدم‌هایی بجلو برداشت که نباید از آنها غافل بود. طبقه‌بندی صحیحتر مواد هزینه، طبقه‌بندی عملیات دولت، طبقه‌بندی درآمدها و تحت نظم و دیسیپلین در آوردن دستگاههای وابسته مطالبی نیست که بآن بی‌اعتنائی کنیم. دولت این بودجه را بصورت آئینهای در آورده است که تصویرها را روشن و تا آخرین چین و چروک آن نشان میدهد و هر سالی هم باین آئینه صیقل بیشتری میزند. نکته همینجاست، همین آئینه صاف و صیقلی است که بما و پیش از ما بهمکاران اقلیت ما امکان میدهد که روی موارد قابل انتقاد تکیه کنیم. خوب، ممکن است بسیاری از این تصویرها زیاد مطلوب نباشند اما واقعیتها را همه این دولت خلق نکرده است. بسیاری از این ناپسا مانتهائیکه ما بوسیله مشاهده این تصاویر بدانهای میبریم منعکس کننده وضع مملکت ماست و مختصر هم بمملکت ما نیست. هیچ کشوری را نمیتوان

بافت که مشکلاتی نداشته باشد. اگر روزی میشد که دیگر مشکلی بوضع قابل انتقادی وجود نداشت بعقیده من آنروز روز آخر دنیا خواهد بود زیرا دیگر کاری برای کردن و پرداختن موجود نبود. چرا در برابر همه این انتقادهای از دولت تقدیر نمیکنیم که خودش همه چیز را گسترده و بی‌برده با ما در میان میکشاند و با صیقل‌زدن به این آئینه بما فرصت میدهد که هر چه بیشتر کنه و عمق عملیات او را ببینیم و متوجه شویم که حتی مثلاً در فلان دستگاه اعتبار فلان ماده هر ارتومان نسبت سال قبل بیشتر شده و مرتب از او بپرسیم چرا؟ چرا؟ چرا؟ چه عیبی دارد ما بدون اینکه از تذکرات لازم دولت چشم ببوشیم از او تشکر کنیم که وضع مؤسسات وابسته بخودش را سروصورتی داده و این مؤسسات را که تا چند سال پیش مبالغی هم کمک میکردند و ادار کرده است که مبالغ معتقابهی هم بجزانه کمک کنند؟ چرا سخن از این نمیگوئیم که دولت این درآمدهای اختصاصی را که مثلاً در سال ۱۳۳۹ - در حدود یک سوم کل بودجه بود از بین برد و حتی آخرین بازمانده آنرا هم که خیال میکنم در سال ۲۶ نزدیک به ۲ میلیون تومان بوده از اول ۴۷ برداشت. اشتباه نشود این در آمد اختصاصیکه حالا در بودجه هست از آن نوع در آمد اختصاصی نیست که در سالهای قبل بود. در آنسالها این نوع درآمد اختصاصیکه از سال ۴۴ تا سال ۱۳۴۶ بنام «طبقه ب درآمدهای اختصاصی» خوانده میشد اصلاً در بودجه منعکس نمیشدند. اینها که کارهای بدی نیست و بی‌اهمیت هم نیست بعقیده من اگر هیچ‌کاری هم جز اینها صورت نمیگرفت. که خیلی هم صورت گرفته است - باز همین اندازه کار کافی بود که ما از دولت تجلیل کنیم. فراموش نمیکنم چندین پیش یکی از دوستان من مسافرتی به اروپا رفته بود در یکی از کنفرانسها که سازمان ملل در آنجا تشکیل داده بود میگفت از بودجه نویسی ایران بسیار تجلیل کردند و حتی بودجه‌های ایران را ترجمه کرده بودند و دست بدست میکردانیدند (موقر - اقتباس کردند) حتی برای اینکه جناب آقای و قرا گاهی داشته باشند یک

مطلب دیگری را بر عرضشان میرسانم بنده اطلاع دارم که دولت افغانستان از بیانک بین الملل تقاضای کار شناس بودجه کرده بود میدانید چه جوابی در مقابل تقاضای افغانستان داده بودند؟ آقا برای ما ایرانیها مابه افتخار است بانک بین الملل خواب داده بود وقتی در نزدیکی شما مملکتی بنام ایران هست که در بودجه نویسی آن چنان کارشناسان و بودجه نویسانی دارد شما چرا کارشناس را از ما میخواهید از کشور ایران بگریزید اینجا نکاتی است که بنده دریغ میآید بر عرض نمایم بدان محترم نرسانم و آن اینست که فقط از جنبه های منفی دولت در مجلس صحبت میشود ولی باید قبول کرد این کارها شده بنده بی مناسبت نمیدانم علیرغم تمام محاسنیکه ذکر کردم و با آنها اعتقاد دارم یک تذکراتی را در مورد بودجه نویسی بدولت بنده (احسنت) یکی این است: وقتی بودجه برنامه های کاملتر و بهتر میشود که خرد خرد شروع بکنند به تعیین ضوابط و معیار های سنجش کار و قیمت واحد هزینه، باید خیلی دقیقتر از اینکه در حال حاضر عمل میکنیم عمل کنیم و مثلا معلوم و مشخص شود که ما باید برای تعلیم یک بیسواد، تعلیم یک محصل مدرسه متوسطه، یک دانشجوی این یا آن رشته در دانشگاه، تحقیق در این یا آن زمینه، معالجه بیمار در این یا آن سطح و استاندارد بخصوص برای هر کاری مثلا برای سمپاشی در یک هکتار زراعت در یک اراضی زراعتی و برای کارهای مختلفی که ما داریم به بینیم بایستی برای هر یک از اینها چقدر خرج کنیم این منابع و این ضابطه ها یک معیار و میزانی برای بودجه نویسی باشد و این یک معیاری برای دفتر بودجه باشد و حتی با اعتقاد بنده کافی نیست که بودجه را خوب تنظیم کنند باید خوب اجراء کنند و فقط نه از نظر نظارت مالی بلکه با اعتقاد اینجانب باید نظارتی هم بر عملیات بکنند یعنی فقط نظارت در خرج صحیح کردن نباشد بلکه در مورد خوب اجراء کردن و وظیفه هر دستگاهی را خوب انجام دادن هم باید و این لازمه اش عبارت از یک گزارش گیری و گزارش دهی صحیح است و به عقیده بنده باید این گزارش ها به مجلس شورای ملی یکماهه یا سه ماهه داده شود (صحیح است - احسنت) این را بنده عرض

میکنم نمیشود نظارت را بدون کنترل لهایی در ایام مختلف انجام داد من امیدوار هستم برخلاف بعضی از آقایان که آن کلمه تخصیص اعتبارات را در ماده واحده کلمه مزاحمی میدانند بطور کلی اساس و بر رسیهای بودجه را زیر و رو شده میدانند بنده عرض کردم چون عینک خوش بینی به چشم دارم فکر میکنم امیدواریم این استفاده از تخصیص اعتبارات را آقای نخست وزیر یک ضابطه ای قرار بدهند برای کنترل و نظارت در امر مصرف بودجه و بالاخره یک تذکر دیگری را بابت بدولت بندهم با وجودی که میدانم که بفکر این هست ولی بخاطر اینکه در اینجا منعکس شود عرض کردم یک کار بسیار با ارزش دیگری را دولت شروع کرده و آن عبارتست از تنظیم بودجه های استانی این کار را باید خیلی وسیعتر بگیرد و خیلی کاملتر و جلوتر از این پیش برود (صحیح است) در آن موقع ما تصور میکنیم بتوانیم روز بروز یک بودجه کاملتری بوسیله دولت تقدیم مجلس بکنیم بنده ضمن اینکه این مطالب را راجع به بودجه نویسی مرور میکردم یک مطالعاتی هم در بودجه سنوات گذشته میکردم در ضمن یک مقایسه مختصری با بودجه های مملکت از سال ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۸ یک صورت برداشتم برای اینکه باز عرض میکنم وقت مجلس مقدس شورای ملی را بگیرم بودجه سال ۱۳۴۲ را میگویم بودجه ای که در این سال بوسیله دولت تقدیم شده ۵۲۷۲۲۰۰۰۰۰ ریال است (مهندس بهبودی - زمان حکومت کمی بوده؟) جناب عالی اطلاع دارید که بودجه سال ۵۲ در زمان حکومت جناب آقای علم تقدیم شد که همه ما برای ایشان کمال احترام را قائلیم (احسنت) (چند نفر از اقلیت - خیلی ممنونیم) آقای علم از خدمت گزاران صدیق شاهنشاه هستند و مورد احترام تمام ملت ایران هستند (عده ای از اقلیت - باز هم تشکر میکنیم) بنده عرضم را برای خاطر عقاید خودم میکنم برای تشکر آقایان عرض نمیکنم، ضمن اینکه جناب عالی اظهار لطف میفرمائید متشکرم بودجه سال ۱۳۴۳^۷ و بودجه سال ۱۳۴۴ و ۱۳۴۵ و ۱۳۴۶ و ۱۳۴۷ اگر بنده ارقامش را حضورتان قرائت کنم ممکن است ملال آور باشد ولی بر عرضتان میرسانم که بودجه ۵۲ میلیاردی سال ۴۲

در سال ۱۳۴۸ به ۳۳ میلیارد رسیده و این واقعا برای مملکت ما افتخار آمیز است (صحیح است) این نیست بجز اینکه درک نیات بزرگ شاهنشاه آریامهر را دولت حزبی ما کرده است (صحیح است - احسنت) بنده این مطلب را لازم است که بر عرضتان برسانم که حزب ما بعد از انقلاب ششم بهمن بوجود آمده است و ما آنرا مولود انقلاب میدانیم یعنی لازم بود که برای اجرای منشور انقلاب عده ای از افراد دور هم جمع شوند که اصول عقایدشان منشور ششم بهمن باشند اینک بعد از این اصول را پذیرفته باشند (احسنت) بهر صورت هدف بودجه ما بطور کلی یک هدف است و آن هدف حزب ماست یعنی زندگی بهتر برای همه (صحیح است) برای اینکه ما یک بودجه جامعی بنویسیم به چه احتیاج داریم؟ باز آن مطلبی که در مقدمه مقام بعرض همکاران و سروران رساندم بر میگردم و آن عبارت از این است که حکومت چیست؟ و یک حکومت خوب چه باید بکند؟ بنده در تصور فکری که از بدو پیدایش حکومت در دنیا بوجود آمده است و سیستم های مختلف حکومتها عرضی نمیکنم چون تمام سروران ارجمند بیش از بنده میدانند ولی کلیه حکومت ها از هر نوع مرام از چپ و راست سرخ و سیاه بهر طریق همه مدعی یک مطلب هستند و آن اعتلای مملکت و ایجاد رفاهیت برای ملتشان است (صحیح است) یک بودجه خوب بایستی از جمیع جهات از جهت اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی تمام اینها را شامل باشد الا میخوانیم به بینیم بودجه ما چه طوری است (بکنفر از نمایندگان - خیلی عالی است) من قبل از اینکه راجع به حکومت صحبت کنم و راجع به یک بودجه خوب صحبت کنم اولین صحبتی که راجع به یک بودجه خوب دارم این است که یک بودجه خوب بایستی بتواند قوام حکومت ملی را برقرار کند برای این کار بایستی یک ارتش ملی داشته باشیم بنده برای اینکه سیاست حزب ایران نوین را برای ارتش ملی بعرض همکاران محترم رسانیده باشم اجازه بفرمائید با اصطلاح از روی نوشته بخوانم (مسا دوستانی داریم ولسی نمیتوانیم سر نوشت خودمان را صرفا در اختیار تصمیم دیگران بگذاریم که اگر روزی خواستند ما کمک بکنند و اگر روزی نخواستند نکنند. این نه فقط از لحاظ ملی نوعی تشکر است بلکه از لحاظ بین المللی نیز قابل اعتماد نیست. باین

جهت ناچاریم که نسبت به تقویت قوای دفاعی خودمان البته در حدود معقول بیندیشیم.

در عین حال که بر نامه های صنعتی و عمرانی ما باید با قدرت هر چه تعاملت پیش رود، ما نمیتوانیم از تقویت نیروهای دفاعی کشور غافل بمانیم. اگر در خلیج فارس حتی یک دانه ماهی پیدا نمیشد و بایک چاه نفت نیز وجود نداشت و با یک کشتی تجارتنی رفت و آمد نمیکرد، و اگر هم جنوب ایران و خوزستان و منابع نفت ایران فقط تیغزاری بود، باز هم وظیفه ملی ما ایجاب میکرد (مهندس بهبودی - فرمایشات گهربار شاهنشاه آریامهر است) بلبه همینطور است. که از هر وجه خاک خود دفاع کنیم. (صحیح است) این سیاست حزب ایران نوین است در مورد ارتش ملی که الهام از فرمایشات شاهنشاه در شرفیابی نمایندگان مجلس شورای ملی در دهم اسفند ۱۳۴۴ (عده ای از نمایندگان - عقیده تمام ملت ایران است) خیلی متشکرم هیچ ایرانی جز این فکر نمیکند بنده از دید خود عرض میکنم با بضاعت مزجات، ماهر چه سرمایه گذاری همانطور که شاهنشاه فرمودند در حد معقول و هر چه هزینه در راه ارتش کردیم چیزی از دست نداده ایم تا امنیت نداشته باشیم هیچ کار دیگری نمیتوانیم بکنیم (احسنت) نمیتوانیم صنعت داشته باشیم نمیتوانیم کشاورزی داشته باشیم نمیتوانیم از تمام سکوها ساحلی خود نفت را استخراج کنیم ما هیچ نظری جز صلح و آرامش نداریم و خوشوقتم که در سایه رهبر بهای شاهنشاه آریامهر دنیا هم بما این چنین نگاه میکند (صحیح است - احسنت) بنده داشتن هوایماری فائوم را نه فقط از لحاظ داشتن بهترین سلاح دنیا افتخار آمیز میدانم بلکه از یک دید دیگری این را افتخار آمیز میدانم ما آنچنان مملکتی هستیم که مرکز ثبات و پرچمدار صلح در این قسمت و در این ناحیه از جهان هستیم باین علت دنیای آزاد با اعتماد بهترین سلاح خود را در اختیار این مملکت میگذارد و میدانند که این سلاح در اختیار مملکتی گذاشته شده که قصد تجاوز در مخیله اش نیست و میدانند که اسلحه بجای مطمئنی رفته است اگر ما بعد از آمریکا اولین کشوری هستیم که با این سلاحها را داده ایم این فقط بخاطر داشتن دلار از منابع نفت نیست، بخاطر

پول داشتن نیست بگویم که این اعتبار اقتصادی ارزش و اعتبار ما را در دنیا بالا میبرد ولی این اعتباری است که شاهنشاه ما برای این مملکت برای بالا بردن شخصیت جهانی این مملکت بوجود آورده اند و شاهنشاه ما پیرچمدار صالح میباشند (صحیح است) شاهنشاه ما که در دانشگاه هاروارد پرچم خدمتگزاری بشریت را بلند میکنند (صحیح است) و این افتخار را برای ابد برای خدمتگزاری به بشریت تمام ایران ثبت میکنند باین علت و باین اعتبار دولت امریکا با وجودی که همه دولتها پول داشتند همانطوری که ما پول میدادیم همه آنها هم پول میدادند ولی چرا این سلاحها را ناختم آنها نگذاشتند چون سلاحها جای مطمئنی نمیرفت ولی ما پیرچمدار ثبات این منطقه از جهان هستیم ، بنده از این دید بطلب و باین مسئله نگاه میکنم و واقعا میکورم هرچه ارتش ملی ما، ارتش سرفراز ما که ضامن تمامیت ارضی و استقلال ما است همانطوری که خون تمام ایرانیان ضامن این استقلال است ما هرچه در حد معقول در این راه خرج کنیم چیزی از دست ن داده ایم و بلکه با اجرای برنامه های اقتصادی و کشاورزی در سایه این امنیت بازده داریم (صحیح است) خوشبختانه علاوه بر این سرمایه گذاری برای حفظ خود احتیاج داریم بیک دستگاهی که حالا اسمش را میگذازم وزارت امور خارجه بایستی سفرای شاهنشاه آریامهر و مأمورین وزارت امور خارجه مبشر فکر بزرگ شاهنشاه آریامهر در سراسر جهان باشند (نمایندگان - هستند) خوشبختانه همانطور که مورد تصدیق عموم آقایان میباشد وزارت امور خارجه بخوبی باین وظیفه خود آشنا است و همه آقایان که در چند ساله اخیر بکشورهای خارج مسافرت نموده اند از تحرك و کار مستمر و از دقتی که این مأمورین در انجام وظیفه خود دارند همه مباهمی هستند . ضمن این مطلب بنده در بقم میآید که يك مطلب خیلی ساده و افتخار آمیز را بعرض آقایان برسانم . آقایان اطلاع دارند که شاهنشاه ما در مسافرت بکشور حبشه روزی که در یکی از شهرهای قدیمی از آثار باستانی دیدن میفرمودند اتفاقاً مصادف بوده است با روزی که رابرت کندی ترور شده بود . شاهنشاه ما بوسیله دستگاههای مرتب وزارت

اطلاعات از لحاظ خبر گیری و وزارت امور خارجه خبر ترور کندی را شاهنشاه ما بیادشاه حبشه میدهند و بسیار در این مورد اعلیحضرت نجاشی متحیر میشوند و در مورد دستگاههای خودشان و اعمال مسئولین دستگاههای خودشان متعیر میشوند بسا کمبود وسائلی که ما از لحاظ دستگاههای اطلاعاتی و مخابراتی خودمان داریم ولی کوشش مأمورین ما خوشبختانه جبران آن کمبود را مینماید چون در مورد شناساندن ایران علاوه بر کادر وزارت امور خارجه وظایفی هم بعهده وزارت اطلاعات است و بخصوص با توجه بوظیفه ارشادی که این وزارتخانه علاوه بر کارهایی که بایستی در مسیر شناساندن ایران بمالك خارجی و بدنیا انجام بدهد این وظیفه را دارد و خوشبختانه كاملاً بمسئولیت خود پی برده و با زانغان بایسکه دستگاههای فعلی ما با توجه بدستگاههای تبلیغاتی دنیا خیلی کسری دارد اقدام به تجهیز این وزارتخانه کرده اند منتها بنده باید يك مطلبی را عرض کنم خوشبختانه وزیر اطلاعات و دستگاه اطلاعاتی ما با وجودی که تمام دستگاههای تبلیغاتی مملکت در اختیارشان میباشد هیچ اهل مباحثه و ریزناز حتمی کنفرانسهای رادیوئی نیستند و از طرفی با توجه باثر شخصیت مغنوی شاهنشاه آریامهر و اجرای برنامه های انقلابی کشور ما موجب شده که تمام دنیا علاقه دارند مملکت ما را بشناسند و این مذاکرانی را که آقایان محترم در مورد تقویت دستگاههای اطلاعاتی و رادیوئی مایفرمودند موجب تشکر است و همکاران ما اطلاع دارند که در سال ۱۳۴۸ برنامه های مفصلی برای تقویت دستگاههای رادیوئی در نظر گرفته شده و امیدواریم که در طول برنامه چهارم آنچنان ایسن دستگاهها تقویت بشوند که جوابگوی مملکت خاصه از لحاظ وظیفه ارشادی که این دستگاهها در سراسر روستاها دارند باشند ، و تا حد زیادی این وظیفه را انجام داده اند. بنده بكم مطلبی در مورد کادر وزارت اطلاعات و روشن کردن زارعین میخواستم بعرض آقایان برسانم در این مورد هم اگر ما سرمایه گذاری بکنیم چیزی از دست ن داده ایم باین علت که ما هرچه کشاورزان را بیسداژتر بکنیم و هرچه بتوانیم اطلاعات تازه کشاورزی را در اختیار آنها بگذاریم بازده اراضی ما بیشتر خواهد بود . آقایان

بنده که آب در کشور ما زیاد نیست و اراضی ما محدود است بوی این اصل باید بازده کشاورزی را زیاد بکنیم . مطالبی را بعرض بکنم و آبیاری در برنامه عریض بنده است که به تفصیل بعرض آقایان برسانم ولی مطلبی را که بنده لازم بود در مورد کادر وزارت اطلاعات بعرض آقایان برسانم این بود که در سال ۱۳۴۸ آقایان استحضار دارند که دو فرستنده بکهرزار کیلوواتی موج متوسط در دشت قزوین نصب خواهد شد و يك فرستنده ۲۵۰ کیلوواتی موج کوتاه در کمال آباد نصب میشود و ما میتوانیم با این رادیو کاری بکنیم که صدای ایران بتمام اروپا برسد و بخوبی در آنجا شنیده شود (نمایندگان - انشاء الله) دو فرستنده ۲۵۰ کیلوواتی موج متوسط در اهواز نصب میشود که در این مورد آقای موقر بهتر از بنده میدانند که چقدر در آنجا برای نصب این دو فرستنده زحمت کشیده شده است دو فرستنده ۲۵۰ کیلوواتی موج متوسط در مشهد نصب میشود يك فرستنده ۲۵۰ کیلوواتی موج متوسط در بندر عباس ، يك فرستنده صد کیلوواتی موج متوسط در شیراز ، يك فرستنده ده کیلوواتی در ساری ، يك فرستنده ده کیلو واتی در گرگان ، يك فرستنده ده کیلوواتی موج متوسط در سنندج (دکتر عاملی - حالا که حرف شمارا گوش میکنند بگوئید یکی هم در مهاباد نصب کنند) يك فرستنده ده کیلو واتی موج متوسط در رضائیه از سوم آذر سال جاری آغاز بکار کرده و روزانه یازده ساعت برنامه دارد . بنده میخواستم بعرض نمایندگان محترم برسانم که برای سال ۱۳۴۸ برنامه های رادیوئی کشور به اینصورت خواهد بود - تهران با چهار فرستنده در شبانه روز نود و سه ساعت - اهواز با دو فرستنده ۳۷ ساعت - مشهد با يك فرستنده ۱۹ ساعت - شیراز و تبریز و رشت و زاهدان ۱۸ ساعت - کرمانشاه و بندر عباس ۱۸ ساعت - سنندج ۱۴ ساعت - اصفهان و کرمان ۱۴ ساعت - رضائیه ۱۵ ساعت - ساری و گرگان ۱۴ ساعت - البته بایستی اضافه کنم که شرکت ملی نفت هم رادیوئی خودش را در آبادان تقویت کرده و وزارت اطلاعات هم از نظر برنامه ها و از نظر وسائل کمک زیادی به این فرستنده خواهد کرد . ما امیدوار هستیم با توجه به برنامه های مفصلی که وزارت اطلاعات در دست

اقدام دارد بخصوص از نظر شناساندن ایران در خارج . خاصه بسبب شخصیت شاهنشاه آریامهر بنده بی مناسبت نمیدانم که از طرف عموم نمایندگان محترم بملت ایران دعای خیری را بدرقه راه شاهنشاه آریامهر بکنم (احسنت - صحیح است) و چون واقعا هر چه داریم از او داریم (احسنت) اثر هر يك از مسافرت های شاهنشاه بخارج برای شناساندن مملکت ایران از خرج میلیونها ریال در کار تبلیغاتی بیشتر بوده است (صحیح است) شاهنشاه ما با مسافرت های خود ایرانیت و ایرانی و فکر ایرانی و نبوغ ایرانی و شخصیت ایرانی را بجهانیان نشان دادند (صحیح است) شاهنشاه ما با نبوغ و دهاء و وسعت اطلاعات و بلندفکری که دارند در مسافرت های عذبده خود نسل ایران نوین را بدنيا نشان دادند (صحیح است) (فرهادپور - نه از آن نقطه نظر) جناب عالی هم مال ایران نوین هستید همه مال ایران نوینند در هر صورت بنده چون عریضم پر ابجاز هست فقط از این لحاظ عرض کردم که وزارت اطلاعات همگام با سایر برنامه ها از نظر مسئولیتی که در کار تبلیغات مملکت و شناساندن مملکت دارد و خوشبختانه بوظایف خود آشناست و بدون تظاهر و بسا اطمینان مسئولیات شاهنشاه آریامهر بزرگ ما را احرا خواهد کرد و امیدواریم که مسئولین امر بتوانند رضایت شاهنشاه بزرگ ما را فراهم کنند (نمایندگان - انشاء الله) این مختصری که عرض کردم از نظر سیاست مستقل ملی و کارهایی که واقعا بكم دولت خدمتگزار باید انجام بدهد برشمردم و اما ما فقط کارمان در بودجه هزینه نیروهای مسلح نبود بزرگترین بخش هزینه ما سرمایه گذارها برای آبیاری و کشاورزی و صنعت تشکیل میدهد بنده اجازه میخوام مختصری در آن حد که بنده بنام یکی از اعضائیکه در تنظیم برنامه ریزی آبیاری سی ساله کشور در حزب ایران نوین شرکت کرده ام از وضع آبیاری کشور مطالب خود را بعرض آقایان برسانم آقایان اطلاع دارند که مملکت ما بطور کلی از آندسته از ممالکی است که باران زیاد ندارد آنچه بطور تقریب در مملکت ما محاسبه شده مدد ریزش باران در سال

بایسد میباید متر مکعب است این سرمایه ملی مالست ما باید از این سرمایه کمال بهره برداری را بکنیم روی یک اشل بین المللی که تمام اهل فن این را قبول دارند هر بارانی در موقع باریدن چهل درصد از این نزولات ازین خیرود یعنی ما اگر بخواهیم در مورد آبی که امکان دارد در اختیار بگیریم بایستی روی سیصد میلیارد متر مکعب صحبت بکنیم چون دو بست میلیارد بمحض باریدن یا بتخیر میشود با ازین میرود در قسمت هائی از سطح زمین که قابل استفاده برای آبیاری و آب شیرین باشد نیست از این سیصد میلیارد متر مکعب در دنیا بعضی از ممالک که از این آبها خوب استفاده کرده اند فقط یک مملکت کوچک وجود دارد که حداعلاى استفاده را برده و آن در حدود نود درصد است بقیه در حدود ۸۰ الی ۸۵ درصد از آن استفاده میکنند ما بایستی بآن حداقل یعنی ۸۰ درصد از این آب مفید کوشش بکنیم که این را در اختیار بگیریم یعنی نتوانیم روزی ۲۴۰ میلیارد متر مکعب آب در اختیار داشته باشیم منظورم این است ما الان در مملکتمان آقایان اطلاع دارید پنجاه و چند هزار ده داریم که البته این قراء متأسفانه از نظر جمعیت هیچ نسبتی بهم مدیگر ندارند حتی بعضی از این قراء از نظر جمعیت تعداد ساکنین آن به پنجاه نفر نمیرسد و در عین حال قریه چند هزار نفری هم داریم سطح اراضی فارباب ما با این مقداری که اخیراً اضافه شده حدود سه میلیون هکتار است ما بایستی با استفاده صحیح از این آبها و در اختیار گرفتن آنها با استفاده خوب و صحیح از اراضی بتوانیم این را چهار و پنج برابر بکنیم چون این میزان آب کافی است که ۱۵ الی شانزده میلیون هکتار اراضی را مشروب بکنند اما متأسفانه الان بطور قطع نمیرسد ما آن آماری را که از نظر فارباب مملکت گرفتیم در حدود دو میلیون و ۷۰۰ هزار است تقریباً ۳ میلیون ما اگر از آبهای مملکتی حداعلاى استفاده را بکنیم و از تفریط آب در اراضی جلوگیری بکنیم با توجه باشکة مقداری از آب را برای خوراک و احتیاجات صنعتی لازم داریم امکان این هست که ۱۷ میلیون هکتار اراضی فارباب داشته باشیم برای اینکه به این ائمه برسیم چه کارهائی باید انجام بدهیم؟ آقایان توجه داشته باشند در حال حاضر ما با توجه

به سه میلیون هکتار اراضی فارباب و با توجه به ۵۸ هزار قریه موجود مملکت ما تقریباً اگر آب ریج حساب کنیم ۵۸ هزار ده داریم که اراضی فارباب هر ده پنجاه هکتار روی هم میشود ما برای این ۵۸ هزار تاده چکار میتوانیم بکنیم هیچ ما باید با بستن سدها در مرحله اول آن آبهای را که موقع سیلاب بدر باها میریزد از آنها جلوگیری بکنیم و این آبها را در اختیار بگیریم این یکی موضوع دوم استفاده از آبهای زیر زمینی است که اگر یک وقتی اجداد ما از قنات استفاده میکردند که البته کار بسیار خوبی میکردند و آن موقع نتوانستند از آبهای زیر زمینی استفاده بکنند ولی ما پیشرفت علم و تکنیک امروز قنات بدر دنیای امروز نمیخورد حالا عرض میکنم چرا اراضی بسک سطح آبیکه بین دو دره قرار دارد جناب آقای مهندس بهبودی این مطالب را بهتر ازینده میدانند و معلوم است که باید در نقطه ای چاه حفر کنند که بتوانند آب جمع بکنند با شیب ملایمی این آبها را هدایت کنند که در آن نقطه و آن اراضی محدود بتوانند ازش استفاده بکنند ولی اگر ما بدانیم که در هر فاس این یک سطح معینی وجود دارد و با توجه بوسایل مکانیکی یعنی با استفاده از ماشین آبهای هر دشت را اگر چه این دشت هر چند طول و عرض داشته باشد از بهترین اراضی در بهترین نقطه زمین بتوانیم آب آن دشت را در اختیار بگیریم و میتوانیم چندکار را با هم انجام بدهیم چون اگر در دشت قزوین از هر طرفی آب را بکشند و بیرون بیاورند در جای دیگر آب پائین میرود پس ما بایستی عوامل زراعی را که این عوامل زراعی همیشه سه تا است انسان است آب است و زمین (نماینده گان - بذر) اجازه بفرمائید زمین را نمیشود جابجا کرد ولی انسانها را میشود جابجا کرد و آب را میشود در بهترین نقطه ای که میتوانیم ازش استفاده بکنیم ببریم و آماده برای بهره برداری بکنیم اگر در یک دشتی ۳۰۰۰ چهل ده که هر یک ده پانزده هکتار زراعت دارند، بایستی همه اینها را در یکجا جمع بکنیم و در آن منطقه زمین و آب خوب با آنها بدهیم تا بتوانند کار مفید و خوب انجام بدهند برای استفاده از آبهای سدها برنامه های مفصلی تنظیم شده آمده شده این برنامه ها همه تدوین

شده و عرض اعلیحضرت همایونی شاهنشاه آریامهر رسیده و تصویب فرمودند ما برای اینکه بتوانیم از زمینهای خوب و آب محدود آبیاری استفاده بکنیم بایسد دهات کوچک را جمع کنیم و ازین ببریم و در قطبهای کشاورزی مجتمع سازیم ما با وضع موجود هیچ کاری نمیتوانیم در این دهات موجود بکنیم حتی بعضی از سرمایه گذارها برای قسمتی از دهات موجود کار عینی است (احسن) برای بعضی نه همه آنها و افعلاً کار عینی است کار اقتصادی نیست که برای بعضی از دهات ده پانزده نفره جاده درست بکنند که چه بیاورند آنجا سرمایه گذاری بکنند برای چه ما بایستی برنامه عمران دهات را با توجه بتراکم جمعیت و با توجه بقطبهای آینده کشاورزی تنظیم بکنیم الان هر چه لی را که در این نوع دهات که خواه ناخواه باید از اینصورت خارج کنند و در یک نقاط دیگری دولت پولش را خرج بکنند در آن دهات پول را هدر ندهد ما بخاطر اینکه سه اینم یک چنین برنامه ای را فراهم بکنیم یک برنامه ۳۰ ساله تنظیم شده که چند سالش اجرایشده و امیدوار هستیم از نظر آبیاری صحیح و کشاورزی صحیح با توجه بلا بچه کشت و صنعت که برای اراضی زیر سدها تصویب نمایندگان محترم رسیده این برنامه را با ارشاد شاهنشاه بزرگ خودمان قدم بقدم بر حله اجرا بگذاریم (انشاءالله) و با کمال خوشوقتی میخواستم بعرض آقایان برسانم که مقدار آبی که در حال حاضر به اختیار گرفته شده رقم معتناهی است و خوشبختانه قسمتی از این برنامه ها را ما میتوانیم شروع کنیم ولی کار وزارت آب و برق که از نظر آبیاری اجرای این برنامه است در تمام سطوح انجام گرفته (صحیح است) شده میخواستم چند مطلبی در مورد کارهائی که وزارت آب و برق در سال ۲۷ توانسته انجام بدهد بعرضتان برسانم از طرفی آقای دکتر یزدان پناه مرتباً امر میفرمایند که باختر بپردازم (عده ای از نمایندگان - چرا امر میفرمایند و کیل که بو کیل نمیتواند امر بکنند!) صحبت و کیل از و کیل مطرح نیست آن مطلبی را که بنده در اول مقال بعرض رساندم این افتخاری است برای ما که میتوانیم خودمان را آنچنان منضبط بکنیم ما همیشه فرصت این قبیل سؤالا و سؤالات تندتر از این را در حزب داریم

- نایب رئیس - احتیاج برای ندارد :
- دکتر حکیم شوشتری** - هر وقت فرمایشاتان تمام شدند بر ایضام داده میبندم (نماینده گان - بفرمائید) بنده میخواستم بعرض برسانم که برنامه های وزارت آب و برق در قسمت آب در سال ۲۸ عبارتست از :
- سازمان آب و برق آذربایجان :
- ۱- ادامه ساختمان سدهای ارس و میل و مغان و تأسیسات مربوط بآن .
 - ۲- ادامه ساختمان سد کوروش کبیر (میان دو آب و زرنه رود) و تأسیسات مربوط بآن .
 - ۳- ادامه ساختمان سد شاهپور اول و تأسیسات آب شهر رضائیه و سایر تأسیسات مربوطه .
 - ۴- بهره برداری از تأسیسات آب و برق دشت مغان و توسعه کشاورزی .
- سازمان آب و برق خوزستان :
- ۱- کشت ۴/۳۵۰ هکتار نیشکر و تولید ۴۷/۰۰۰ تن شکر .
 - ۲- تولید و انتقال و توزیع ۸۶۰ میلیون کیلووات ساعت برق .
 - ۳- ادامه عملیات ساختمانی شبکه بزرگ آبیاری سد محمد رضا شاه پهلوی .
 - ۴- توسعه شبکه های انتقال و توزیع برق .
 - ۵- ادامه عملیات مقدماتی سدهای رضاشاه کبیر و نادر شاه .
 - ۶- عمران منطقه شادور و ساختمان شبکه های آبیاری و زهکشی .
 - ۷- حفاظت سد محمد رضا شاه پهلوی و سایر تأسیسات آن .
 - ۸- توسعه کشت نیشکر و کاشخانه شکر هفت تپه .

- ۹- نصب توربین و ژنراتورهای جدید .
- سازمان آب و برق منطقه سفیدرود :
- ۱- بهره برداری از تأسیسات آب سد شهبانو فرح و آبیاری ۹۰ هزار هکتار اراضی منطقه سفیدرود و فومنا .
- ۲- بهره برداری از تأسیسات برق سد شهبانو فرح و تولید ۶۵۷ و ۳۵۸ هزار کیلووات ساعت برق .
- ۳- نظارت بر آب رودخانه های قزل اوزن و شاهرود .
- ۴- توسعه شبکه برق گیلان .
- ۵- ادامه عملیات کانال قومن و سد تاریک و سد های شاخ زروسیخان و کانال پیر بازار و شبکه آبیاری بیشه زارها .
- سازمان آب منطقه ای فارس :
- ۱- ساختمان سد داربوش کبیر (درودزن فارس) .
- ۲- آبیاری ناحیه شبانکاره .
- ۳- کنترل و نظارت در امور رودخانه های استان فارس و بنادر .
- ۴- بهره برداری از تأسیسات موجود .
- سازمان آب منطقه ای تهران :
- ۱- تأمین و تصفیه ۱۲۰ میلیون متر مکعب آب خانه برای ۳۹۰۰۰۰ مشترک شهر تهران و حومه و نصب ۶۰۰۰۰ انشعاب جدید .
- ۲- تأمین آب برای مصارف زراعی شهرستانهای همدان و گلپایگان .
- ۳- تأمین و تصفیه ۲۴۰۰۰۰۰ متر مکعب آب برای ۴۰۰۰ مشترک شهر همدان و نصب ۱۰۰۰ انشعاب جدید در همدان .
- ۴- تأمین و تصفیه ۱۲۰۰۰۰۰ متر مکعب آب برای ۳۳۵۰ مشترک شهر کرج و نصب ۷۵۰ انشعاب جدید .
- ۵- ساخت و نصب ۳۴ کیلومتر لوله بتونی با نظر های مختلف جهت انتقال آب خام از سد امیر کبیر و سد فرحناز پهلوی بد تهران و ساخت ۱۰۰۰۰۰ عدد شیر برنزی و تولید ۱۰۰۰۰۰ متر مکعب شن و ماسه و ۱۰۰۰ تن ماسه کوارتزی .
- ۶- تولید ۵۰ تن کلر منبج ۹۷۰ تن کلر و فریک و ۸۴۰ تن سود محرق جامد و مایع و ۸۰ تن اسید کلرور فریک مورد نیاز تصفیه خانه ها و فروش مازاد محصولات به سایر مؤسسات .

- ۷- تولید و فروش ۱۵۰ میلیون کیلووات برق سد امیر کبیر به شرکت برق منطقه ای تهران .
- ۸- تأمین ۱۹۶ میلیون متر مکعب آب مورد نیاز واحدهای صنعتی و مزارع و دهات اطراف تهران از طریق سد امیر کبیر .
- ۹- ادامه عملیات آبیاری دشت ورامین و گرمسار و دشت قزوین .
- ۱۰- مطالعات ساختمان سد و تونل طالقان و شبکه آبیاری .
- سازمان آب منطقه ای اصفهان :
- ۱- ساختمان سد شاه عباس کبیر .
- ۲- نظارت بر امور آبیاری منطقه اصفهان - نائین کوهزنجان .
- ۳- نظارت بر تقسیم آب رودخانه های منطقه .
- ۴- حفاظت آب های زیرزمینی منطقه .
- سازمان آبیاری سیستان و بلوچستان :
- ۱- ادامه عملیات گروه بندی در سیستان .
- ۲- آبیاری و عمران اراضی دره میانکنگی .
- ۳- بهره برداری از تأسیسات آبیاری .
- ۴- نصب موتور پمپ در کنار رودخانه پریان و دریاچه هامون .
- ۵- بهره برداری از تأسیسات آبیاری .
- اقداماتی که توسط واحد آب و وزارت آب و برق در ۱۳۴۸ انجام خواهد شد :
- ۱- تکمیل مطالعات آب های سطحی و زیرزمینی .
- ۲- تهیه پروژه اجرایی سد و شبکه آبیاری مناطق جیرفت و میناب .
- ۳- تهیه پروژه های آبیاری دشت مهران .
- ۴- اجرای پروژه شبکه آبیاری گنجانم .
- ۵- ادامه مطالعات غرب دریاچه رضاییه - آبیاری کردستان و کرمانشاهان - نهاوند - انزک و نکا .
- ۶- مطالعه کلی مناطق خراسان - گرگان - کرمان .
- ۷- تأسیس آزمایشگاه هیدرولیک .
- مهندس یهودی - طبق ماده ۵۸ اخطار نظامنامه دارم .**

نایب رئیس - آن مربوط به جلسات عادی است .
یکنفر از نمایندگان - ارباب جرایب در جلسه هستند .
فرهادپور - آقای موقر در جلسه هستند خود آقای حکیم شوشتری هم تشریف دارند !
دکتر حکیم شوشتری - بنده برای اینکه همکاران محترم وقت عزیزشان گرفته نشود از قسمتی از عرایض صرف نظر میکنم ولی در مورد برنامه های وزارت آب و برق و اقداماتی که این وزارتخانه انجام داده و انجام میدهد عرض نمیکم ولی یک مختصر بیانی بعلم شنیدن یک مورد خاصی ناچارم عرض همکاران محترم برسانم بنده در مورد تولید برق مطالبی شنیدم که در مورد آن مطالب میخواستم این توضیحات را عرض کنم توسعه تولید صنعت برق از تاریخ تأسیس این وزارت مسا با این برنامه سوم بطور متوسط ۳۳/۵ درصد بوده است البته در گذشته در کشور ما مؤسسات برق بیشتر برای مصارف روشنایی معابر و مصارف خانگی و تجاری شهر ها برق تولید میکردند و مصارف صنایع و کشاورزی توسط نیروگاههای خودکارخانجات تهیه میشد .
 در سال ۱۳۴۶ کل تولید برق کشور حدود ۴/۳ میلیارد کیلووات ساعت است که از این مقدار ۱/۸ میلیارد کیلووات ساعت توسط مؤسسات تابع وزارت آب و برق تولید شده و بقیه ۲/۵ میلیارد کیلو وات ساعت توسط نیروگاههای کارخانجات صنعتی و پخش نفت و نیروی مکانیکی تولید گردیده است .
 بنابر این که عنوان شد از میزان ۴/۳ میلیارد کیلووات ساعت ۱/۸ میلیارد مصرف و بقیه تلف شده است مطلقا نمیتواند صحیح باشد زیرا باین مفهوم است که میزان تلفات حدود ۵۸ درصد بوده است .
 اگر بنگارش های منتشره از طرف مقامات دولتی توجه کرده باشند در سال ۱۳۴۶ میزان تولید مؤسسات برق تابع وزارت آب و برق که حدود ۹۳ درصد ظرفیت صنعت برق را تشکیل میدهد حدود ۱/۸ میلیارد کیلووات ساعت بود و از این مقدار ۱۹/۲۲ درصد تلفات وجود داشته است که در شرایط فعلی معقول است .
 راجع باین مسئله که عنوان شد مصارف صنعتی فقط ۲۱ درصد کل تولید سال ۱۳۴۶ بوده است این مطلب کاملا صحیح است .
 وزارت آب و برق باین مسئله توجه کرده است که مسئله اساسی صنعت برق در ایران مسئله کمبود مصارف صنعتی در صنعت برق است . باین ترتیب بعلم اینکه در گذشته مؤسسات برق قابل اطمینان نبودند تولید برق برای صنایع توسط خودکارخانجات انجام میگردد و چون توزیع مواد نفتی با سابقه حدود ۵ ساله بشکل متشکل و منظمی در سایر مملکت انجام میگردد عملا تولید برق برای صنایع توسط خودکارخانجات بلک سنت قدیمی شده است . این مسئله ایست که در قیمت محصولات صنعتی اثر میگذازد و در عین حال قیمت تمام شده برق را هم بدین دلیل اینکه فقط برای روشنایی معابر و مصارف خانگی مصرف میشود که فقط ساعات محدودی از ۲۴ ساعت مصرف دارند اثر میگذازد و قیمت تمام شده برق را بالا میبرد .
 وزارت آب و برق از تاریخ تأسیس خود برای بالا بردن مصارف صنعتی کوشش فراوان کرده است و در غالب مناطق موفقیت های تجالی بدست آورده است بطوریکه میزان افزایش برق صنعتی بطور متوسط سالانه ۲۸/۸ درصد بوده است . در برنامه چهارم قرار است این توسعه سریعتر باشد بطوریکه از عدد ۲۱/۲ درصد در ابتدای برنامه به ۴۹/۶ در صد تولید در انتهای برنامه برسد و مصارف کشاورزی از ۱/۱ درصد تولید در سال به ۶/۹ درصد در سال برسد .
 در این مورد که افزایش شبکه توزیع همزمان با توسعه تأسیسات تولید بوده است بهتر است با رقام مزاجمه شود . میزان تولید برق توسط مؤسسات تابع وزارت آب و برق در سال ۱۳۴۶ معادل ۱/۸ میلیارد کیلو وات ساعت بوده است که از این مقدار ۱/۴۶ میلیارد کیلووات ساعت بفروش رسیده است بعبارت دیگر میزان افت در سال مذکور ۱۹/۲۳ درصد تولید را تشکیل داده است در صورتیکه در سال جاری با توجه به آمار موجود پیش بینی میشود که تولید نیروی برق به ۲/۵۴ میلیارد کیلو وات ساعت بالغ گردد . از رقم مزبور ۲/۰۸ میلیارد کیلووات ساعت فروش و بقیه که معادل ۱/۱۸ تولید میباشد بصورت افت شبکه بشود .

بنابر این بهبود شبکه باعث گردیده است که ضمن اینکه تولید نیروی برق حدود ۰.۴۰ درصد جاری نسبت سال قبل افزایش یافته است آفت شبکه از ۱۹/۲۳ به ۱۸/۱۸ تقلیل یابد.

به این ترتیب کاملاً روشن است ضمن اینکه تأسیسات تولید برق همیزان زیادی توسعه پیدا کرده است شبکه توزیع برق پایهای آن رقمی بیش از تأسیسات تولید توسعه یافته که آفت برق با وجود افزایش سریع تولید کم شده است.

امیدوار هستیم طبق گزارشی که داده اند و سال بسال این آفت کمتر میشود و ضمناً شبکه هم بهتر شده (یک نفر از نمایندگان - آفت اگر معقول باشد چرا کم میشود؟) هر چه بتواند برق را در مصارف غیر از مصارف خانگی بمصرف برسانند این آفت کمتر میشود بنده میل داشتم یکی دورقم بسیار گویا در مورد سازمانهای آب و برق مملکت و خوزستان بعرض نمایندگان محترم برسانم در مورد مناطقی که سازمانهای آب برده اند نمونه آب تهران است آقایان اطلاع دارند سازمان آب تهران بسا قرض سیصد میلیون تومان از بانک مرکزی شروع بکار کرد و توانسته آب آشامیدنی یک شهر ۳ میلیون نفری را با این قرضه تأمین بکند و الان بالغ بر یک میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان تأسیسات دارد این نمونه یک کار صحیح است آقایان میفرمائید درآمدی نداشته در آمدش را صرف سرمایه گذاری کرده بنده میخواستیم یکی دورقم بعرض آقایان برسانم در سال ۴۷ نصد و هفتاد هفت میلیون ریال سازمان آب تهران از درآمد خودش را سرمایه گذاری کرده این مبلغ برای سال ۴۸ هزار و دویست و هفتاد و هفت میلیون ریال خواهد رسید در مورد برق مملکت هم بنده میخواستیم برضتان برسانم که مؤسسات برق کشور در سال چهارده و هشت در حدود ۷ میلیارد ریال درآمد خواهند داشت که از این مقدار ۴ میلیارد و ۵۰۰ میلیون ریال هزینه سوخت و بدکی و دستمزد کارمند و کارگر و سایر هزینه ها است و بقیه ۲ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان بصورت سرمایه گذاری بمصرف خواهد رسید (مهندس ناصر بهبودی - اگر جواب اقلیت را میفرمائید

این ارقام و مأخذ سندیت ندارد تا نامایند دولت خودش بیاید پشت تریبون و بگوید) بنده در شروع مقال عرض کردم که باسختگونی نمیتوانم عرض کردم دلایل موافقت خودم را عرض میکنم اگر این ارقام برای جناب آقای مهندس بهبودی سندیت ندارد برای بنده و اکثریت سندیت دارد (روستا - شما ادامه بدهید اقلیت خسته شده اند ایراد میگیرند) بنده میخواستیم برضتان برسانم که از همان سد محمد رضا شاه که واقفاً با ارزاترین نرخها برق را در اختیار مردم میگذازد سال ۴۸ (یک نفر از نمایندگان - چه قیمت بود؟) به تعرفه اش مراجعه کنید (مهندس بهبودی - سندیت ندارد) اجازه بفرمائید به آمار مراجعه میکنم سال ۴۸ سد محمد رضا شاه پهلوی ۸۰۰ میلیون کیلووات برق خواهد داشت و از این مبلغ ۳۰۰ میلیون ریال هزینه جاری آن هست و ۵۰۰ میلیون ریال سرمایه گذاری برای توسعه شبکه برق خوزستان خواهد بود به این علت بنده بنام نماینده خوزستان از این اقدام دولت متشکرم و به بودجه آوم با کمال میل و از روی عقیده رأی خواهم داد بنده در چند مورد میخواستیم یک عرایض خیلی مختصری را بمعرض همکاران محترم رسانده باشم و آن در مورد بعضی از سازمانهای انتفاعی است بنده تصور میکنم که ما دولت از مذاکرات همکاران محترم هم اطلاع داشته ایم و هم کمال استفاده را خواهیم کرد اما مطالبی بنظر خودم میآید که لازم میدانم اینها را عرض کنم اولاً خیلی از این سازمانهای انتفاعی ما که با اصول تجارتمندی اداره میشوند نمونه هائی دارند یکی از این شرکتها شرکت هواپیمائی ملی ایران است، چطور کار کرده؟ (نمایندگان - بسیار خوب) آیا این را بگذارند با احتیاجات مختلفی که دارد با آن اصول قانون محاسبات کار بکند؟ این شرکت واقفاً مایه آبروی مملکت است (صحیح است) بزرگترین افتخار این شرکت اینست که اعلیحضرت شاهنشاه بزرگ ما که مثل همه امور خودش بکار هواپیما و خلبانی وارد است و خلبان بسیار ورزیده ای است و از این لحاظ هم بارانند جت فاقوم در آمریکای افتخاری بر افتخارات ما افزودند اعلیحضرت امینان دارند سلامت پرواز این شرکت و بسا هواپیمای این شرکت مسافرت میکنند هم

برای مملکت مامایه افتخار است و هم برای خود شرکت افتخار بزرگی است که شاهنشاه با این هواپیما مسافرت میکنند (صحیح است) این شرکت باجه سرمایه ای شروع کرد؟ قبلاً هم یک شرکت دیگری بود دست مردم چکار کرد؟ الان چند هواپیما دارد با چه پولی؟ هواپیمای جت ۷۲۷ خرید این چند سالیکه شروع کرده بکار فقط برای پروازهای مسافرتی خسته خدا توانسته با امکانات خودش ۱۵۰ هزار مسافر بر دجه چهار تا هواپیمای جت بوئینگ دارد و فقط کمکی که در قبال خرید ۲ هواپیمای ۷۲۷ یعنی جت هائیکه میتوانند پروازهای ۱۱ ساعته بدون توقف بکنند با داشته دولت آمده یک پولی با آنها کمک کرده تمام خریدها و تمام اقساط را خودش کت هواپیمائی داده است نیست بعضی شرکتها مختلف صحبت هائی شد و بعضی سازمانها بنده میخواستیم عرض کنم طبیعت کار بعضی از این شرکتها ملازمه باین دارد که دولت یک قدری پول باینها بدهد بنام سوسید یعنی یک شرکت علاوه بر کار خودش وسیله راهنمایی را در یک رشته مخصوص انجام میدهد و افراد زیادی را ناچار است بخدمت بگیرد برای راهنمایی اشخاصیکه شاغل اینکار هستند آیا پول هدیه صرف میکند در آمد ملی میرود بالا در جای دیگری خدماتی میکند دولت تاجر خوبی نیست ولی دولت بایستی الگو بسازد دولت در سازمان آب و برق میلیونها سرمایه گذاری کرد تا توانست محصول نیشکر را که در زمان هخامنشیان در ایران یکی از محصولات مابود دوباره احیا کند این جزو افتخارات ما است که دول خساور میانه در باره کشت نیشکر از ما کمک میخواهند کار هائیکه گاهی در بعضی از سرمایه گذاریها میکنند دولت مثل مدل اولیه اتومبیلی است که یک کارخانه اتومبیل سازی میکند شاید اتومبیل اولیه مثلاً نمونه شورولت ایمپالرا که کارخانه جنرال موتور میسازد اولین اتومبیلش چندین میلیون دلار تمام میشود برای چه؟ برای اینکه ساختن اولین اتومبیل برای قسمتهای مختلفش پول طراح میدهد پول مهندس میدهد، پول محاسبه کردن میدهد اگر دولت این کارها را در مملکت ما انجام میدهد خیلی از کارها است که متأسفانه در ممالک پیشرفته نیست ما میبینیم در خیلی از

ممالک پیشرفته شرکتها بزرگ و کارخانه های تولیدی مقدار زیادی خرج تفصیلات میکنند در مملکت ما این معارج را دولت باید متعهد بشود و دولت انجام بدهد این را که میگوئیم بودجه برای هر مملکتی موضوع خاصی است علتش اینست که در خیلی از ممالک خیلی از کارهایی که زیر بنای مملکت را درست میکنند ما نباید خودمان را با آنها مقایسه کنیم شاهنشاه فرمودند ما یک راه و رسم ایرانی داریم و از هیچ «ایسم» و «ایت» خارجی استفاده نکردیم ما هیچ روالی از دیگران را برای خودمان انتخاب نکردیم راههای مختلفی که برای حکومت کردن و بهتر زیستن در دنیا درست شده برای خودشان خوب است ما چیزهای خوبشان را مطالعه میکنیم چون مسائل اجتماعی جزء علوم تجربی نیست جزو مسلمات نیست هر صاحب فکری که توانست یک مقداری مبنای اولیه اجتماع را بفهمد و درک کند روی آن میتواند اظهار نظر کند ما سرنوشت مملکت خودمان را خودمان انتخاب میکنیم، راه ما راه ایرانی است راهیست که شاهنشاه ما ترسیم کرده اند و ما آن راه را میرویم و در آن راه قدم میزنیم (صحیح است - احسن) (روستا - کی اینها را تشخیص میدهد؟) بنده هر چه میخواستیم از اطاله کلام صرف نظر کنم تقواست مقدمه ای را که شروع کرده ام نمیتوانم موجز بگذارم در مورد کشاورزی و بهبود کار کشاورزی که در اثر اینکه این سیاست صحیح حزب ما بوجود آمده بنده میخواستیم سروران و همکاران ارجمند و عزیز خود را فقط با یک مقدار آمار و ارقامی روبرو بکنم گاهی ارقام زیادی گویان دارند که از زبان الکن بنده خیلی خیلی قوی تر هستند بنده فقط برای بهبود وضع کشاورزی که هنوز بزرگترین پایه اقتصادی ما است آمار کوچکی بعرض آقایان میرسانم بنده آمدم آمار محصول گندم و برنج و چغندر قدر از سال ۱۳۴۰ تا سال ۱۳۴۶ تهیه کرده ام که بعرض آقایان میرسانم شما بهبود وضع کشاورزی را از این ارقام میتوانید بخوبی درک کنید که واقفاً چه کوششهایی در اثر بزرگترین اصل انقلابی شاهنشاه یعنی اصلاحات ارضی و بدنبال آن آزاد شدن کشاورزان و تمام امکاناتی که برای کشاورزان

فرام شده کشاورزان ما در دنبال این هستند که الان هر چه میتواند در واحد سطح، محصولات بیشتری داشته باشند چون برای خودشان بر میدارند دستگاههای ما برای این منظور بسیج شدهاند و امیدواریم که خیلی از این مجهزتر بشوند ما در سال ۱۳۴۰-۲۰ میلیون و ۸۰۰ هزار تن گندم داشتیم ۴۰۰ هزار تن برنج داشتیم ۸۱۰ هزار تن چغندر قند برای اینکه باز رعایت ایجاز را کرده باشم سال ۱۳۴۶ را برای آقایان قرائت میکنم محصول گندم ما در سال ۱۳۴۶ بتدریج افزایش پیدا کرده تا سال ۱۳۴۶ به رقم ۴ میلیون و ۶۰۰ هزار تن رسیده یعنی دو برابر محصول برنج ما که در سال ۱۳۴۰ ۴۰۰ هزار تن بوده از سال ۱۳۴۶ به ۹۴۰ هزار تن رسیده یعنی بیش از دو برابر بنده از بقیه سنوات صرف نظر میکنم چغندر قند که در سال ۱۳۴۰ هشتصد هزار تن محصولش بوده در سال ۱۳۴۶ به دو میلیون و ۸۰۰ هزار تن رسیده یعنی بالغ بر سه برابر و نیم، این ارقام گویای وضع ما است البته این مطلب را باید عرض کنم که اقدامات همه جانبه ای که انجام پذیرفته موجب این افزایش شده است وزارت کشاورزی وظیفه خودش را انجام داده است سیاهیان انقلاب کوشش کرده اند

مروجین کشاورزی تلاش کرده اند اصلاحات ارضی با توجه ب صندوق تعاون روستائی و آمهائی به آنها داده و ارشاد لازم را کرده حتی رادیو هم به آنها کمک کرده میخواستم از این نظر باز هم با نشان دادن ارقام يك رقم خیلی ساده ای را بعرض آقایان برسانم تا آقایان توجه داشته باشند نمونه کار انقلابی چیست آقایان اطلاع دارند بانك کشاورزی در سال ۱۳۱۲ به امر اعلیحضرت فقید تشکیل شد بنده ایضا میخواستم بعرضتان برسانم از سال ۱۳۱۲ تا سال ۱۳۴۰ بانك کشاورزی جمعا ۳۷۹ هزار و ۳۲۰ فقره وام داده بمبلغ ۸ میلیارد و ۱۱۱ میلیون و ۵۱۱ هزار و ۸۵ (۸۱۱۱۵۱۱۵) هزار تومان یعنی در عرض ۲۹ سال اینقدر وام داده به این مبلغ از سال ۱۳۴۰ بمداز اجرای اصلاحات ارضی تا آخر سال گذشته ۲۳۳۹۱۳ فقره وام داده بمبلغ ۲۷۷۳۱۰۶۶۰۸ ریال این کارها همه جانبه انجام شده است که سطح تولید کشاورزی بالا آمده ولی بعرض

آقایان برسانم این ایدآل نیست ما در اجرای فرمایشات شاهنشاه بزرگمان راههای درازی در پیش داریم قدمهای بزرگی باید برداریم گذشته میخواستم از جامعیت برنامههای دولت نمونه کوچکی بعرض آقایان برسانم که از چند جهت وضع دولت ما در بهبود وضع کشاورزان مؤثر بوده و همه اینها را هم از شاه داریم بما ایده داده و امر فرموده و ما مجری آن هستیم بنده میخواستم نمونه کوچکی عرض کنم خانههای انصاف در روستاها بوجود آمده بنده این مطلب را از نظر مصرف نیروی انسانی بعرض میرسانم روی حساب دقیقیکه بوسیله مؤسسه های آمار گیری انجام شده هر کاریکه بداد گستری ارجح میگردد بین هفتاد تا صد روز طول میکشد و حداقل پولیکه میدادند بین صد تا هزار تومان بود حالا با تشکیل خانههای انصاف همان کارها مجانی بین دونا سه ساعت انجام میشود خانههای انصاف فکر بزرگ اندیشمند داهی توانای ایران است که بملت ایران داده است آنچه آنچنان این امر گرانقدر است که هر چه شکر نعمتش بگذاریم کم گذاشته ایم خداوند سایه گرانقدرش را بر سر این ملت مستدام بدارد تا آن خد تعالی و ترقی که شایسته این ملت کهن است برسیم اما در مورد کشاورزی عرض کردم خدمتان اینجا نیست ما هنوز از واحد سطح درآمد کافی و استحصال کافی نکرده ایم ما ایده مان برای استفاده از زمین همانطور که شاهنشاه فرمودند ما برای گندم غادی حد متوسط برداشتمان ۸۰۰ هکتار است این میزان خیلی پایین است بلز يك روی استفاده خوب از زراعت گندم این میزان را رسانده به ۳۹۰۰ هکتار ما از يك هکتار ۲ تن برنج بر میداریم ایتالیا پنج تن بر میدارد ما باید برسیم بآن حد همینطور محصول چغندر ما در هکتار ۲۰ است هلند ۵۰ تن بر میدارد برداشت ما از محصول پنبه يك تن است باید برسید حدود دو نیم تا سه تن ما از يك هکتار جوبات بیش از يك تن بر میداریم این سایه برسد مثل آلمان بحدود ۲۰۰ که جزء برنامه های حزب ایران نوین است حزب ایران نوین در اجرای اوامر شاهنشاه برنامه هائی تنظیم کرده که سطح برداشت واحد کشاورزی بیشتر شود با استفاده از کود شیمیائی، با استفاده از شیوه های خوب کشاورزی و شیوه های

مترقی کشاورزی این جزء برنامه حزب ما است و امیدواریم بتوانیم بمرحله اجراء در بیاوریم همزمان با این کارها بنده میخواستم بعرض برسانم که کارهای دیگری هم انجام شده ما فکر نکرده ایم که اگر بخواهیم محصولمان زیاد بشود چکار میکنیم وزارت تولیدات کشاورزی هم در این فکر بوده انبار هائی برای انبار کردن این محصولات کشاورزی ساخته برای اینکه جاو گیری بشود اگر احیاناً خشکسالی داشته باشیم ما که سالها گندم صادر میکردیم دوباره مجبور نشویم دستان ما دراز کنیم بنده بیابستی بعرضتان برسانم که در سال گذشته در حدود ۳۰ هزار تن گنجایش انبار ساختیم بنده میخواستم بعرضتان برسانم برای برنامه چهارم هم ساختمانهای سیلوی مفصلی در نظر گرفته شده برنامه اش هم منعکس است حدود ۷۹ هزار تن است سردخانه هائی علاوه از تهران در چند نقطه مملکت ایجاد شده بیابستی کشتارگاههای مدرن ساخته بشود و مراکز زیادی برای ذخیره گوشت ساخته بشود تا بتوانند با استفاده از این سردخانه ها دیگر از نظر غذا در مضیقه نباشیم در همین تهران يك سردخانه ۱۶ هزار تنی ساخته شده (ناصر بهبودی) این سردخانه ۱۶ هزار تنی در کجاست؟ در تمام کارگاه های وزارت تولیدات و طبقه داشته است کارهائی کرده که بعضی از آنها مربوط بمحصولات کشاورزی بود ولی بیابستی عرض کنم که در مورد بهتر کردن سیگارهای ما و خاصه کارخانه تخمیر که بتواند نوع نونون را طوری بکند که قابل عرضه و قابل رقابت با کالاهای جهان باشد اقدامات مفصلی نموده و امیدوارم روزی برسد که لااقل بتوانیم سیگار بکشورهای همجوار صادر کنیم بنده میخواستم عرض کنم که فقط توجه به آبیاری و کشاورزی نشده بلکه دولت ما از همه جهت توجه داشته خاصه از جهات اقتصادی کارهائی که انجام داده واقعا در پیشرفت مملکت فوق العاده مؤثر بوده است بنده میخواستم بعرض برسانم پروژه ذوب آهن و پتروشیمی و لوله گاز را که همه آقایان اطلاع دارند خوشبختانه اجرای اوامر شاهنشاه را در بهر امر رساندن آرزوی بزرگ ملت ایران حزب ایران نوین بعهده گرفته است وزارت اقتصاد دارد وضعی بوجود میآورد که خوشبختانه برای

توسعه صنعت قابل اهمیت است بطوریکه فارس بصورت يك مرکز صنایع شیمیائی، کیلان بصورت مرکز صنایع الکترونیکی و خوزستان بصورت مرکز صنایع فلزی و پتروشیمی و اصفهان بصورت مرکز ذوب آهن و سایر فلزات در آمده بنده میخواستم به عرض آقایان برسانم در اثر تشویق وزارت اقتصاد و امکاناتی که بوجود آمده البته عرایضم را خلاصه میکنم که رفع ناراحتی آقایان بشود چون گاهی در صحبت کردن هم بدشاشی و خوش شاشی است برای دوست ارجمند آقای دکتر عاملی آنچه آنچنان وقت است که بتوانند در کمال فرصت و هر قدر که میل دارند آنچه آنچنان کلمات را در خدمت خود بگیرند که هر چه میخواهد بگویند نوبت ما که میرسد بیابستی عرایضمان را خیلی زود خاتمه بدهیم در هر صورت بنده چند کلمه از کارهای وزارت اقتصاد را باطلاع میرسانم در سال جاری ۵۵ فقره پروانه تاسیس واحدهای تولیدی و صنعتی با سرمایه ای در حدود ۹۸۲۵ میلیون ریال برای ایجاد واحدهای جدید صنعتی و تولیدی صادر شده و برای در حدود ۱۱ هزار نفر کار تازه فراهم میشود طی همین مدت ۱۵۱ فقره پروانه بهره برداری از دستگاهها و واحدهای تولیدی با سرمایه ۴۴۵۳ میلیون ریال صادر شده است دولت در قبال بازده مواد خامی که وارد مملکت شده و بصورت مصنوع خارج گردیده ۱۵۶۱۱۵۸۶۷ ریال جایزه صادرات صادر شده بنده چون علاقمند هستم که همیشه يك فرد منضبط باشم با بیابنك جمله خیلی کوتاه در مورد یکی از وزارتخانه ها بعرض خودم خاتمه میدهم و آن عبارت از این است که در مورد وزارت بهداشتی خیلی صحبت کردیم شاید بعضی از آقایان ندانند که وزیرش از نظر شخصی شاید از بنده هم خوشتر نیاید ولی بنده عرض میکنم چون يك فرد منضبط هستم سلیقه های شخصی را کنار میگذارم بنده يك ضرب و تقسیم را که اشتباه شده بود میخواستم بعرض آقایان برسانم و مرخص شوم و آن عبارت از این است که وزارت بهداشتی در حال حاضر و سایر مؤسسات خصوصی بهداشتی ۴۲ هزار تخت خواب دارد آقایان که اهل حساب هستند ۲۷ میلیون رابه ۴۲ هزار تقسیم میکنند

نمایندگان مجلس و ملت ایران و پیشگاه شاهنشاه بزرگ و عموم مسلمانان جهان عید قربان را تبریک عرض میکنم از حوصله‌ای که نمایندگان محترم در شنیدن عرض ابرایش ارادتمند فرمودند متشکر هستم و بعرضشان میرسانم که بنده و تمام دوستان ما این بوجوه را خوانده‌ایم، فهمیده‌ایم بررسی کرده‌ایم و بهش رأی میدهیم و در مورد سازمانهای انتفاعی مملکت که فرمودند بعرض میرسانم که آن سازمانها بوجهشان، برسلیطان طبق اساسنامه تصویب شده و ما از دولت متشکریم که همه کارها را با اطلاع ما رسانده ما میتوانیم زشت و زیبایش را بگوئیم و آنچه که شما گفتید از شما تشکر میکنیم از تذکره‌های خوشمان می‌آید از حوصله‌ای که مقام ریاست و نمایندگان محترم و همچنین دبیر کل محترم و باارزش خودمان و همه آقایان فرمودند متشکر هستم.

۵ - تعیین موقع جلسه آینده - ختم جلسه

نایب رئیس - چون وقت دیر است با اجازه خانمها و آقایان جلسه را ختم میکنم جلسه آینده به ساعت ۹ صبح روز شنبه موکول میشود.

(ساعت نه و پنججاه دقیقه بعد از ظهر جلسه ختم شد)

نایب رئیس مجلس شورای ملی - دکتر حسین خطیبی

میشود ۶۴۲ یعنی برای هر ۶۴۲ آدم یک تختخواب داریم این از واحد های بین المللی سطحش بالاتر است منتهی ما به این دلیلی که سطح بالاست راضی هستیم ولی کافی نمیدانیم چون متأسفانه قسمت زیادی از این تمرکز در تهران و شهرستانهای بزرگ است مادر بر نامه‌های حزب ایران نوین که دولت مجری آن است باید توجه داشته باشیم که در تمام سطح ممالک بیش از هشتاد درصد سرمایه باید در شهرستانهای کوچک مانند مغان و گرمی و آنجاها تیکه آفهای اسدی علاقمند هستند داشته باشیم زاهدان تختخواب بیمارستانش سطحش نباید بالا عرض کردم بطور کلی از نظر مملکت بالا هست و ما به افتخار ما است چون آن همکار ارجمند ما گزارشی داده بود که برای هر ۱۲ هزار نفر یک تختخواب هست بنده عرض میکنم ۲۷ میلیون را به ۴۲ هزار تقسیم کنید این مایه تأسف ما است که جماع بین المللی تصور کنند که مملکت ما اینقدر عقب افتاده است که برای هر ۱۲ هزار نفر یک تختخواب باشد آماری که بوسیله دولت داده شده خلاف این است (مهندس بهبودی - بفرمائید سردخانه کجاست؟) در تهران ساخته میشود اگر میل داشتید فردا بیایید دستتان را بگیرم ببرم نشانتان بدهم جناب آقای مهندس بهبودی در این شب عید بنده از طرف خودم و با اجازه از طرف حزب ایران نوین به تمام